

بسم الله الرحمن الرحيم

گلینگ

سال هفتم. دوره‌ی جدید. شماره ۲. شماره‌ی پیاپی ۱۴. بهار ۱۳۸۸



صاحب امتیاز

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان

مدیرمسؤل

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان

سر دبیر

ماندانا سایبانی

هیأت تحریریه

- ۱- همایون امیرزاده ۲- دکتر مصطفی ظهیری نیا ۳- دکتر نجمه دری ۴- دکتر اقبال زارعی
- ۵- دکتر محمدجواد دهقانپان ۶- دکتر علی اکبر شیخی فینی ۷- دکتر سید محمدرضا فلاح چای
- ۸- دکتر مصطفی صدیقی ۹- دکتر محمود رئوفی ۱۰- دکتر حسین زینلی پور ۱۱- دکتر سعیده
- گروسی ۱۲- دکتر محمدباقر وثوقی ۱۳- دکتر محمدنور رحمانی ۱۴- دکتر محمد عبادی زاده
- ۱۵- دکتر فرخ سیری ۱۶- دکتر احمد علی اسدپور ۱۷- دکتر مریم صادقی فر ۱۸- دکتر همایون
- خواجه زاده ۱۹- حسن بیابانی ۲۰- منصور لوائی ۲۱- دکتر مصباح سایبانی ۲۲- سوده مقصودی

مدیر اجرایی

کلثوم جعفری

مترجم و ویراستار انگلیسی

رحمت ا... عباسی دمشهری

ویراستار علمی- ادبی

دکتر بهجت نجیبی فینی، دکتر محمدباقر موحد

حروفچین رایانه‌ای

مهری دریایی، زهرا دولتی

طرح جلد و طراحی گرافیک

حسن بردال

شمارگان

۲۰۰۰ نسخه

ناشر

دبیرخانه شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

تاریخ انتشار

بهار ۱۳۸۸

درآمدی بر آیین تدفین در میناب	۵
رحمت الله عباسی دمشهری	
روابط ایران و عمان در دوره قاجار	۱۴
احمد بازماندگان خمیری	
بررسی و مقایسه فعل در گویش فین و گویش فارسی معیار	۲۷
بهجت نجیبی فینی	
عظمت حقوقی و اجتماعی زنان	۴۳
مظفر اکبری مفاخر	
بررسی جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هرمزگان	۵۳
منصور اخلاقی پور - محمد محبی	
نیازسنجی آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء	۶۸
هاشم محمدی چمردانی	
یادی از استاد حسین نوربخش، محقق و خلیج فارس شناس	۷۹
احمد حبیبی	
شکل بادبان های قدیمی در خلیج فارس	۸۲
حسین نوربخش	
معرفی دکتر محمد باقر وثوقی	۸۵
معرفی کتاب: بررسی تاریخی؛ سیاسی و اجتماعی بندر عباس	۸۸
مصطفی کریمی	

بدون مقدمه

«ن والقلم وما یسطرون»...
«قرآن کریم»

سلام: نشریه حاضر شماره دیگری است از فصلنامه آموزشی، پژوهشی «گلپنگ» که حاصل تحقیق و نگارش اصحاب اندیشه و ارباب قلم در استان ماست. تأکید همیشگی و مستمر جناب آقای امیرزاده - مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان - بر تداوم انتشار «گلپنگ» دست‌اندرکاران این فصلنامه را بر آن داشت تا با استعانت از پژوهشگرهای فرهیخته کرانه‌ی خلیج فارس «گلپنگی» درخور خوانندگان و دانش‌پژوهان ارجمند، تقدیم آنان بنماید.

در این شماره آثار متنوعی از کارهای تحقیقی این بزرگان در معرض دید شما قرار دارد با این امید که مقبول طبع والای صاحب‌نظران قرار گیرد.

ناگفته پیداست که دفتر فصلنامه واقع در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان پیشنهادها، انتقادات و دیدگاه‌های خوانندگان سخن‌شناس خود را با جان و دل پذیرا است. باشد که این فرآیند، انگیزه‌ای باشد برای پربار شدن گلپنگ‌ها در آینده. بمنه و کرمه.

سر دبیر

درآمدی بر آیین تدفین در میناب

رحمت الله عباسی دمشهری*

چکیده

آیین‌های موجود در خصوص تدفین با مرگ، تشییع و خاکسپاری گره خورده است. این عقاید نه تنها با باورها درباره مرگ و زندگی پیوند خورده است، بلکه برای زنده‌هانی‌ز کارکردی جامعه شناختی دارد. از این روی، آگاهی در این زمینه به شناخت بهتر باورهای گوناگون درباره مرگ منجر می‌شود. در این مقاله آداب و رسوم تدفین در منطقه میناب مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، هرچا نمودی اساطیری از باورهای کهن و مناسک گذر مرگ وجود داشته، پاره‌ای از آنها ذکر شده است. این بررسی درآمدی است به آیین تدفین در منطقه میناب و گریزی است اساطیری به مشابهت‌ها در مناسک گذر مرگ در منطقه میناب. **واژه‌های کلیدی:** آیین‌های تدفین، مناسک گذر، اساطیر، مرگ، میناب.

مقدمه

راه و رسم تدفین و آیین‌هایی که در این باره وجود دارد، با مرگ، تشییع و خاکسپاری پیوند خورده است. چنین آداب و رسومی مشخصه جامعه انسانی است. این آداب و رسوم نه تنها با عقاید مذهبی درباره ماهیت مرگ و پیدایی یک زندگی پس از مرگ گره خورده است، بلکه برای کسانی که زنده هستند نقش‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و نمادین دارد. لذا، مذاقه آداب و رسوم و آیین‌های کفن و دفن در فرهنگ‌های مختلف ما را به شناخت بهتر عقاید گوناگون در خصوص مرگ و سرشت آدمی رهنمون می‌کند. آداب و رسوم تدفین نه تنها برای آماده‌سازی و دفن جسد متوفی می‌باشد، بلکه برای بازمانده‌ها و تدام روح و یاد فرد فوت شده در خاطره‌ها نیز مفید است.



سیلک، قبر از تراز اول

تدفین در جهان

در تمام جوامع پیش از آنکه جسد را به خاک بسپارند، به شیوه‌ای آن را آماده و مهیای تدفین می‌کنند. اولین خاکسپاری‌های شناخته شده، متعلق به گروه‌های نخستین انسان یا *Homo sapiens* است. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این گروه‌های نخستین (نئاندرتال)، مرده را با گل اخرا که نماد احتمالی اعتقاد به

زندگی پس از مرگ است، ملون می‌کردند.

شست و شو، ملبس کردن به لباس‌های مختلف، و تزئین جسد با زیورآلات، اشیاء مذهبی و تعویذات از جمله شیوه‌های رایج و متعارف تدفین در دنیا هستند. (Encarta Enc. ۲۰۰۳)

یکی از شیوه‌های دقیق تدفین، مومیایی کردن است که در مصر باستان به وجود آمده است. مصریان عقیده داشتند، برای این که روح بتواند به حیات آخروی وارد شود باید بدن نخورده و سالم باقی بماند. چنین نگرشی موجب شد که آنان شیوه‌های مومیایی را بسط دهند. (همان منبع)

شیوه‌های مختلفی که برای دفن و رهایی از جسد مرده به کار می‌رود، با عقاید، اقلیم، جغرافیا و موقعیت اجتماعی مرتبط است. از طرف دیگر، خاکسپاری با نوع عقاید و پرستش اجداد نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. به‌عنوان مثال، سوزاندن مرده، شیوه‌ای است برای رهایی روح از قفس تن. در پاره‌ای مذاهب جسد در معرض عوامل طبیعی، مخصوصاً ددان و لاشخورها گذاشته می‌شود تا خورده شود که از آن جمله می‌توان به عقیده خاص پارسیان باستان اشاره کرد. یکی دیگر از مراسم تدفین به آب‌سپاری بوده که رواج کمتری داشته است. حتی در اندک شماری از جوامع جسد مرده توسط اعضای قبیله خورده می‌شده است. (همان منبع)

حمل مرده با آداب و رسوم خاصی صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال، در مذهب هندو مراسم رفتن به مکان مرده سوزان توسط مردی که ترکه آتشی به دست دارد، رهبری می‌شود و سوگواریها از نقطه‌ای گرداگرد میز تابوت حرکت می‌کنند. (همان منبع)

در یونان، مصر و چین باستان حتی خدم و حشم را نیز به همراه خان و ارباب در قبر دفن می‌کردند. چنین قربانی‌ای بر این نگرش استوار بود که متوفی در زندگی پس از مرگ نیز به این ملزومات نیاز دارد! (همان منبع)

میل برای نگهداری یاد و خاطر متوفی به روش و شیوه‌های گوناگونی نمود پیدا کرده است. به‌عنوان مثال، گاه قسمتی از وسایل مرده مثلاً لباس، زیورآلات و غیره به‌عنوان یادمان نگه می‌داشتند؛ یا برای او بنای یادبود می‌ساختند؛ یا مرثیه‌هایی در یادش می‌خواندند.

پاره‌ای از باستان‌شناسان می‌گویند که به‌رغم شیوه‌های متنوع و گسترده خاکسپاری، به‌طور معمول

چهار اصل عمده و محسوس در همه آنها وجود دارد. نخست، نماد رنگ است. اگر چه رنگ سیاه در همه مناطق نماد مرگ نیست، با این حال استفاده از لباس های سیاه و تیره به عنوان نشانه مرگ، به طور گسترده ای در اکثر مراسم تدفین وجود دارد. دوم، شیوه آرایش موهای سوگواران است که اغلب به عنوان نشانه غم، تراشیده؛ یا می گذارند بزرگ شود تا این آشفته گی نشانه تأکید بر حزن و اندوه آنها باشد. سوم، گنجاندن مراسم پر سر و صدا یا زدن کوس و طبل در مراسم تدفین است. بالاخره، این که در بسیاری از فرهنگ ها از شیوه های پیش و پا افتاده برای آماده کردن جسد استفاده می شود. (همان منبع)

تدفین در ایران

از آنجایی که پرداختن به آداب و رسوم کفن و دفن ایرانی هاو ذکر نقول های تاریخی در این خصوص در حوصله این مقاله نیست، تنها به ذکر روایت تاورنیه درباره آداب کفن و دفن در دوران صفویه بسنده می شود. بدیهی است که این مقدار را تنها برای مقایسه بیشتر در مورد شیوه های کفن و دفن آن روزگار با حال و دگرگونی های احتمالی در این خصوص آورده می شود. تاورنیه مراسم تشییع جنازه و تدفین در دوران صفویه را چنین توصیف می کند:

«در ایران رسم است، وقتی که وضع بیماری خطرناک شد، روی بام خانه او آتش می افروزند. برای اینکه همسایه ها مطلع شده برای بیمار از خداوند طلب شفا کنند. همین که بیمار وفات کرد، تمام خانه پر از شیون و فریاد می شود، زن ها گیسوهای خود را می کنند و حرکاتی می دهند که شخص تصور می کند آنها مسحور و جنی شده اند و آوای حزین به صورت نوحه گری صفات حسنه مرده را می شمارند و در هر لحظه فریادهای موحش می کشند.

پس از آن به قاضی اطلاع می دهند که فلان کس مرحوم شده است. قاضی به آنها می گوید: سر شما سلامت باشد، آنگاه حکمی به غسل نوشته مهر می کند که مرده را به غسلخانه ببرند و بشویند. غسلخانه مکان مخصوصی است برای شستن مرده ها که در کنار آب های جاری بنا می کنند. بعد از آن ملاها با علم و بیرق های مخصوصی می آیند که علم هابه این شکل هستند دارای چوب های بلندی منتهی به سرنیزه و در دو طرف سرنیزه تیغ های بلندی است که با اندک حرکتی خم و لرزان می شود و این اشخاص با فریاد، «الله... الله... الله...» می گویند، بدون اینکه چیز دیگر بیان کنند و پی در پی روی یک پا چرخ خورده؛ جستن می کنند و هر کس بلندتر فریاد کند بیشتر اجرت می گیرد، و برای این که بتوانند فریاد کنند، انگشت ابهام دو دست را به سوراخ دو گوش کرده و سایر انگشت ها را بر روی صورت می نهند. بعد از آن که مرده را غسل دادند، لباس های او را غسل متصرف می شود، زیرا از روی حق به او تعلق دارد. وقتی تابوت را به طرف گورستان می برند، معمول است هر عابری که با جنازه مصادف شود شانه خود را به زیر تابوت داده در حمل آن کمک می کند و به قدری تابوت روی شانه او خواهد بود تا دیگری بیاید.

اما قبر ایرانی ها گودالی است به عمق و طول شش پا و عرض دو پا حفر کرده و مرده را به پهلو رو به مکه در آن می خوابانند، و دو خشت در پهلو سرش می گذارند که خاک بر روی صورتش

نریزد. اگر مرده متمول و جنگ‌آور رشیدی باشد، دستار، شمشیر و تیر و کمانش را همراه با ماکولات در قبرستان گذارده با او دفن می‌کنند. روی گودال را با آجر پوشانده و بالای آجر را خاک می‌ریزند و متفرق می‌شوند. فقط مالاها به خانه مرده مراجعت میکنند که غذا صرف کرده مزد تلاش خود را دریافت کنند. پس از آن دوست‌ها نزد وراثت فرد فوت شده می‌آیند و تسلیت می‌گویند و اظهار تأسف می‌کنند و دنیا را در بی‌ثباتی به کاروانسرا و مخلوق را به قافله پیش و پس تشبیه می‌نمایند. هشت روز بعد صاحب مرده سوار اسب شده به بازدید دوستان می‌رود». (تاورنیه، بی تا، ۶۴۵-۷)

تدفین در میناب

از آنجایی که در بخش‌ها و مناطق مختلف استان هرمزگان آداب و رسوم کفن و دفن به شیوه‌های متفاوتی برگزار می‌شود و گاه در پاره‌ای از آنها به خاطر تفاوت مذهبی، مثلاً بین شیعه و سنی، اختلاف‌هایی وجود دارد، تمرکز پژوهشی تنها روی یک منطقه قرار گرفت است با این حال، اگر شباهت و اختلافی بین شیوه‌های مرسوم کفن و دفن در استان بود، اندک اشاره‌ای به آن‌ها شده است. لذا آنچه در این مقاله گفته می‌شود، مربوط به شیوه کفن و دفن در میناب و نواحی اطراف آن است.

از قدیمی‌ترین اشاره‌هایی که درباره مراسم تدفین در منطقه شده است؛ می‌توان به قسمتی از نقل قول مارکوپولو هنگام سفرش به هرمز یاد کرد. او می‌گوید:

«در اینجا اگر کسی چه زن و چه مرد فوت کند برای وی یک عزاداری مفصل و بزرگ انجام می‌دهند. بیهوا تا چهار سال و حداقل روزی یکبار در مرگ شوهرهای خود نوحه‌سرایی می‌کنند. برای این کار تمام فامیل و همسایه‌ها جمع می‌شوند و با صدای بلند و فریاد گونه گریه می‌کنند و فریاد می‌کشند و به این ترتیب مرده را یاد می‌کنند و از آن جایی که در این نواحی مرگ و میر زیاد اتفاق می‌افتد، صدای گریه و زاری هیچ وقت قطع نمی‌شود. در این سرزمین زن‌هایی هستند که با پول و حقوقی که دریافت می‌دارند در روی قبور مردگان گریه و زاری می‌کنند». (مارکوپولو، ۱۳۶۳، ۵۰)

با خاموش شدن چراغ زندگی یک فرد، ملا یا شخص دیگری که به تلقین گفتن آشناست، سعی می‌کند که حداقل یک تلقین، حال چه به زبان فرد محتضر یا خودش، برای میت بخواند. پس از ذکر تلقین و درگذشتن شخص، پاهای فرد متوفی را به طرف قبله قرار می‌دهند، علاوه بر این دهان و چشم میت نیز می‌بندند. با اعلام همگانی فوت متوفی از طریق آشناها یا از بلندگوی مسجد، به خصوص در روستاها، از اهالی تقاضا می‌شود که در مراسم تشییع جنازه متوفی شرکت کنند.

نخستین مرحله تدفین، شست و شو یا غسل میت است. با توجه به جنسیت (مرد یا زن) متوفی افرادی در معیت ملا، غسل را انجام می‌دهند. پیشتر که امکاناتی چون غسلخانه و یا مکانی برای شستشو نبود، میت را در خانه غسل می‌دادند. اما در حال حاضر، اغلب قبرستان‌ها برای شست و شوی میت محل مخصوصی دارند.

میت را روی رونی **ravoni** (=تابوت) می‌گذارند و به طرف غسلخانه می‌برند. در غسلخانه کلیه پوشش و لباس‌های میت، جز لباسی که ستر عورت کرده، از بدنش درآورده می‌شود. پس از آن، ازاله نجاست از بدن میت می‌شود. به سخن دیگر، بدن میت را با آب و سدر می‌شویند و چنانچه

ماده نجسی از جمله ادرار، مدفوع، خون و غیره، روی بدنش باشد کاملاً از بدن پاک می‌شود. پس از این کار نوبت به غسل میت می‌رسد، غسل با سه آب داده می‌شود، آب سدر، کافور و آب مطلق. آب سدر نباید زیاد غلیظ و نه فاقد سدر کم باشد. بلکه باید مخلوطی از هر دو مواد باشد؛ چنانچه به آب معمولی نماند.

ابتدا سر میت را غسل می‌دهند و سپس به ترتیب سمت راست و چپ بدن شستشو داده می‌شود. به طور معمول برای غسل دادن هر یک از این قسمت‌ها از سه کاسه آب استفاده می‌شود. پس از غسل میت اعضا سجده‌گاه را با کافور حنوط *honut* می‌کنند. به سخن دیگر، به اعضای که هنگام نماز خواندن با زمین تماس دارد (مثلاً پیشانی، دو کف دست، زانو و دو انگشت بزرگ پا) مقداری کافور می‌مالند. البته مستحب است که بعضی از اعضا دیگر، مثلاً روی سینه، سربینی و زیر بغل، نیز حنوط شود.

بعد میت را کفن پوش می‌کنند، کفن شامل سه تکه است: یک تکه که تمام بدن را می‌پوشاند، دوم جامه که به اصطلاح *dalk* دلق گویند و سوم *lonk* (لنگ). این سه تکه برای مرد و زن هر دو واجب است. کفن زن سینه‌بن *sina ban* (=سینه‌بند) نیز دارد. در نهایت برای پوشش سر میت، برای مرد عمامه و زن تکه پارچه چهارگوش به نام *makna'a* (=مقنعه) دور سر بسته می‌شود. برای درست کردن هر یک از تکه‌های کفن از سوزن، نخ، قیچی و امثال آن استفاده نمی‌شود و کلیه تکه‌ها با گره دادن پارچه‌ها درست می‌کنند. پس از کفن پوش کردن، دوباره میت روی رونی گذاشته می‌شود و برای نماز خواندن آماده می‌شود. هنگام نماز خواندن باید صورت میت به طرف قبله باشد. همگی نمازگزارها به طرف قبله می‌ایستند و نماز میت اقامه می‌شود. بعد از اقامه نماز، تشییع‌کننده‌ها کنار تابوت می‌آیند و در کنار جسد متوفی فاتحه‌ای می‌خوانند. پس از آن، میت را به سوی قبر می‌برند. حد فاصل بین محل اقامه نماز و محل دفن، میت سه بار به زمین گذاشته می‌شود و سپس بلند می‌کنند و بار چهارم او را به درون قبر می‌نهند. میت با کمک چند نفر به درون قبر حمل می‌شود. اگر میت مرد باشد از طرف سر وارد قبر می‌شود و اگر زن باشد از پهلو.

معمولاً قبر به اندازه یک انسانی که دارای قامت متوسط است حفر می‌شود، به نحوی که بوی فساد مرده از آن متصاعد نشود. درازا و پهنای آن هم با توجه به قامت فرد سنجیده و کنده می‌شود. به طور کلی، قبر از دو قسمت عمده تشکیل شده: راست‌گود و الحد. معمولاً شکل قبر با توجه به نوع زمین کمی فرق می‌کند. به‌عنوان مثال، زمین‌های سفت و سخت برای دفن مرده مناسب هستند؛ چرا که قبر نشست نمی‌کند. اما در جاهایی که زمین نرم و شنی است پشت میت را با *tâbok* (جلوک) می‌چینند و بعد روی آن با خشت گرفته می‌شود.

در قبر صورت و پاهای میت باز شده، به طرف قبله قرار داده می‌شود. در بعضی مناطق به‌هنگام خواندن تلقین، همه تشییع‌کننده‌ها دست‌هایشان را باز می‌کنند و توصیه می‌شود که کسی دست‌هایش را نبندد. پس از قرار دادن میت در الحد *alhad* (=لحد) در آن با خشت پوشانده می‌شود و تنها قسمت کوچکی را برای خواندن تلقین باز می‌گذارند. سه تلقین خوانده می‌شود، تلقین هنگام احتضار، تلقین درون قبر و تلقین پس از خاکسپاری که به تلقین *hojjat* معروف است. تلقین با سه بار گفتن این عبارت شروع می‌شود: «اسمع افهم یا فلان بن/ بنت فلان». تلقین شامل شهادت

دادن به پیامبر (ص) و ائمه (ع) می‌باشد.

پس از اتمام تلقین، روی میت با خاک پوشانده می‌شود. در پاره‌ای مناطق فرزندان روی پیکر پدر یا مادرش خاک نمی‌ریزد. چرا که معتقدند قساوت قلب می‌آورد، یا بین ورثه اختلاف پیش می‌آید. به هر حال، اغلب شرکت‌کننده‌ها در مراسم تشییع مقداری خاک روی قبر می‌ریزند. در بعضی مناطق پس از پوشاندن کامل قبر با خاک، ابزاری که در حفر گور استفاده شده (مثلاً بیل، کلنگ و غیره) روی قبر گذاشته می‌شود و در نهایت پارچه سبزی روی آن می‌کشند.

در بعضی مناطق رسم است که اگر کسی شب شنبه دار فانی را وداع کند بهتر است، در قبرش یک تکه آهن انداخته شود. در نظر عوام روز شنبه، روز سنگینی است و کسی که در این شب بمیرد، بل bel (=جفت) می‌طلبد و ممکن است فرد دیگری نیز به دنبال او بمیرد.

پس از اتمام مراسم تدفین به ترتیب این مراسم گرفته می‌شود: سه روز (=ختم)، هف روز hafruz (=هفت روز)، چل روز / čel ruz (=چهل) و سال/سالی (=سالگرد). سنگ قبر میت را روز چهلیم نصب می‌کنند. گاه بعضی از افراد خیر به جای برگزاری مراسم هفت، چهلیم و سال، کلیه هزینه‌ها را صرف امور خیریه، مثلاً تعمیر مسجد، زیارتگاه و امثال آن می‌کنند.

نتیجه‌گیری

از دید انسان‌شناسی مرگ نیز چون بسیاری از رخدادهای مختوم چرخه زندگی انسان، چون تولد و ازدواج، یک مرحله گذر است. این گذر ممکن است برای انسان با بحران همراه باشد. از این روی، در گذر از این مرحله مناسک گذر شکل می‌گیرد. بسیاری از آداب و آیین‌ها در جهت تسهیل چنین گذری شکل گرفته و در گذر زمان با تحول اعتقادات، انسان دگرگون می‌شود. مناسک گذر مرگ در هر آیین و فرهنگی ممکن است با باورهای اسطوره‌ای پیوند خورده باشد. لذا، در آداب مربوط به مرده‌ها و سازگاری با زمانه‌های مرده می‌توان مراسمی را مشاهده کرد که با اساطیر و باورهای کهن مردم سرو کار دارد. (هینلز، ۱۳۸۵)

همان‌طور که مشاهده شد، در مناسک گذر مرگ در میناب چهار اصل عمده متعارف مراسم تدفین به روشنی آشکار است. در این آیین، مناسک مذهبی و باورهای کهن بومی به گونه‌ای در هم آمیخته شده است، که تفکیک پذیری آن‌ها را مشکل می‌کند. به نحوی که ممکن است تمام مناسک و آداب در این خصوص درون مایه دینی - مذهبی داشته باشد و پیوند آنها با باورهای کهن غیرممکن و بعید انگاشته شود. اما آنچه در مراسم تدفین در میناب دیده می‌شود تلفیق اساطیر کهن و باورهای بعدی در تسهیل گذر مرگ است که در سه مرحله متوالی صورت می‌گیرد که عبارتند از:

الف - هنگام نزع: خواباندن میت رو به قبله، تلقین اولیه، تلاوت قرآن و ساکت گذاشتن فضای احتضار و دادن آرامش و اطمینان به شخص محتضر، همگی گویای این است تا گذر مرگ را برای شخص محتضر تسهیل و آرام‌تر کنند. در این مرحله حتی ممکن است از شیون و زاری اطرافیان خودداری شود تا شخص محتضر با آرامش و جرات بیشتر به نخستین مرحله گذر مرگ پای بگذارد. ب - تدفین: غسل میت، ملبس کردن به کفن، شیوه خاکسپاری، اندازه و شکل قبر و سایر روش‌ها

که در این خصوص به کار گرفته می شود، همگی بخش‌هایی از مناسک گذر است که در قالب آیینی ویژه آشکار است. آیینی که در آن گاه نشانه‌هایی از باورها و عقاید کهن پیدایی دارد. برای نمونه، شستن مرده که در قالب «غسل» نمود می‌یابد- و ممکن است در نگرش برخی یک عمل مذهبی قلمداد شود- می‌تواند نمودی از این باور کهن باشد که مرگ «کار اهریمنی» و به مفهوم پیروزی او بر «آفرینش نیک» است. لذا، جسد میت «جای دیوان» و منشا آلودگی است. از این روی، در اولین گام از مراسم تدفین این جسم اهریمنی و «نسو» باید به ترتیبی خاص تطهیر گردد تا موجب آلودگی چیزهای دیگر نشود. باور به این اعتقاد کهن- مذهبی است که موجب می‌شود، کسی که با جسد میت ارتباط برقرار می‌کند باید غسل گیرد و بدن را از آلودگی جسم نشوش رهایی دهد.

ج-سوگواری: از نمودهای دیگر مناسک گذر، سوگواری است که به شیوه‌های مختلف و در چند مرحله صورت می‌گیرد. در برگزاری مراسم سوگواری رنگ سیاه، به عنوان نشانه مرگ، نمود چشمگیری دارد. آوازهایی که در مراسم سوگواری خوانده می‌شود، نمودی از لایه‌های رسوب شده آیین‌های سوگواری کهن، مثلاً سوگواری سیاوش، است. در این آیین‌هاست که می‌توان نشانه‌هایی از شیوه‌های کهن سوگواری را جست و جو کرد. از این روی، بررسی مراسم سوگواری مناطق مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند زمینه پیدایی باورداشت‌های کهن در مناسک گذر شود. گفتگو درباره سایر ویژگی‌های مناسک گذر مرگ در میناب بسیار است که نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتر است. اما در لابه‌لای همین گفتارها، مباحث جالب بسیاری وجود دارد که ذهن را به مذاقه وا می‌دارد. برای مثال، کاربرد رنگ‌های مختلف از جمله سبز و نهادن یک شاخه سبز درخت درون قبر نمودی از تقدس و اعجازگری گیاه و نبات نزد انسان نخستین و باور کهن او به ادامه حیات پس از مرگ به هیأت باشنده ای (=موجود) نباتی است.

تکرار اعدادی چون سه، هفت و چهل در مناسک گذر مرگ، یادآور تقدس و کارکردهای ویژه اعداد مذکور در فرهنگ و باورهای کهن است. نثارهای آیینی از جمله شم‌مرده *šom morda* صورت دگرگون شده از باور به این موضوع است که انسان پس از مرگ به همان وجهی که در روی زمین بوده است زندگی خواهد کرد و نیازمندی‌هایی دارد که باید توسط بازمانده‌هایشان مرتفع شود.

و سرانجام اینکه «مرگ و باورهایش و اسطوره‌های مربوط به آن خاستگاه بسیاری از اسطوره‌های فرجام، باورها، آیین‌ها و آدابی است که در گریز از وحشت نبودن و میل به بودن بر می‌خیزد و در پاسداری آداب مرده‌ها پدیدار می‌شود».

پی‌نوئیس‌ها

- ۱ - نام علمی انسان است که متعلق به تیره جنس انسان (*homo*) و شامل انسان‌های نابوده شده دیگر از جمله *Homo habilis* و *Homo erectus* بوده است.
- ۲ - در پاره‌ای فرهنگ‌ها پاهای جسد را می‌بندد، شاید به این دلیل که روح متوفی در عالم پس از مرگ سرگردان نشود.
- ۳ - در گذشته حتی زن متوفی مجبور بود خود را به وسط هیمه آتش بیندازد. این مراسم که تا صد و اندی سال پیش هم رواج داشت و توسط انگلیسی‌ها قدغن شد، به *suttee* معروف بود.
- ۴ - در ایران نیز چنین رسمی وجود داشته است. به عنوان مثال، پارتیان، برعکس آیین زرتشت، اموات را با لوازم خانه به خاک می‌سپردند. (دیاکونف، ۱۳۵۱، ۱۲) یهودیان یک دوره هفت روزه انزوا به نام *Shivah* در ادامه خاکسپاری خویش نزدیک توصیه می‌کنند. (Encarta Enc. ۲۰۰۳)
- ۵ - سرای سینیچ
- ۶ - پیشدادافر (۱۳۸۲) در خصوص غسل مرده در منطقه درتوجان می‌گوید: «در گوشه‌ای از خانه متوفی محلی را انتخاب کرده و چاله‌ای کوچک حفر می‌کنند و با ساقه‌های تر درخت خرما، یا نخل محمدی، می‌پوشانند و مرده را روی آن می‌گذارند و شستشو می‌دهند.» پیشدادافر (۱۳۸۲)
- ۷ - در پاره‌ای مناطق تکه دیگری به نام رن پیچ *ron pič* (=ران پیچ) نیز درست می‌شود.
- ۸ - در بعضی مناطق دو تکه چوب نخل، انار یا هر درختان دیگر، به عنوان جریدتین *jaridatayn* همراه میت دفن می‌شود. علاوه بر این، دعاهایی که معمولاً نام پیامبر و ائمه در آن آورده شده، نیز زیر بغل یا سینه مرده می‌گذارند.
- ۹ - پیشدادافر (۱۳۸۲) در این خصوص می‌گوید: «بعد از نماز زنان و مردان خود را به تابوت می‌رسانند و با متوفی خداحافظی می‌کنند و نیز یک نفر بعد از نماز آفتابه‌ای پر از آب، از همان آبی را که مرده را شستشو و غسل داده‌اند به دست می‌گیرد و روی کف دست چپ افراد می‌ریزد و آن‌هانیز آن آب را به صورتشان می‌زنند.»
- ۱۰ - در پاره‌ای مناطق، مثلاً درتوجان، به جای آهن یک جوجه مرغ یا خروس زنده، به همراه مقداری خرما درون قبر گذاشته می‌شود. (پیشدادافر، ۱۳۸۲) از جمله رسوم جالبی که در پاره‌ای مناطق، مثلاً سرخون، در خاتمه مراسم تدفین برگزار می‌شود، ریختن برگ‌های سبز درختان روی همدیگر است. به این ترتیب که افراد در بازگشت از قبرستان مقداری برگ سبز می‌چینند و روی همدیگر می‌ریزند تا همیشه سبز و خرم باشند.
- ۱۱ - در پاره‌ای مناطق، مثلاً درتوجان، اگر بلافاصله پس از مرگ میت، فرد دیگری از بستگان بمیرد، عقیده دارند که کفن در دهان مرده رفته؛ یا پای میت روی هم افتاده است. لذا، برای این که میت قربانی دیگری نگردد، نبش قبر می‌کنند و پای مرده را از هم جدا کرده و کفن را از کنار دهان او دور می‌کنند.
- ۱۲ - *Rites of passage*: مناسکی که گذار یک فرد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت دیگر را نشان می‌دهد، مناسک گذر نامیده می‌شود. (بیتش، د. و پلاگ، ف. ۱۳۸۲)
- ۱۳ - یک- نمود یک رنگ برجسته، دو- آرایش و پیرایش ظاهری مرده و سوگوران، سه- پیدایی سوگ آوازاها و گاه نواختن یک آلت موسیقی و چهار- پیدایی شیوه‌های ابتدایی برای آماده کردن جسد.
- ۱۴ - نسو/ نسوش: نام دیوی که تن انسان را می‌گنداند و موجب فساد آن می‌شود.

منابع و مآخذ

- ۱ - بیتس، دانیال و پلا، فرد(۱۳۸۲)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه نحسن ثلاثی، تهران، علمی.
- ۲ - پیشدادفر، فرخنده(۱۳۸۲)، فرهنگ مردم در توجان، بندرعباس، سپاهان.
- ۳ - تاورنیه(بی تا) سفرنامه تاورنیه، ترجمه، دکتر حمید شیرانی، بی جا، بی نا.
- ۴ - دیاکونف، م.م(۱۳۵۱)، اشکانیان، تهران، پیام.
- ۵ - گریشمن، ر.(۱۳۸۳)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
- ۶ - مارکوپولو(۱۳۶۳)، سفرنامه ماکوپولو، ترجمه منصور سجادی و آنجلا جوانی، تهران، گویش.
- ۷ - هینلز، جان(۱۳۸۵)، اساطیر ایران، ترجمه محمد حسین باجالان فرخی، تهران، اساطیر.

روابط ایران و عمان در دوره قاجار (بخش اول)

احمد بازمانگان خمیری*

چکیده

روابط ایران - عمان از آن دسته مسایلی است که کمتر بدان پرداخته شده است. عمان که از دیرباز بخشی از قلمرو شاهنشاهی ایران بود از دوره صفویان به بعد به سوی جدایی از ایران روی نهاد. پس از دوره زندیه این دوری تبدیل به رقابت تجاری - سیاسی در خلیج فارس شد. در دوره قاجار مهم ترین مسأله مورد اختلاف، اجاره گمرک بندر عباسی بود که بیشتر نویسندگان ایرانی و خارجی به اشتباه آن را به اجاره سیاسی مناطق جنوبی تعمیم داده اند. در این مقاله به بررسی روابط عمان در دوره زندیه و قاجار پرداخته می شود. **کلید واژه ها:** ایران - قاجار - عمان - خلیج فارس - بندر عباسی - مسقط

مقدمه

امروزه روابط خارجی کشورها، یکی از مهم ترین دغدغه هایی است که بیشتر سیاستگذاران را به خود مشغول کرده است. نوع و تبیین سیاست خارجی در حال حاضر به صورتی علمی درآمده است و کسانی که فاقد آن هستند قادر به حفظ منافع ملی خود نمی باشند. هر گونه عدول از این سیاست موجب نفرین و نکوهش آیندگان خواهد شد. روابط خارجی ایران با توجه به موقعیت استراتژیک خاص آن - در طول تاریخ دستخوش تحولات گوناگونی شده است که در کتاب های مختلف به بررسی جنبه های متفاوت آن پرداخته اند. اما روابط ایران و عمان (مسقط) در دوره زند و قاجار

* دستیار علمی و مدرس دانشگاه پیام نور - واحد بندر خمیر Email: poia21@gmail.com

کمتز مورد توجه و عنایت قرار گرفته است؛ با توجه به روابط دیرینه ایران و عمان و همسایگی و مهاجرت های دوسویه بین دو کشور، بررسی این روابط دارای بعدی تازه و متفاوتی می شود. سرزمین هایی که امروزه دولت های عمان و امارات عربی متحد را تشکیل می دهند و در گذشته آن را عمانات می نامیدند؛ از دیر باز جزء قلمرو سیاسی - فرهنگی ایران بوده است. که از دوره قاجار این مسأله بنابر دلایلی پایان می پذیرد که این دلایل را بایست در تحولات جهانی، دلمشغولی های دولت قاجار در مرزهای شمالی، گسترش حوزه نفوذ دولت استعمارگر بریتانیا و نیز ظهور مدعیان قدرت در حوزه جنوبی خلیج فارس جستجو کرد. این مقاله، روابط ایران و عمان را از اواخر دوره زندیه تا سال ۱۲۸۵هـ سال تصرف بندر عباسی به وسیله نیروهای ناصرالدین شاه، مورد بررسی قرار می دهد. عصری که در آمدهای گمرکی بندر عباسی و حواشی آن را به امامان مسقط اجاره دادند. در این بررسی سعی شده است به سه سوال کلیدی پاسخ داده شود: ۱- چرا دولت ایران حاضر شد مناطق جنوبی ایران را به امامان مسقط اجاره دهد. ۲- تأثیر این کار بر روابط دو کشور چه بود؟ ۳- این مسأله چه نتایجی برای دولت ایران در پی داشت؟ باید توجه داشت که تأثیر و نتایج اجاره بندر عباسی به مرور زمان در روابط دو کشور نمود پیدا کرد و اندک اندک موجب توجه بیشتر دولتمردان قاجار به مسأله حاکمیت ایران در خلیج فارس شد.

نگاهی به وضعیت جغرافیایی - اجتماعی عمان

از نظر جغرافیایی کشور عمان، در واقع شبه جزیره یی است که از سه سو دریا و از سمت دیگر بیابان لم یزرع ربع الخالی آن را احاطه کرده است. تا اوایل قرن نوزدهم میلادی به تمامی سرزمین های شرقی شبه جزیره عربستان «عمان» گفته می شد. اما از ابتدای این قرن این سرزمین به دو بخش تقسیم شد: عمان متصالحه (TRUCICAL OMAN) و سرزمین اصلی عمان. (یگانه، ۱۳۷۴: ۱) عمان متصالحه امروزه شیخ نشین های امارات عربی متحده را تشکیل می دهد که عبارتند از: ابوظبی، دبئی، شارجه (شارقه)، ام القیوین، فجیره، عجمان و رأس الخیمه که همگی بجز فجیره در کنار خلیج فارس قرار دارند. شیخ نشین فجیره تنها حاکم نشینی است که در کنار دریای عمان واقع شده است. عمان اصلی خود به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می شود: قسمت شمالی آن در کنار تنگه هرمز قرار دارد و نام دیگر آن رأس مسندام است که به وسیله شیخ نشین فجیره از عمان اصلی جدا می شود. بلندترین کوه عمان که هجر باشد از آن جا شروع می شود و به عمان جنوبی ختم می شود. این منطقه امروزه به دلیل مشرف بودن بر تنگه هرمز از نظر سیاسی دارای اهمیت فراوان است. عمان جنوبی که پهنه بیشتری از سرزمین عمان را در بر می گیرد از سمت شمال و شمال غرب به امارات عربی متحده، غرب به عربستان سعودی (ربع الخالی) جنوب به یمن و مشرق به دریای عمان محدود می شود. مهم ترین شهرهای آن سحار و مسقط بودند که در تحولات بخش های جنوبی شبه جزیره عربستان در قرون هفده و هجده میلادی نقش به سزایی ایفا کردند. و به دلیل اهمیت مسقط بیشتر منابع این ناحیه را مسقط می نامیدند.

تا اوایل قرن نوزدهم، عمان و مسقط دو واحد سیاسی مجزا بودند. اما به تدریج مسقط به دلیل

این که از موقعیت برتری برخوردار بود؛ توانست سلطه خود را گسترش دهد تا جایی که علاوه بر عمان داخلی، مناطقی در افریقای شرقی را نیز ضمیمه قلمرو خود سازد و مقام امامت که از آن فرمانروایان عمان بود به حاکمان مسقط انتقال یافت. برتری مسقط در قرن نوزدهم موجب شده است که بیشتر محققان تمام عمان را در این دوره مسقط بنامند. (KELLY, 1968: 3)

اوضاع اجتماعی عمان

عمان همچون دیگر کشورهای عرب منطقه، سرزمینی است دارای قبایل مختلف، که در آن شیوه تفکر سنتی هنوز هم تا اندازه یی حاکم است. در این کشور در حدود دویست قبیله بزرگ و تعداد بی شماری قبایل کوچک زندگی می کنند. همین قبایل به دو گروه عمده تقسیم می شوند که عبارتند از: قبایل حینوی و غفاری که اولی خود را یمنی و دومی عدنانی می دانند. این قبایل نسبت به یکدیگر به شدت کینه جو و ستیزه گر بودند. گویا ریشه این اختلاف به دوران مهاجرت این قبایل به عمان بر می گردد که باعث درگیری و جدال میان قبایل شده بود. (همان ص ۴) از سوی دیگر این دو دسته از نظر مذهبی با یکدیگر اختلاف داشتند. بیشتر قبایل غفوری - اگرچه نه همه آن ها - سنی مذهبند. در حالی که اکثر حینوی ها به مذهب اباضی که از شاخه های خوارج است گرایش دارند. (همان جا) تا میانه قرن بیستم در عمان هر فردی که به قدرت می رسید ناگزیر می بایست از سوی یکی از این قبایل حمایت می شد و این خود موجب جنگ های داخلی فراوانی شد.

اوضاع مذهبی عمان

همان گونه که گفته شد اکثر مردم عمان دارای مذهب اباضی هستند. در مورد چگونگی گرایش مردم این سرزمین به اباضی نقل قول مشهور آن است که خوارج پس از شکست در نهروان و قلع و قمع آنها در زمان حکومت بنی امیه، در اطراف سرزمین های اسلامی پراکنده شدند. عمان به دلیل دوری از مرکز خلافت اسلامی دمشق، جایگاه مناسبی برای پناهنده شدن آنها بود و بنی امیه توان سرکوبی آنها را نیافت. رهبر این گروه شخصی به نام عبدالله بن اباض تمیمی بود که توانست در آنجا حکومتی تشکیل دهد. (KELLY, 1968: 5) پس از او جابر بن زید پایه های فقهی و اصول فقهی مذاهب اباضی را بنیان نهاد و از آن جایی که نامبرده خود عمانی بود حضورش در میان مردم این سرزمین تأثیر به سزایی در سهولت دعوت و جذب ساکنان آن به این مذهب داشت. (بگانه، ۱۳۷: ۱۵) پس از شکل گیری حکومت اباضی، پیروان آن ها برای خود حاکم انتخاب کردند. انتخابی بودن حاکم یکی از ویژگی های مذهب خوارج است. این حاکم را امام می نامیدند عنوان امامت در مقابل عنوان خلافتی بود که امویان و عباسیان برای خود برگزیده بودند. از آن پس حکومت عمان در دست تعدادی از امامان خوارج بود که دارای اقتدار سیاسی و نظامی کامل بودند و اغلب از بین طوایف عضد، حینوی، کندی و یاربی انتخاب می شدند. (کامران مقدم، ۲۵۶۳: ۳۵۸) این وضعیت تا دوره سید احمد بن سعید ادامه داشت. او که عنوان حکمران مسقط را داشت شیوه انتخابی بودن امام را نادیده گرفت و پسر خود سید سلطان را به جانشینی خود منصوب کرد. پس از آن عنوان امامت

به سلطنت تبدیل شد و درخاندان بوسعید موروثی شد. تا این که در سال ۱۸۶۴م با قیام فردی به نام عزان بن قیس مقام امامت بار دیگر به سرزمن عمان بازگشت. از آن به بعد بین سلطان مسقط که از خاندان بوسعید بود و امامان عمان که انتخابی بودند درگیری و کشمکش پیش آمد. تا این که در سال ۱۹۲۰م از یکدیگر جدا شدند. اما از نظر روابط خارجی، سلطان مسقط بر امام عمان برتری داشت. این وضعیت تا دوره سید تیمور ادامه یافت. او در سال ۱۹۵۵م با غلبه بر امام عمان توانست حکومت یکپارچه‌ی بی‌وجود آورد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۲: ۱۵۳) پس از آن منصب امامت در عمان از میان رفت و سلطان، حاکم مطلق این سرزمن شد.

روابط ایران و عمان در دوره کریم خان زند

پس از ناکامی نادر در لشکرکشی به مسقط و سقوط دولت یعاربه که از دوران صفویان بر مسقط حکم می‌راندند حکومت آن ناحیه به احمد بن سعید از خاندان بوسعید که یکی از دست نشانده‌گان یعاربه در سحر بودند رسید. پس از مرگ نادر حکومت در دست بوسعیدیان باقی ماند و احمد بن سعید توانست از جنگ‌های داخلی ایران که بین رقبای سلطنت در گرفت؛ استفاده و حکومت خود را تثبیت کند. کشمکش بر سر به دست گرفتن قدرت در ایران که بیشتر در مناطق مرکزی و شمالی آن در جریان بود موجب عدم توجه به مناطق جنوبی و بنادر و جزایر خلیج فارس شد. احمد بن سعید از این مسأله سود برد و در صدد اعمال نفوذ بر حاکمان نواحی برآمد و حتی برخی از نقاط همچون چابهار را به تصرف خود در آورد.

در زمان پادشاهان زند، آنان چندین توجهی به بنادر جنوبی نداشتند و بنادر آن نقاط همچون عباسی و چاه بهار و غیره در تصرف امارت مسقط بوده است و این امارت به دلیل اطاعت و انقیاد از دولت ایران دارد هر سال به دربار [ایران] تحف و هدایا فرستاده است و در خطبه اسم پادشاه ایران را برده است و از شیوخ جزیره قشم گروگان در شیراز بود و دولت ایران هم به همین قناعت داشت و روابط ایران و مسقط در امارت احمد بن سعید به همین ترتیب گذشت. (سدید السلطنه، ۱۳۷۰: ۸۹) مهم‌ترین مسأله در روابط ایران و عمان در عصر کریم خان، دست اندازی امام مسقط به مناطق جنوبی قلمرو او بود. کریم خان پس از این که توانست حاکمیت خود را بر سراسر ایران اعمال کند تصمیم گرفت که مناطق جنوبی ایران و نیز مسقط را به قلمرو خود ضمیمه سازد. باید توجه داشت که درگیری‌های کریم خان با امامان مسقط، منازعه ایران با یک کشور خارجی نبود. بلکه فرمانروایان عمان از دوره نادر به بعد خود را تابع و فرمانبردار شاهان ایران می‌دانستند. در اسناد دوره قاجار نیز آنها خود به کرات به این مسأله اقرار کرده‌اند. (حبیبی و وثوقی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) از این رو بر خلاف بسیاری از منابع خارجی و به تبع آنها منابع داخلی که سعی کرده‌اند درگیری‌های ایران و عمان را در این دوران جنگ‌های خارجی نشان دهند باید گفت این اختلاف‌ها بین شاهان ایران و یکی از کارگزارانشان بوده است. از آنجایی که حکام مسقط از دوران صفویان خود را تابع دولت ایران می‌دانستند؛ برای کریم خان این بهانه مناسبی جهت زیر فرمان درآوردن آنها بود. هرچند خاندان بوسعیدی خود را تابع ایران می‌شمرد ولی این تابعیت ظاهری بود و خان زند می

خواست عملاً بر این مناطق اعمال نفوذ کند. از سوی دیگر وجود دزدان دریایی در سواحل خلیج فارس که مرکز آنها سواحل متصلحه بود موجب ایجاد اختلال در حرکت کشتی های تجاری می شد. کریم خان که به تجارت دریایی با کشورهای دیگر اهمیت می داد نمی توانست این بی نظمی ها را که باعث کاهش تجارت ایران در خلیج فارس شده بود تحمل کند. هرچند کریم خان در اوایل سلطنت خود برای تنبیه راهزنان دریایی؛ جواسم که در راس الخیمه-جلفار- و شارجه ساکن بودند به وسیله شیوخ آل بومهر و آل مذکور اقداماتی به عمل آورد، اما این اقدامات به نتیجه یی نرسید و حتی کار به جایی رسید که دزدان دریایی سواحل جنوبی ایران را نیز مورد دستبرد قرار می دادند. (فرامرزی، ۱۳۴۶: ۱) مؤلف گیتی گشا، دلیل درگیری کریم خان زند با امامان مسقط را تفاوت و تبیین در مذهب دو گروه می داند و از آنجایی که خوارج با شیعیان دشمنی دیرینه دارند از این روی کریم خان تصمیم گرفت آنجا را تصرف و مردم آن را تنبیه کند. (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۷۵) جان پری، دلایل دیگری را در این خصوص بر می شمرد. او می نویسد: «در اوایل سال ۱۷۵۲م/ هـ بر اثر اغتشاشاتی که در جلفار روی داد امام احمد (احمد بن سعید) هدایایی از جمله هشت غلام سیاه برای نصیرخان لاری فرستاد و از او تقاضای کمک کرد. در سال ۸-۱۷۶۷م/ هـ امام ترتیبی اتخاذ کرد که کشتی رحمانی را از شیخ عبیدالله بنی معین خریداری کند. بعد از این که کریم خان توانست بر قسمت علیای خلیج فارس آرامش برقرار کند، با درخواست مالیات معموره دوره نادر و برگرداندن کشتی رحمانی که بدون رضایت دولت ایران از سوی امام مسقط خریداری شده بود بر ضد او اقدام کرد. اما امام مسقط این درخواست ها را نپذیرفت و اعلام کرد اگر خان زند در اجرای خواسته هایش مصر است پاسخش گلوله و توپ است». (پری، ۱۳۶۵: ۲۳۰)

در ابتدای کار مبارزه، به کشمکش های بی فایده و دزدی های دریایی محدود بود. به دلیل آسیب پذیری بصره در برابر ایرانیان، برای دولت عثمانی مصلحت چنان اقتضا می کرد تا از مسقط که از نظر تجاری، صادرات و واردات هندوستان به منزله بندرگاه، پایگاه و انبارش محسوب می شد، حمایت کند. از سوی دیگر مصالح کریم خان ایجاب می کرد که کشتی رانی را از مسقط به بندر عباسی و بوشهر انتقال دهد؛ زیرا کارکنان ایرانی در اینجا می توانستند حق الزحمه و عوارض لنگر اندازی و باربری و حمل کالا به کشتی ها را جمع آوری کنند. وقایع نگاران ایرانی می گویند که کشتی های بازرگانی ایران در بندر مسقط به دام افتاده بودند و خوارج عمان قصد غارتشان را داشتند. اما ابراهام پارسونز گزارش می دهد که کشتی های ایرانی به صورتی معمولی با عمان داد و ستد داشتند و مجاز بودند که بدون آزار یا برخورد با مشکلی حداقل برای معاملات نقدی وارد عمل شوند. (پری، ۱۳۶۵: ۲۳۱) عبدالحسین نوایی نیز معتقد است که کریم خان قصد داشت با تصرف سواحل عمان و ناحیه مسقط نظارت بر امر تجارت خلیج فارس را در دست گیرد. (نوایی: بی تا: ۱۳۱)

در هر صورت، هدف کریم خان از حمله به سواحل عمان و مسقط علاوه بر سرکوب کردن دزدان دریایی اعمال نفوذ مستقیم بر این مناطق بوده است؛ زیرا که مسقط از نظر تجاری بسیار مهم بود و اگر کریم خان می توانست بر آن تسلط یابد عواید سرشاری نصیب ایران می شد. همان گونه

که بعدها نیز برای به دست آوردن این عواید به بصره لشکر کشید. از سوی دیگر مسقط برای کشور عثمانی نیز اهمیت بسزایی داشت و گلوگاه عثمانی در خلیج فارس بود و بین بصره و مسقط روابط تنگاتنگی برقرار بود و آن دولت به هر طریق ممکن سعی می کرد که از مسقط در برابر ایران حمایت کند.

در تاریخی که کریم خان تصمیم گرفت به عمان حمله کند بین منابع اختلاف نظر وجود دارد. برخی منابع همچون روضه الصفا و منتظم ناصری، این حمله را در سال ۱۱۹۰ هـ می دانند. اما عباس اقبال آن را مربوط به سال ۱۱۸۰ هـ ذکر می کند. (اقبال، ۱۳۲۸: ۱۳۰) به نظر می رسد که ۱۱۸۰ هـ درست باشد زیرا در سال ۱۱۹۰ هـ نیروهای ایران درگیر نبرد در بصره بودند و کریم خان نمی توانست در یک زمان برای دو حمله بزرگ نیروهایی را تدارک ببیند.

مقارن این وقایع احمد بن سعید درگذشت و با مرگ او بین فرزندان او برای جانشینی اختلافاتی بروز کرد. خان زند می خواست از این اختلافات سود برد و آن سرزمین را به طور رسمی ضمیمه قلمرو خود کند. بدین منظور او تلاش کرد که مسقط را از دریا و خشکی مورد تهاجم قرار دهد. حمله از طریق خشکی نیاز مساعدت حاکم بصره بود که او از این کار خودداری کرد و به عساکر ایرانی اجازه عبور نداد. والی بصره نه تنها به ایرانیان کمکی نکرد بلکه خوارج را نیز با ارسال آذوقه یاری داد. (نوایی، بی تا: ۱۳۱) برای مسیر دریایی هم زکی خان مامور شد که به بندر عباسی برود و در آنجا نیروهایی جمع آوری کند و به وسیله کشتی های دیوانی و تجاری آن نیروها را به عمان ببرد و به ضابطان بندر و رؤسای ایلات مقیم خلیج فارس فرمان داد که با ارسال آذوقه و کشتی و سرباز، سردار زند را یاری کنند. (همان جا) بندر عباسی در این دوره شکوه و عظمت دیرین خود را از دست داده بود و به یک بندر معمولی تبدیل شده بود. با این وجود این جا بهترین نقطه برای تدارک حمله به سوی عمان بود. یکی از این روسای کرانه های خلیج فارس، شیخ عبدالله بن معین حاکم هرموز و قشم بود که مدتی پیش از این به حضور کریم خان رسیده بود و پسر خود را به رسم گروگان نزد کریم خان گذاشته بود اما او از این کار خود پشیمان بود و می خواست به هر طریق ممکن فرزندش را بازگرداند. وی نیز برای یاری رساندن به زکی خان به بندر عباسی رفت. در همین زمان شایعه شد که شیخ دختری در کمال و جاهت و زیبایی دارد که در دنیا بی نظیر است. زکی خان ندیده دل در گرو این پریوش بنهاد و از طریق سرداران خود دختر را از عبدالله خواستگاری کرد. شیخ به ظاهر بسیار شادمان گشت و از او خواست برای برگزاری جشن عروسی همراه او به جزیره بیاید. اما از آنجایی که هرموز جزیره بی فقیر و بی آب بود توانایی پذیرایی از همه سرداران و نیروهای زکی خان را نداشت. از او خواست که خود با تعداد معدودی از یارانش به جزیره بیاید. زکی خان نیز پذیرفت و همراه با تعداد معدودی از همراهانش به جزیره رفت. به محض ورود به جزیره او و همراهانش توسط افراد عبدالله بازداشت شدند. شیخ در قبال آزادی زکی خان بازگرداندن پسرش را از خان زند خواستار شد. بعد از مدتی پسر شیخ عبدالله آزاد شد و شیخ نیز زکی خان را رها کرد و چون دیگر فصل دریاوردی تمام شده بود، نیروهای خان زند پراکنده شدند. گویند در هنگام ورود زکی خان به شیراز، به کریم خان دستور داد عده بی از فواحش همراه با او باش شهر به

پیشواز او برونند. (موسوی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۷۶، فسایی ۱۳۶۷: ۷۰۳) اما سدید السلطنه در مورد دلیل دستگیری زکی خان از سوی شیخ عبدالله دیدگاهی متفاوت دارد. او می نویسد که چون عبدالله بن معین از دست پروردگان احمد بن سعید - امام مسقط - بود، هنگامی که دریافت کریم خان قصد استفاده از اختلاف بین فرزندان احمد بن سعید را دارد، برای این که خدمتی به ولی نعمت زادگان خود کرده باشد شایعۀ زیبایی دخترش را منتشر کرد و بدین ترتیب حملۀ خان زند را ناکام نهاد. (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۹۴)

برخورد دیگر در هنگام حمله کریم خان به بصره رخ داد. پیش از این به روابط نزدیک حاکم بصره با امام مسقط اشاره شد. سرزمین عمان به دلیل نامناسب بودن برای کشاورزی نیازمندی های غذایی خود را از ایالت فارس و بصره تهیه می کرد. پس از شکست خان زند در حمله به عمان، صدور هرگونه مواد غذایی به آنجا ممنوع شد. از این روی وابستگی عمان به بصره بیشتر شد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۹۶) هنگامی که نیروهای ایرانی بصره را در محاصره داشتند حکمران بصره، سلیمان آقا، برای دفع نیروهای ایرانی از عمر پاشا، حاکم بغداد، و امام عمان درخواست کمک کرد. عمر پاشا به این درخواست وقعی ننهاد اما امام مسقط در جواب دوازده هزار نفر همراه با کشتی های جنگی به یاری بصره فرستاد. نیروهای ایرانی برای این که، کشتی های مهاجم به بصره نرسند با زنجیری اروند رود را بستند. اما این زنجیر در اثر طوفان از هم گسست و نیروهای عمانی وارد بصره شدند. پس از آن بین ایرانیان و عمانی ها برخوردهایی روی داد که به شکست قوای عمانی انجامید. اندکی پس از آن نیروهای عمانی چون دیدند قادر به انجام کاری نیستند و سلطان عثمانی با خان زند باب مذاکره را باز کرده است؛ تصمیم گرفتند به سرزمین خود بازگردند. (همان، ۱۹۸، اقبال، ۱۳۲۸: ۱۱۱) اما سدید السلطنه نظری کاملاً مغایر با دیگر منابع دارد. او می نویسد که چون از سوی حاکم بصره نسبت به تجار و کشتی های بازرگانی تعدی می رفت، سید سلطان، حاکم مسقط، در سال ۱۱۹۱ هـ نیروهایی را جمع کرده و با کشتی های خود به سوی بصره حرکت کرد. او بر قوای حاکم بصره شکست وارد ساخت و چون در همین هنگام قوای ایران نیز به سوی بصره در حرکت بودند حاکم بصره ناگزیر شد با سید سلطان از در صلح درآید و حاضر به پرداخت خراج سالیانه به امام عمان شد. سدید السلطنه می نویسد که خود او اصل قرارداد را در مسقط دیده است. (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۹۵)

روابط ایران با عمان در دوره قاجار

الف: اجاره مناطق جنوبی ایران به امامان مسقط

همان گونه که پیشتر اشاره شد، خان زند در تسلط بر عمان و به زیر فرمان در آوردن امامان ناکام ماند. پس از آن نیز کریم خان درگیر جنگ با عثمانی ها شد و نتوانست توجه چندانی به آن نقطه کند. با مرگ کریم خان و شعله ور شدن جنگ های داخلی در ایران، رقبای سلطنت بیشتر در مرکز و شمال ایران درگیر نبرد بودند. جانشینان خان زند هریک برای مدتی کوتاه توانستند بر اریکه قدرت تکیه بزنند. این دوران کوتاه هم بیشتر به سرکوبی رقبا و از بین بردن دشمنان سپری می شد

و مجالی برای توجه به بنادر و جزایر خلیج فارس نداشتند. از سوی دیگر سید سلطان، پسر سید احمد که پس از مرگ پدر به قدرت رسیده بود، در ابتدا درگیر شورش های برادرانش بود. او پس از این که توانست این شورش ها را سرکوب کند توجه خود را به مناطق جنوبی ایران معطوف کرد. مهم ترین عامل تنش زا در روابط ایران و عمان از این دوره به بعد اجاره بندر عباسی و توابع آن به امامان عمان است. در مورد چگونگی و زمان آن و حوزه اختیارهای امامان عمان در مناطق تحت اجاره بین محققان و پژوهشگران اختلاف های زیادی وجود دارد. در حالی که کلی و قایم مقامی معتقدند: که سید سلطان با قوای نظامی خود بندر عباسی و جزایر قشم و هرموز را به تصرف در آورد و دولت ایران را در یک عمل انجام شده قرار داد و آن دولت را مجبور به اجاره آن ها کرد (Kelly, 1969:12)، (قائم مقامی، ۱۳۴۱:۱۳۵) بنی عباسیان بستگی و وثوقی مدعی اند که حمله سال ۱۲۰۵هـ عمان به شکست انجامید و پس از آن سید سلطان از هادی خان بستگی درخواست کرد «از گمرک بنادر عباس و جزایر تابعه مبلغ هفت هزار تومان با پرداخت نصف قسط اول اجاره نماید و نصف دیگر یکماه قبل از سال پردازد» (بنی عباسیان بستگی، ۱۳۳۹:۱۸۹، حبیبی و وثوقی، ۱۳۸۷:۶۵) من فکر می کنم در هر دو روایت حقایقی نهفته باشد. اگر چه نیروهای امام عمان در حمله به بندرعباسی ناموفق بود، اما آن چنان هم شکسته نشده بود که دیگر برای آن خطری نباشد. از این رو هادی خان برای دلجویی از سید سلطان و نیز ایجاد موازنه قدرت در بندر عباسی و جزایر قشم و هرموز در برابر شیوخ جواسم و بنی معین تصمیم گرفت تنها درآمدهای گمرکی آن مناطق را به او واگذار کند. این تصمیم هادی خان را باید در راستای سیاست های کلی او برای مقابله و رویارویی با دشمنان و مخالفانش در نظر گرفت.

هم زمان با این رویدادها در ایران، آغا محمد خان توانست رقبای خود را در راه سلطنت از میان بردارد. روابط عمان با فرمانروایان ایران از دوره سید احمد بن سید سعید تیره شد. سید سلطان تصمیم گرفت این تیرگی روابط را از بین ببرد و آن را اصلاح کند. بدین منظور نمایندگان را نزد والی فارس فرستاد و از طریق او از آغا محمد خان قاجار فرمانی گرفت که به موجب آن با پرداخت سالیانه شش هزار تومان، بندرعباسی و جزایر قشم و هرموز به مدت ۷۵ سال در اجاره سید سلطان و اولادش باشد. در قرارداد او با والی فارس نیز تنها اجاره درآمدهای گمرکی بندرعباسی نوشته شد. این موضوع از آنجا مشخص می شود که در سال ۱۲۳۷هـ بریتانیا درصدد برآمد تا در قشم یک پایگاه نظامی ایجاد کند. این مسأله موجب اعتراض ایران شد. تلاش شرکت هند شرقی برای یافتن سندی که خدشه یی بر حاکمیت ایران بر این نواحی وارد کند با شکست مواجه شد (حبیبی و وثوقی، ۱۳۸۷:۶۵). تحصیل این فرمان برای سید سلطان در حکم پیشرفت بزرگی محسوب می شد. او بدین ترتیب توانست در بیشتر جزایر و سواحل جنوبی ایران برای خود نفوذی به دست آورد. در سال ۱۲۱۱هـ آغا محمد خان که از سید سلطان رنجشی پیدا کرده بود شیخ نصر خان، دربابیگی بوشهر، را مأمور جمع آوری سپاه برای حمله به مسقط کرد. لیکن این لشکرکشی به دلیل قتل آغا محمد خان و پیش آمدهای دیگر صورت نگرفت و سید سلطان همچنان بر قشم، هرموز، بندر عباسی، چابهار، گوآتر و مسقط حاکم باقی ماند. (اقبال، ۱۳۲۸:۱۱۸)

قایم مقامی اجاره درآمدهای گمرکی بنادر و جزایر ایران به امام عمان از سوی آغا محمد خان را بدان خاطر می‌داند که او مشغول اردوکشی به گرجستان و اعاده امنیت داخلی کشور بود و مجال و فرصتی برای توجه به مسأله کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس را نداشت و برای این که خاطرش هم از بابت منطقه جنوب ایران آسوده باشد بندر عباسی و توابع آن را به امام مسقط به اجاره واگذار کرد و همین که توانست بر اوضاع کشور تسلط پیدا کند تصمیم به بازگرداندن حاکمیت ایران بر این مناطق گرفت. اما مرگ نابهنگام او مجالی برای این کار باقی نگذاشت. (قایم مقامی، ۱۳۴۱: ۱۳۶)

پس از مرگ آغا محمد خان دولت ایران به دلیل شورش‌های داخلی و جنگ‌های خارجی در مرزهای شمالی، شمال غربی و غرب نتوانست توجه کافی و وافی به مناطق جنوبی داشته باشد. از این رو اندک اندک شاهد تسلط سیاسی امامان مسقط بر کرانه‌های جنوبی ایران هستیم. اما سؤال اساسی که برجای می‌ماند این است که چرا فتحعلی شاه پس از تثبیت قدرت خود تلاشی برای بازگرداندن نفوذ سیاسی خود بر کرانه‌های جنوبی ایران نکرد؟ پاسخ به این سؤال را باید در نوع رابطه بین شاه ایران و امام عمان جستجو کرد. بررسی اسناد دوره فتحعلی شاه در خصوص امامان عمان نشان می‌دهد که شاهان قاجار آنها را با عناوینی همچون «یکی از بندگان ارادت کیش»، «سالک طریق خدمتکاری»، «امیر الامراء العظام»، «ارادت آگاه»، «امیر الامراء متمسک به خدمتکاری»، «ثابت قدم در طریق خدمتگذاری» مورد خطاب قرار می‌دادند. امامان عمان نیز با القابی همچون «خراج‌گذار حاکم فارس» و «چاکر قدیمی دولت ایران» خود را معرفی می‌کردند. (حبیبی و وثوقی، ۱۳۶۸: ۶۸)

ب) کمک ایران به سید سعید در برابر حملات وهابی‌ها

مذهب وهابی در سرزمین نجد به وجود آمد و به وسیله خاندان سعود مورد حمایت قرار گرفت. آنها در باب مسایل دینی دارای اعتقادات خاصی بودند که با دیگر مذاهب اسلامی همخوانی نداشت. آنها موفق شدند قواسم را که در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس زندگی می‌کردند و مردمانی راهزن و غارتگر بودن به پیروی از مذهب خود درآورند. به دنبال آن با تصرف بندر قطیف موفق شدند وارد عرصه رقابت در خلیج فارس شوند. (همان: ۶۷) ورود آنها به خلیج فارس و دشمنی آن‌ها با شاهان ایران و امامان مسقط، زمینه را برای نزدیکی این دو گروه فراهم ساخت. به ویژه که وهابی‌ها تلاش کردند تا حکومت مسقط را نیز به پیروی از مذهب خود مجبور کنند و حتی حکومت مسقط را برای مدتی وادار به پرداخت خراج کردند. هم زمان با آن وهابی‌ها توانستند در بحرین قبیله عتوبی را که دارای مذهب وهابی بودند در رسیدن به قدرت یاری دهند. بدین ترتیب می‌رفت که تمامی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس تحت قدرت وهابی و به ویژه خاندان سعود قرار گیرد. این برای امام عمان که ادعای سروری در میان اعراب منطقه را داشت، شکستی جدی محسوب می‌شد. از آن جایی که امام مسقط به تنهایی توان رویارویی با وهابی‌ها را نداشت از دولت ایران درخواست کمک کرد. برای این منظور فردی به نام شیخ علی را از راه کنگان نزد شیخ نصرخان آل مذکور، دریابویی فارس و حاکم جزایر و بنادر غربی خلیج فارس، روانه کرد و از او خواست که نزد حسین علی میرزا فرمانفرما، والی فارس، تمامی تلاش خود را برای رساندن کمک به عمان به کار گیرد و

همراه با سفیر خود هدایایی گرانبها برای والی فارس فرستاد. از جمله برگیه‌ی کاغذ سفید که مهر و امضای سید سلطان بر آن بود تا آن را به حسین علی میرزا نشان دهند تا در ازای آن کمکی که به سید سلطان خواهد داد هر شرطی که خود مایل است در آن بنویسد و سید سلطان نیز در قبال آن متعهد خواهد بود. (فسایی، ۱۳۶۷: ۷۰۳، سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۹۹، بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۰۷، سپهر، ۱۳۳۷: ۲۰۳) در هر حال فرمانفرما به کمک رساندن به سید سلطان موافقت کرد. اما تاکنون شرایط آن معلوم نیست که چه بود. عباس اقبال می‌نویسد که وصول کمکی که حسین علی میرزا به امام عمان وعده داده بود به طول انجامید و سید سلطان ناگزیر شد که پیش از رسیدن آنها در ماه صفر ۱۲۱۷هـ ابتدا با سپاهی آماده به سرکوبی اعراب عتوبی که با وهابی‌ها همدست بودند بپردازد. اما در این اقدام خود به نتیجه‌ی نرسید. تا آن که دو ماه بعد از جانب حسین علی میرزا دو هزار پیاده و دویست سوار از طریق بوشهر به بحرین به یاری او رسیدند. سید سلطان به مدد فرستادگان ایرانی، عتوبی‌ها را مغلوب کرد و بحرین مسخر سپاهیان سید سلطان شد و به تصرف لشکر ایران درآمد. اما چون فتنه وهابیه و رسیدن آن‌ها به سواحل الحسا و عمان و عراق عرب عموم مسلمانان را متزلزل کرده بود، سید سلطان و سپاه ایرانی همراه او، برای آن که بحرین را کاملاً از وجود آل عتبه مصفا سازند مجالی نیافتند. (اقبال، ۱۳۲۸: ۱۲۱)

هفت سال بعد امام مستقط باز هم مجبور به درخواست کمک از دولت ایران شد. در این مدت در عمان حادثی روی داده که چهره سیاسی منطقه را دگرگون کرد. سید سلطان درگذشت و پسرش سید سعید جانشین او شد. او با بریتانیا پیمان تدافعی بسته و براساس این پیمان بریتانیا متعهد شد که در برابر حمله‌های وهابی، عمان را یاری دهد. در سال ۱۲۲۴هـ سید سعید از سوی فردی به نام مطلق که رییس یکی از قبایل عمان بود مورد حمله قرار گرفت. سید سعید از بریتانیا درخواست کمک کرد اما آن‌ها با این بهانه که تنها در برابر وهابی‌ها حاضر به کمک هستند این درخواست را نپذیرفتند. (Kelly, ۱۹۶۸: ۱۲۵) اما منابع ایرانی می‌نویسند: کسانی که به سید سعید حمله بردند وهابی بودند. می‌توان احتمال داد که مطلق رییس قبیله‌ی یی بود که با وهابی‌ها هم پیمان بود و از سوی آنها حمایت می‌شد و چون به طور کامل تحت فرمان خاندان سعود، امیر وهابی‌ها، نبود به همین دلیل انگلیسی‌ها از یاری رساندن به عمان خودداری کردند. (سپهر، ۱۳۳۷: ۲۰۳، فسایی، ۱۳۶۷: ۷۰۳)

به هر حال هنگامی که سید سعید از سوی انگلیسی‌ها ناامید شد متوجه‌ی دربار ایران شد و برادرش، سید سالم، را همراه با هدایایی به نزد فرمانفرما فرستاد و از او خواست که در برابر این حمله‌ها او را یاری دهد. فرمانفرما درخواست سید سعید را به دربار فتحعلی شاه گزارش داد. نکته مهم در اینجا تفاوت در دو اقدام فرمانفرما است در مرحله‌ی اول او بدون اجازه دربار اقدام کرد اما در مرحله‌ی بعد او بدون اجازه دربار دست به هیچ اقدامی نزد شاه ایران در فرمانی که صادر کرد به فرمانفرما دستور داد در ارسال کمک به مستقط لحظه‌ی غفلت نرزد. فرمانفرما سربازانی حدود هزار و پانصد نفر از نیروهای دشتی و لارستانی را از راه فسا و داراب و سبعه به بندر عباسی فرستاد و از آنجا با کشتی به سوی مستقط رفتند. فرماندهی این سپاه با صادق خان قاجار دولو بود. (اقبال،

۱۲۷:۱۳۲۸، بنی عباسیان بستگی، ۲۰۸:۱۳۳۹) کلی می نویسد: در بین این نیروها چهل یا پنجاه نفر اسیر روسی بودند. (Kelly, 1968: 125)

سدیدالسلطنه از اعزام نیروهای دیگری از سوی فرمانفرما به مسقط در سال ۱۲۴۳هـ نیز یاد می‌کند. به نظر می‌رسد این بار نیز برای مقابله با وهابی‌ها سید سعید از ایران درخواست کمک می‌کند و این دفعه هزار سرباز ممسنی برای کمک به او به مسقط اعزام شدند. این نیروها توانستند وهابی‌ها را دوبار شکست دهند. سید سعید به آنها انعام داد. اما سرداران آن را بین خود تقسیم کردند و به سربازان چیزی ندادند. در بار سوم افراد لشکر خود را به عمد شکست داده و فرار کردند. سید سعید این بار به دست خود به سربازان انعام داد و آنها را به سوی ایران روانه کرد. (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۰۸)

ج: توطئه زکی خان و سید سعید برضد برخی از دست نشاندهگان ایران

در سال ۱۲۴۰هـ چهار نفر از خوانین میناب طی درخواستی از فتحعلی شاه خواستار حکومت بندر عباسی شدند. فتحعلی شاه نیز با درخواست آن‌ها موافقت کرد و فردی به نام میرزا باقر خان را از تهران به شیراز فرستاد و از سوی فرمانفرما هم زکی خان نوری مأمور تخلیه بندرعباسی شد. سید سعید مخفیانه میرزا باقر خان و آن چهار خان را از زکی خان به پانصد تومان خرید و قرار شد که زکی خان به ظاهر میان آنها میانجی باشد تا به توافقی دست یابند. بدین منظور میناب و شمیل را به خوانین و بندر عباسی را به سید سعید واگذار کردند. زکی خان در این میان مبلغی هنگفت به عنوان تعارف دریافت کرد و به سید سعید هم قول داد که دختر فرمانفرما را برای او خواستگاری کند. چون به این توافق رسیدند، باقرخان و خوانین را گرفتند و قایق آنها را غرق کردند و چنان شایعه کردند که قایق آن‌ها غرق شده و همه مرده‌اند. زکی خان هم بندرعباسی و توابع آن را به سید سعید واگذار کرد و خود به شیراز رفت. سید سعید هم با زندانیان خود به مسقط بازگشت. در سال ۱۲۴۲هـ شیخ عبدالرحمن آل مذکور، شیخ بوشهر، برای ادای مناسک حج به مسقط رفت و چون از احوال زندانیان آگاه شد به سید سعید پیشنهاد داد که آن‌ها را به قتل برساند. چون زنده بودن آن‌ها خطرناک است. سید سعید هم پند او را پذیرفت و همه آن‌ها را به طرز فجیعی به قتل رساند. شیخ مذکور هم نیز پس از آن عازم حج شد. پس از حرکت او زکی خان طی نامه‌یی به سید سعید بازداشت شیخ مذکور را از شرایط ازدواج با دختر فرمانفرما خبر داد. گویا این بدان دلیل بود که شیخ مذکور مدتی پیش از آن توهینی نسبت به فرمانفرما و خانواده اش روا داشته بود. اما کلی معتقد است: شیخ مذکور در حقیقت در درگاه شیراز به سید سعید افترا زده بود. چون نمی‌خواست سید سعید با خواهر فرمانفرما [در واقع دختر فرمانفرما] ازدواج کند. سید سعید نیز قصد داشت با کمک حاکم بصره به شیخ مذکور حمله کند. اما بصره کمک به او را نپذیرفت. (Kelly, 1968.p:219) البته به دلیل رقابتی که بین این دو وجود داشت بعید به نظر نمی‌رسد که تلاش داشتند همدیگر را از میدان به درکنند. به ویژه که سید سعید در نظر داشت بدین طریق - ازدواج با دختر فرمانفرما - بر بحرین دست یابد و این برای شیخ مذکور که با شیخ بحرین روابط دوستانه داشت ناخوشایند بود. اما

اگر روایت کلی را بپذیریم دیدار شیخ مذکور با سید سعید و پیشنهاد قتل زندانیان نمی تواند درست باشد. چگونه ممکن است سید سعید اجازه دهد دشمنش در خاک او پیاده شود، از او پذیرایی کند سالم از آنجا برود و در مسیر برگشت در دریا با او به نبرد بپردازد و او را بازداشت کند. به نظر می رسد که روایت نویسندگان ایرانی که می گویند خاندان فرمانفرما با شیخ مذکور مخالف بودند درست تر باشد. در هر حال سید سعید، شیخ مذکور را در هنگامی که از حج باز می گشت در دریا بازداشت کرد. پس از آن چهار نفر از اعیان شیعه از عمان به شیراز رفتند و شهادت دادند که سید سعید شیعه است و از دختر فرمانفرما خواستگاری کرده و با درخواست او موافقت شده است. اما به نظر می رسد این ازدواج پایانی میمون نداشته است. سدید السلطنه می نویسد که پس از مدتی دختر والی از عمان به نزد پدر برگشت و با پسر عموی خود ازدواج کرد، بدون این که از سید سعید طلاق گرفته باشد. (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۰۳) این وقایع به خوبی نشان می دهند که امامان مسقط با چه ترفندهایی بر بندرعباسی دست یافتند و حاضر نبودند از آن چشم ببوشند. از سوی دیگر کارگزاران دولت ایران هم که بیشتر افرادی فاسد بودند به راحتی قابل خرید بودند و از آن ها برای رسیدن به مقصود خود استفاده می کردند.

نتیجه گیری

با بررسی منابع و مآخذ می توان دریافت که عامل اصلی در روابط ایران و عمان در دوره مورد بحث تلاش دو طرف برای تسلط بر شاهراه تجاری خلیج فارس بود. پس از ناکامی کریم خان در جهت دست یابی به اهداف خود و آغاز رقابت برای جانشینی او و جنگ های داخلی ایران، زمینه برای توسعه نفوذ امامان مسقط در مناطق جنوبی ایران فراهم شد. گسترش نفوذ آن ها مقارن با جنگ های داخلی در ایران و نبردهای ایران و روس بود. این دو عامل مهم موجب شد که شاهان قاجار نتوانند چندان به امور جنوب بپردازند. آن ها برای آن که خود را از دل مشغولی های آن رهایی بخشند با اجاره درآمدهای گمرکی و کسب مال الاجاره ثابت به امامان رضایت دادند. بررسی اسناد و مدارک نشان می دهد که در تمامی قراردادهای موجود هیچ اشاره ای به حاکمیت سیاسی امام مسقط بر مناطق مورد اجاره نشده است. دلیل نفوذ سیاسی آن ها را باید در عدم توجه سیاستمداران ایران به آن مناطق جستجو کرد. همچنین باید توجه کرد که چون دولتمردان ایران، امامان مسقط را چاکر و خراجگزار خود می دانستند، اعمال نفوذ آن ها را به عنوان حکومت کارگزاران خود تلقی می کردند.

منابع و مأخذ

- ۱- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۸)، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران، چاپخانه مجلس
 - ۲- بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم (۱۳۳۹)، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک، بی جا، بی نا.
 - ۳- پری، جان (۱۳۶۵)، کریم خان، ترجمه محمد علی ساکی، تهران، فراز
 - ۴- حبیبی، حسن، محمد باقر وثوقی (۱۳۸۷)، بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی اسناد بندر عباس، تهران، بنیاد ایران-شناسی
 - ۵- سدید السلطنه، محمد علی (۱۳۷۰)، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر، تصحیح احمد اقتداری، تهران، بی نا.
 - ۶- فرامرزی، احمد (۱۳۴۶ق)، کریم خان زند و خلیج فارس، بی جا، بی نا
 - ۷- فسایی، حاجی میرزا حسین حسینی (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، تهران، امیر کبیر، ۲ جلد
 - ۸- کامران مقدم، شهین دخت، مهر (۲۵۳۶). تاریخ کشورهای همجوار ایران، تهران، دانشگاه تربیت معلم
 - ۹- لسان الملک سپهر، میرزا محمد تقی خان (۱۳۳۷)، ناسخ التواریخ، تهران، امیر کبیر
 - ۱۰- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلتیک خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه
 - ۱۱- موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق (۱۳۱۷)، تاریخ گیتی گشا، تهران، چاپخانه اقبال
 - ۱۲- نوایی، عبدالحسین (بی تا)، کریم خان زند، تهران، کتابخانه ابن سینا
 - ۱۳- یگانه، عباس (۱۳۷۴)، عمان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- 14-kelly.J.B(1968).Britain and The Persian Gulf.Oxford

بررسی و مقایسه‌ی فعل در گویش فین و گویش فارسی معیار

بہجت نجیبی فینی *

چکیده

بزرگترین افتخار برای هر ایرانی در این زمان این است که پس از گذشت قرن‌ها و پشت سرگذشتن مصایب تلخ تاریخی توانسته است زبان خود را حفظ کند و این مرهون غیرت، عشق و انگیزه‌ی ایرانیان و وجود بزرگ مردانی چون فردوسی، حافظ، مولانا، سعدی و دیگر مفاخر ادبی این مرز و بوم است. در این مقاله با توجه به این که با کمال تأسف، گویشوران محلی برای رسیدن به مقاصد اجتماعی و اقتصادی به طور ناخواسته، گویش محلی خود را به فراموشی سپرده اند؛ سعی شده است گامی در جهت حفظ و احیای گویش ایرانی برداشته و بتوانم راه گشای دیگر گویشوران علاقمند شوم، در ابتدا تعریفی از فعل ارائه داده، آنگاه با توجه به این که فعل در گویش فین از نظر و اژگانی و صرفی با گویش معیار تفاوت دارد و این تفاوت را در بسیاری از گویش‌های ایرانی مشاهده می‌کنیم، به این تفاوت‌ها پرداخته است.

کلید واژه‌ها: ایران - فین، معیار، جنوب غربی، گویش - فعل - تفاوت

مقدمه

در تعریف فعل دستورنویسان گفته اند: فعل کلمه‌ای است که در آخر جمله می‌آید و بدون آن معنی جمله کامل نیست. همه‌ی فعل‌ها دارای دو بخش اند که عبارتند از: بن و شناسه. بن فعل بخش ثابت فعل است که در صرف تغییری نمی‌کند و شناسه بخش متغیر فعل است که شخص و عدد (مفرد در جمع) را مشخص می‌کند. در گویش فین فعل از نظر واژگانی و صرفی با گویش معیار تفاوت

دارد که این تفاوت در بسیاری از گویش های ایرانی مشاهده می کنیم. در این مقاله به این تفاوت ها پرداخته می شود.

بنابر معیارهای زبان شناسی، مردم فین به یکی از گونه های زبان فارسی سخن می گویند؛ که می توان شباهت های آن را در دیگر گویش های جنوب غربی ایران به خوبی مشاهده کرد. این گویش شاخه ای از گویش های جنوب غربی ایران محسوب می شود. این تقسیم بندی از لحاظ تاریخی است نه جغرافیایی و شامل گویش های لری، بختیاری، کزازی، فارس، (گویش های استان فارس به غیر از سیوندی است). این گویش دارای واژه ها و اصطلاحات خاصی است که مختص مردم این ناحیه از سرزمین پهناور ایران است.

افعال ماضی

فعل در گویش فین مانند گویش معیار یا لازم است و یا متعدی. در صرف افعال لازم و متعدی تفاوت های اندکی وجود دارد. در این گویش ۷ نوع فعل ماضی مورد استفاده دارد که به طور جداگانه در صرف افعال لازم و متعدی به آن می پردازیم، ضمن این که معادل فارسی معیار را هم آورده تا مقایسه ای بین این دو گونه انجام گیرد:

فعل متعدی گتن = گفتن

۱- ماضی ساده:

Om go	ام گ	گفتم
Ed go	اد گ	گفتی
Ey go	ای گ	گفت
Mo go	م گ	گفتیم
To go	ت گ	گفتید
Šo go تلفظ ش در آوانویسی	ش گ	گفتند

طریقه ساخت:

ضمیرهای فعل سازجانشین شناسه + بن ماضی
این ضمیرها عبارتند از:

Mo	م	Om	م -
To	ت	Ed	د -
Šo	ش	Ey	ی -

جمله در فارسی معیار:

« من گفتم »

جمله در گویش فین Me om go

شباهت: در گویش معیار و گویش فین هر دو، در ساخت این گونه ماضی از بن فعل استفاده می شود. تفاوت: در گویش معیار از شناسه ها استفاده می شود. در گویش فین از ضمیرهای پیوسته جانشین شناسه استفاده می شود.

۲- ماضی نقلی

در ساخت این گونه ماضی، در گویش فین ضمیر پیوسته فعل ساز جانشین شناسه + مصدر استفاده می آید.

فارسی معیار

Om goten	ام گتن	گفته ام
Ed goten	اد گتن	گفته ای
Ey goten	ای گتن	گفته است
Mo goten	مگتن	گفته ایم
To goten	تگتن	گفته اید
Šo goten	شگتن	گفته اند

ضمیرهای فعل ساز جانشین شناسه در این گونه ماضی عبارتند از:

Mo	م	Om	- ام
To	ت	Ed	- اد
Šo go	ش	Ey	- ای

جمله :

فارسی معیار:

«من به دوستم گفته ام که فردا به دانشگاه نمی روم».

گویش فین:

« Me bay rafikom om goten ke niām danešgā »

۳- ماضی استمراری

فارسی معیار

Om goten	ام گتن	گفته ام
Ed goten	اد گتن	گفته ای
Ey goten	ای گتن	گفته است
Mo goten	مگتن	گفته ایم
To goten	تگتن	گفته اید
Šo goten	شگتن	گفته اند

این گونه ماضی از بن ماضی + ضمیرهای فعل ساز ساخته می شود. این ضمیرها عبارتند از:

Mā	ما	Ma	- م
Tā	تا	Ta	- ت
Šā	شا	Sa	- ش

جمله:

« اگر حقیقت را می دانستم به او می گفتم. »

Aga rasteš mafami bay o magot

۴- ماضی بعید

فارسی معیار

Om gota	ام گت	گفته بودم
Ed gota	اد گت	گفته بودی
Ey gota	ای گت	گفته بود
Mo gota	م گت	گفته بودیم
To gota	ت گت	گفته بودید
Šo gota	ش گت	گفته بودند

طریقه ساخت این گونه فعل بدین ترتیب است که بن ماضی را مفتوح می کنیم، آنگاه با ضمیرهای

فعل ساز صرف می کنیم.

این ضمیرها عبارتند از:

Mo	م	Om	م -
To	ت	Ed	ت -
Šo	ش	Ey	ی -

جمله:

« گفته بودم که از تو بدم می آید».
Om gota ke az to bad mata

۵- ماضی نقلی مستمر

Ma gota	م گت	می گفته ام
Ta gota	ت گت	می گفته ای
Ša gota	ش گت	می گفته است
Mā gota	ما گت	می گفته ایم
Tā gota	تا گت	می گفته اید
Šā gota	شاگت	می گفته اند

ساخت این گونه ماضی مانند ساخت ماضی استمراری است با اندک تفاوتی که در بن ماضی رخ می دهد. در ماضی استمراری، بن ماضی ساکن است و در ماضی نقلی مستمر، بن ماضی مفتوح است.

۶- ماضی التزامی

Om goteste bobū	ام گتست ببو	گفته باشم
Ed goteste bobū	اد گتست ببو	گفته باشی
Ey goteste bobū	ای گتست ببو	گفته باشد
Mo goteste bobū	م گتست ببو	گفته باشیم
To goteste bobū	ت گتست ببو	گفته باشید
Šo goteste bobū	ش گتست ببو	گفته باشند

ساخت این گونه فعل در گویش فینی بی شباهت به ساخت فعل ماضی التزامی در گویش معیار نیست. بن ماضی در این فعل با بن ماضی در ساخت های دیگر ماضی متفاوت است و از مصدر گتستن گرفته می شود با ضمیرهای فعل ساز و فعل کمکی Bobū به معنی داشتن صرف می شود. (شاید این حرف را گفته باشم).

Šāyadam ey gap om goteste bobū

۷- ماضی ملموس

Ma go	م گ	داشتم می گفتم
Ta go	ت گ	داشتی می گفتی
Sa go	ش گ	داشت می گفت
Ma go	ما گ	داشتیم می گفتیم
Ta go	تا گ	داشتید می گفتید
Sa go	شا گ	داشتند می گفتند

ساخت این گونه فعل در گویش فین مانند ساخت ماضی استمراری است با این تفاوت که ت ساکن را از آخر ریشه ماضی حذف می کنند.

«داشتم می گفتم که استاد نمی آید.»

Ma go ke ostad niā

فعل لازم رفتن = رتن Raten

۱- ماضی ساده

فارسی معیار

رتم	Ratom	داشتم می گفتم
رتی	Rati	داشتی می گفتی
رت	Rat	داشت می گفت
رتستنگ	Rateng	داشتیم می گفتیم
رتی	Rati	داشتید می گفتید
رتن	Raten	داشتند می گفتند

در ساخت ماضی ساده افعال لازم مانند فازسی معیار از بن ماضی + شناسه شش گانه به کار می رود. شناسه ها در این گونه افعال عبارتند از:

Eng	انگ	Om	ام
Ey	ای	Ey	ای
En	ان	.	.

تفاوت:

در سه شخص جمع، بین ساخت فعل معیار و فعل در گویش فین تفاوت وجود دارد همچنین که در

تلفظ واژه نیز در این دو گویش تفاوت هست.

ماضی نقلی

فارسی معیار

Ratestom	رتستم	رفته ام
Ratesti	رتستی	رفته ای
Raten	رتن	رفته است
Ratesteng	رتستنگ	رفته ایم
Ratestari	رتستری	رفته اید
Ratestarn	رتسترن	رفته اند

بجز سوم شخص مفرد در بقیه صیغه های این فعل از مصدر رتستن + ضمیرهای شش گانه فعل ساز، استفاده می شود. در سوم شخص مفرد از مصدر فعل در ماضی ساده استفاده شده است.
«آنها سال هاست از این جا رفته اند»

Ošo čan sālen ke az iha ratesten

صرف این گونه فعل در گویش فین، در همه پنج صیغه فعل رفتن (به جز سوم شخص مفرد) ساختار کهن ماضی نقلی است.

ماضی استمراری

فارسی معیار

Aratom	ارتم	می رفتم
Aratey	ارتی	می رفتی
Arat	ارت	می رفت
Arateng	ارتنگ	می رفتیم
Aratey	ارتی	می رفتید
Araten	ارتن	می رفتند

در ساخت ماضی استمراری در افعال لازم نیز از ضمیرهای فعل ساز جانشین شناسه و بن ماضی استفاده می شود. این ضمیرها با ضمیرهای افعال متعددی متفاوتند به این شرح:
در تمام صیغه ها پیشوند a استفاده می شود
a + بن ماضی + شناسه
شناسه ها عبارتند از:

Eng	نگ -	Om	م -
Ey	ی -	Ey	ی -
En	ن -	•	صفر

جمله:

«ما به دانشگاه می رفتیم».

Mā arateneng danešgā

ماضی بعید

فارسی معیار

رترم	Ratarom	رفته بودم
رتری	Ratarey	رفته بودی
رت	Rata	رفته بود
رترنگ	Ratareng	رفته بودیم
رتری	Ratarey	رفته بودید
رترن	Rataren	رفته بودند

برای ساخت و صرف صیغه های این گونه ماضی، ابتدا بن ماضی را مفتوح و سپس با ضمیر های ششگانه فعل را صرف می کنیم. این ضمیر ها مانند ضمیر های ماضی استمراری است با این تفاوت که بن ماضی مفتوح شده است.

جمله:

« من سال گذشته به بندرعباس رفته بودم.»

Me parsāl raterom bander

ماضی التزامی

فارسی معیار

Rateste	رتست بيم	رفته باشم
bobom	رتست بیی	رفته باشی
Rateste	رتست بیود	رفته باشد
bobog	رتست بیینگ	رفته باشیم
Rateste	رتست بیی	رفته باشید
bobūd	رتست بین	رفته باشند

ساخت این گونه فعل بی شباهت به ساخت ماضی التزامی در فارسی معیار نیست؛ در همه صیغه ها به جای فعل معین (باشیدن)، فعل معین بودن با اندک تغییر لفظ آمده است: بن ماضی از مصدر رتستن + واک ب + فعل کمکی بودن به معنای باشیدن + ضمیرهای شش گانه جمله:

« شاید رفته باشم».

Šayadam rateste bobom

افعال کمکی عبارتند از:

باشم	Bobom	بیم
باشی	Bobey	ببی
باشد	Bobūd	بو بود
باشیم	Bobeng	بینگ
باشید	Bobey	ببی
باشند	Boben	ب بن

ماضی ملموس

Aratom	ارتم	داشتم می رفتم
Aratey	ارتی	داشت می رفتی
Arat	ارت	داشت می رفت
Arateng	ارتینگ	داشتیم می رفتیم
Aratey	ارتی	داشتید می رفتید
Araten	ارتن	داشتند می رفتند

Aratey

داشتند می رفتند ارتن Araten

این گونه فعل در قسم لازم و متعددی مانند ماضی استمراری ساخته و صرف می شود.
«داشتم می رفتم که او را دیدم».
Aratom ke bay o omdi

فعل مضارع

در این گویش سه نوع مضارع، کاربرد دارد که عبارتند از: مضارع اخباری، مضارع التزامی و مضارع ملموس در این مقاله به این سه نوع مضارع در افعال لازم و متعددی پرداخته می شود.

مضارع اخباری

(از فعل متعددی گفتن = گفتن)

Agam	اگم	می گویم
Agay	اگی	می گویی
Agu	اگو	می گوید
Ageng	اگنگ	می گوئیم
Agay	اگی	می گوئید
Agen	اگن	می گویند

ریشه و بن مضارع مانند بن مضارع در گویش معیار است ولی در ساخت تفاوت دارند: پیشوند ا + بن مضارع + شناسه شناسه ها عبارتند از:

Eng	نگ	Am	ام
Ay	ای	Ay	ای
En	ان	U	او

« فردا می گویم که کجا برویم »
Sob agam kā bereng

مضارع التزامی

فارسی معیار

Begam	بگم	بگویم
Begay	بگی	بگویی
Begud	بگود	بگوید
Begeng	بگنگ	بگویم
Begay	بگی	بگوید
Begen	بگن	بگویند

در ساخت این گونه فعل شباهتی با فارسی معیار وجود دارد: پیشوند ب BE + بن مضارع + شناسه شناسه ها در مضارع اخباری و التزامی مشترکند.
«شاید فردا بگویند کجا برویم».

Šāyadam sob begen kā bereng

مضارع ملموس فارسی معیار

Agotenom	اگتنم	دارم می گویم
Agoteny	اگتنی	داری می گویی
Agotenen	اگتنن	دارد می گوید
Agoteneng	اگتننگ	داریم می گویم
Agoteny	اگتنی	دارید می گوید
Agotenen	اگتنن	دارند می گویند

در ساخت این گونه فعل از پیشوند فعل ساز a | + مصدر فعل + ضمائر شش گانه استفاده می شود.
این شناسه ها در اولین و چهارمین صیغه با دیگر صیغه ها متفاوت است.
«دارم می گویم که از تو خوشم نمی آید».

Agotenom az to xwašom neyad

فعل مضارع لازم

فعل مضارع التزامی و اخباری و ملموس در گروه لازم نیز ساختاری همانند فعل های متعددی دارد و تفاوتی آن چنان که در صرف افعال ماضی بین این دو گروه فعل دیده می شود، نمی توان دید.
مضارع اخباری = رفتن (رتن)

Aram	ارم	می روم
Aray	اری	می روی
Are	ار	می رود
Areng	ارنگ	می رویم
Aray	اری	می روید
Aren	ارن	می روند

چنانچه دیده شد، ساخت و صرف این فعل مانند فعل لازم است.

جمله:

«من فردا به دانشگاه می روم».

Me sob aram danešgā

فعل مضارع التزامی = رفتن

فارسی معیار

برم	Beram	بروم
بری	Beray	بروی
بر	Beren	برود
برنگ	Bere	برویم
بری	Beray	بروید
برن	Beren	بروند

جمله

«باید فردا به دیدن دوستم بروم»

Sabā bāyad diden rafikom beram

مضارع ملموس

فارسی معیار

Aratenem	ارتنم	دارم می روم
Arateney	ارتنی	داری می روی
Aratenen	ارتنن	دارد می رود
Araeneg	ارینگ	داریم می رویم
Arateney	ارتنی	دارید می روید
Aratenen	ارتنن	دارند می روند

جمله

« دارم می روم دانشگاه ».
Aretenom daneŠgā

فعل مستقبل

فعل مستقبل در فارسی معیار به آینده ای دورتر دلالت دارد ولی در گویش فینی این فعل به فعل مضارع در گویش معیار نزدیک است
معیار فارسی

Mavā beram	موا برم	خواهم رفت
Tavāberay	توا بری	خواهی رفت
Šavā bere	شوا بر	خواهد رفت
Māvā bereng	ماوا برنگ	خواهیم رفت
Tāvā beray	تاوا بری	خواهید رفت
Šāvā beren	شاوا برن	خواهند رفت

فعل امر

برای فعل امر در گویش فینی مانند گویش معیار معمولاً دو ساخت به کار می رود که عبارتند از: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع، ساخت این فعل؛ گونه های لازم و متعدی یکسان است و از پیشوند ب + بن مضارع ساخته می شوند.
مانند:

Bega	بگ	بگو
Begay	بگی	بگویند
Bera	بر	برو
Beray	بری	بروید

فعل نهی

در فعل امر منفی یا فعل نهی از پیشوند م + بن مضارع هر دو صیغه ساخته می شود. مانند:

Maga	نگو
Magay	نگوید
Mara	نرو
Marai	نروید

فعل مرکب

افعال مرکب در این گویش با همکردهایی چون رهتن «Rehten» که معادل مصدر ریختن در فارسی معیار است، دادن «Dāden» و کردن «Kerden» ساخته می شود. فارسی معیار

(کچول رفتن)	Kacūl rehten	رقصیدن
(گول دادن)	Gūl dāden	فریفتن
(گول خوردن)	Gūl xwarden	فریب خوردن
(دعا کردن)	Doā kerdan	دعا کردن
(تل دادن)	Tal dāden	پاره کردن

فعل های پیشوندی

فعل های پیشوندی در گویش فین، ترکیبی از پیشوند و مصدر فعل هستند مانند: فارسی معیار

Vāgeten	واگتن	برداشتن
Vākesiden	واکشیدن	نوشیدن

استثناء

در این گویش برای ساخت گونه های مختلف فعل استثناء نیز وجود دارد؛ و در بعضی مواقع بن مضارع دستخوش تغییرات آوایی می شود و بی شباهت به فارسی معیار نیست. فارسی معیار

سوختن	Sohten	(سهتن)
سوخت	Soht	(سهت)
سوز	Suz	

در برخی افعال، بن مضارع از ریشه دیگر آمده است.
فارسی معیار

نشستن	Nešten	(نشتن)
نشست	Nest	(نشت)
نشین	Bening	(بنینگ)

در بعضی افعال نیز قاعده خاصی برای ساختن بن ماضی و مضارع وجود ندارد مانند فعل «hasten»
به معنی داشتن که ماضی آن شست Šast می شود و قاعده خاصی برای ساختن این گونه بن ماضی
وجود ندارد؛ یا فعل شستن = شنیدن که بن مضارع آن فعل مرکبی است که شباهتی به مصدر و یا ریشه
ماضی ندارد:
فارسی معیار

بشنو	Beram	گوش آد که همان گوش بده در فارسی معیار است.
بشنوید	Beray	گوش آدین

بن مضارع این فعل به طریق دیگری نیز ساخته می شود:

بشنو	Guš bekaš	گوش بکش
بشنوید	Guš	گوش بکشین

منابع و مأخذ

- ۱- انوری، حسن (۱۳۷۰)، دکتر حسن احمدی گیوی، دستور زبان فارسی او، انتشارات فاطمی، چاپ پنجم.
- ۲- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۱)، نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، محمدرضا باطنی، مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ پنجم.
- ۴- جوادی، نصرالله پور، آذرماه (۱۳۷۶)، مجله زبان شناسی، انتشارات نشر مرکز دانشگاهی.
- ۵- قریب، عبدالعظیم، ملک الشعراى بهار، بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، رشید یاسمی، دستور زبان پنج استاد (۱۳۷۳)، تهران، نشر فردوس.
- ۶- مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی گویش شناسی به کوشش حسن رضایی باغ بیدی (۱۳۸۱)، تهران، نشر آثار.
- ۷- نجیبی فینی، بهجت (۱۳۸۱)، بررسی گویش فین، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، چاپ اول.

عظمت حقوقی و اجتماعی زنان

مظفر اکبری مفاخر*

چکیده

نیاز زن و مرد یک نیاز متقابل است که خداوند در اجتماع آن دو، نوعی آرامش عقلی و روانی، روحی و جسمی را برقرار کرده است. بشریت، هیچ دین و تمدنی به این اندازه که قرآن نسبت به زن به طور کامل و مطابق با فطرت و روحیه او توجه دارد؛ سراغ ندارد. در قرآن ملاک برتری، تقوی و معنویت است. جنسیت نمی تواند معیار برتری باشد و هرگز محدودیتی برای کسب کمال نیست. از نگاه قرآن، زن و مرد هر دو انسانند؛ هر دو مخلوق خدایند و هر دو برابر. بهشت و نعمت‌های آن خاص مردان نیست بلکه آن برای همه انسان‌های متقی چه مرد و چه زن آماده شده است. زن مربی است و اولین کلاس جامعه، دامان اوست. قرآن به زن همانند مردها حق مالکیت، ارث و منزلت اجتماعی عطاء می‌کند، قرآن، ازدواج با محارم و نکاح زن محصنه را ممنوع ساخت و به زن ارزش حقوقی بخشید تا به همه اعلام کند که زن کالا نیست به گونه‌ای که حتی پیامبر از زنان بیعت می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: قرآن، زن، عظمت حقوقی، عظمت اجتماعی، فطرت.

مقدمه

از دامان زن است که سازندگان جامعه پا به اجتماع می‌گذارند قرآن کریم هدایت جامعه را از افراد خانواده آغاز می‌کند، زیرا جامعه متشکل از قوم، قبیله، عشیره و گروه، می‌سازد که هر کدام از این گروه‌ها سرچشمه‌شان خانواده است. (قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۲۵۱) این هدایت عظیم و رشد و بالندگی فرد و جامعه در مرحله اول به عهده زن و درکانون خانواده صورت می‌گیرد. به

قول شاعر معاصر عرب، حافظ ابراهیم «الأم مدرسة، اذا أعددتها / أعددت مدرسه طيب الأعراق» مادر(زن) در تربیت کودکان هم چون مدرسه‌ای است که اگر آن را مستعد و آماده کنی در حقیقت ملتی با اصل و نسبی پاک آماده ساخته‌ای. (نصوص حیه من الادب العربی المعاصر، ص ۱۵۴) همچنین روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می‌شود و سرانجام به جامعه ایمانی سرایت می‌کند. (قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۲۵۳) یکی از وظایف زن مدیریت خانه و تربیت فرزنداها است و هنگامی که از آن اهمال ورزد و متمایل به بدی شود قرآن او را از بدی این گونه نهی می‌کند «ای کسانی که ایمان دارید، خود و خانواده خود را از آتش دوزخی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید». (قرآن، التحریم، ۶۰). وظیفه‌ی مرد آن است که به سلامت دین، خلق، صحت و گرایش‌های آن اهتمام ورزد «باید به خانواده خود سفارش کنی تا نماز را بجا آورند و صبورانه در انجام آن ثابت قدم باشند». (قرآن، طه، ۱۳۲) قرآن به صراحت اعلام می‌کند که زن و مرد، هر دو، از یک جوهر انسانی و یک نفس واحد، خلقت یافته‌اند و زن مایه آرامش و آسودگی مرد است. (قرآن، الأعراف، ۱۸۹)

زن در قبل از اسلام و ادیان و تمدن های دیگر

عرب جاهلیت به زن به عنوان کالایی می‌نگریست که همانند اموال و بهایم آن گونه که می‌خواستند در او دخل و تصرف می‌کردند و با این حال زنان به این کار افتخار می‌کردند و هر کسی را که دوست داشتند به سوی خود دعوت می‌کردند و در نتیجه عمل زنا و ازدواج‌های نامشروع بین آن‌ها شایع شد. (تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۲۴۱) زن توانایی ارث بردن نداشت و بر شوهرش هیچ حقی نداشت. رسم چنین بود که تنها مردها را وارث می‌شناختند و معتقد بودند آن کس که قدرت حمل سلاح، جنگ و دفاع از حریم زندگی و احیاناً غارتگری ندارد ارث به او نمی‌رسد، به همین دلیل زنان و کودکان را از ارث محروم می‌ساختند (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰۹) بیداد دیگر در مورد زنان این بود که پس از این که زن طراوت و شادابی خویش را در خانه شوهر از دست می‌داد، برای راندن او و آوردن همسر جدید، وی را زیر فشار قرار می‌دادند تا نه تنها از حقوق خویش بگذرد، بلکه چیزی هم بدهد و جان خویش را نجات بخشد. (ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۷۹۱) زنان از تمام مزایای حقوق بشری محروم بودند، نه مالک اراده خود و نه مالک عملی از اعمال خود، نه مالک ارثی از پدر، مادر و برادر بودند. (تفسیرالمیزان ج ۴، ص ۲۴۱) عرب‌ها وجود دختر را ننگ می‌شمردند و آن‌ها را زنده به گور می‌کردند. قرآن آن‌ها را مورد سرزنش قرار داده و می‌فرماید «از دختری که زنده به گور شد سؤال می‌شود، برای چه جرمی کشته شده‌اید. (قرآن، التکویر، ۸ و ۹) بدترین خبر و وحشت‌آورترین بشارت این بود که بگویند همسرت دخترت به دنیا آورده است (تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۲۴۲) و «هنگامی که یکی از آنها نوزادش دختر شود، صورتش از غم و اندوه تیره می‌شود» (قرآن، النحل، ۵۸ و الزخرف، ۱۷) و خجالت زده، او خود را از مردم پنهان می‌کند، به خاطر خبر بدی که به او داده شده است! او حتی به این فکر می‌افتد آیا نوزاد را با اکراه نگاه دارد، یا او را زنده به گور کند. حقیقتاً قضاوتشان نکبت بار است». (قرآن، النحل، ۵۹) هنگامی که مردی از دنیا می‌رفت، پسر او که از همسر دیگرش بود صاحب اختیار او می‌شد. لباسی بر روی بیوه او می‌افکند و او

را همانند دیگر دارایی‌های برجا مانده به ارث می‌برد. آنگاه اگر تمایل داشت، با او ازدواج می‌کرد، اما مهری برایش مقدور نمی‌ساخت. (ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۷۷۲)

و اما یهود آن گاه که زن حائض می‌شد نه با او غذا می‌خوردند نه با او هم نشینی می‌کردند. ترتولیانوس با خشن‌ترین عبارت زن را مخاطب می‌ساخت و او را «دری که دیو از آن به درون می‌آید» می‌نامید. (تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۷۱۷) ژان کریسوستوم قدیس معتقد بود که «در میان تمام جانوران وحشی زیان بار تر از زن وجود ندارد». (جنس دوم، ج ۱، ص ۱۵۹) آگوستین قدیس که شاید بتوان وی را برجسته‌ترین عالم مسیحی در تمام اعصار نامید؛ معتقد بود که «زن حیوانی است که نه استحکام دارد و نه استواری». (جنس دوم، ج ۱، ص ۲) عقیده کشیشان مسیحی درباره‌ی زن این بود که «مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است. و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده بلکه زن برای مرد آفریده شده است». (جایگاه زن در اسلام و یهودیت، ص ۳۵) زن از بدی تغذیه می‌کند و سر آغاز همه‌ی دعاوی و مخالفت‌هاست و راه و طریق هر گونه فساد اخلاق است. (جنس دوم، ج ۱، ص ۱۶۸) زنی که حیض می‌بیند تا هفت روز ناپاک است و اگر کسی هم به او دست بزند تا هفت روز ناپاک است و هر که او را لمس کند تا شب نجس باشد و در هر چیزی که بر حیض خود بخوابد نجس می‌شود. (کتاب مقدس سفر لاویان باب ۱۵ شماره ۱۹ تا آخر) حقوق مالکیت زنان یهودی در دوره تلمودی به همان اندازه محدود بود که حقوق زنان انگلیسی در قرن هجدهم. عواید، درآمد و هر گونه داراییشان به شوهرانشان تعلق داشت. (تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۴، ص ۴۲۶)

در تاریخ گذشته ایران، زن‌ها دارای شخصیت حقوقی نبوده و در شمار اشیاء و تحت قیومیت مردان قرار داشتند. از جمله ازدواج‌های شرم آور عصر ساسانیان، زناشویی خواهران با برادران، پسرها با زن پدرها و تعدد زوجات بود که هر مرد می‌توانست حتی صد زن بگیرد. (زن از دیدگاه اسلام، ص ۳۱) در امپراطوری ساسانی، زن شخصیت حقوقی نداشت؛ و به عنوان یک شیء فرض می‌شد. به بیان واضح‌تر، در آن دوره زن فقط آن چیزی به شمار می‌رفت که می‌توانست از آن کسی یا حق کسی باشد، نه به عنوان شخصی که خود، صاحب حق باشد و حقوقی داشته باشد. (زن در حقوق ساسانی، ص ۴۰)

عظمت حقوقی زن

قرآن زن را با مرد در پذیرش تکالیف شرعی و آنچه که از پاداش و جزاء که آن را مبدأ تکلیف وحدت می‌نامند، متساوی می‌داند. بر اساس مبدا تکلیف، مذکر و مؤنث در همه امور دین و دنیا تکلیفی متساوی دارند. زیرا امر مهم، نتایج سعی هر کدام از آنها، بر اساس فعلی است که از آنها صادر می‌شود» و اما کسانی که زندگی پرهیزگاران را در پیش می‌گیرند، چه مذکر چه مؤنث، در حالی که ایمان داشته باشند، به بهشت وارد می‌شوند؛ بدون کوچک‌ترین بی‌عدالتی» (قرآن، النساء، ۱۲۴) و «هرکس اعمال پرهیزگاران انجام دهد، مذکر یا مؤنث، در حالی که ایمان داشته باشد، ما مطمئناً زندگی سعادت‌مندان‌ای در این دنیا به او خواهیم داد و (در روز قضاوت) به خاطر اعمال پرهیزگاران‌شان به طور یقین پاداش آنها را کامل خواهیم پرداخت». (قرآن، النحل، ۹۷) و «مردان

تسلیم شده، زنان تسلیم شده، مردان مؤمن، زنان مؤمن، مردان فرمانبردار، زنان فرمانبردار، مردان راستگو، زنان راستگو، مردان صبور، زنان صبور، مردان محترم، زنان محترم، مردان صدقه دهنده، زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار، زنان روزه دار، مردان پاکدامن، زنان پاکدامن و مردان که به ذکر خدا مشغولند و زن‌های ذکرکننده، خدا برای آنها آمرزش و پاداشی عظیم مهیا کرده است.» (قرآن، احزاب، ۳۵)

زن آیت و نشانه خداوند است «از نشانه‌های اوست که برای شما از بین خودتان همسرانی آفرید، تا این که با یکدیگر آرامش و رضایت داشته باشید و او در قلب‌های شما نسبت به همسرانتان عشق و محبت جای داد.» (قرآن، الروم، ۲۱) خداوند سوره‌ای کامل از قرآن (سوره النساء) را به زنان اختصاص داده است و در مورد امور مهم زن، خانواده و جامعه سخن گفته است و از زن به عنوان یکی از نعمت‌های بهشتی (قرآن، الرحمن، ۷۲، الطور، ۲۰، الواقعة، ۲۲، الدخان، ۵۴) و هبه‌ای کریمانه یاد می‌کند «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ» او هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر عطا می‌کند و به هر کس بخواهد پسر عطا می‌کند.» (قرآن، الشوری، ۴۹) و مردان را ملزم به رعایت حقوق و معاشرت نیکو با آنها امر فرموده است. (قرآن، البقره، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۴۱) خداوند در قرآن، حتی حقوق زنان را نیز در ذکر قصص قرآنی و ذکر شخصیت‌ها رعایت کرده است و به ذکر قصه بلقیس، ملکه سبا (قرآن، النمل، ۲۳ و ۲۴) و مریم (س) پرداخته و از او به نام رسول و صدیقه (قرآن، المائدة، ۷۵) و زنی پاک که خداوند آن را بر همه زنان عالم برگزیده، یاد می‌کند. (قرآن، آل عمران، ۴۲) قرآن اعلام می‌کند زنان مانند مردان مالک بهره‌کار و زحمت‌شان می‌باشد و حقوق او را در خرید و فروش، تملک و غیره ثابت می‌کند «مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی» (قرآن، النساء، ۳۲) و به زن در قرآن آزادی اقتصادی داده شده که مساوی با مرد است و تفسیر این آزادی آن است که زن به طور قانونی قدرت مالکیت دارد و مانع از آن شود که در مالکیت او دخل و تصرف کنند «مردان از آنچه والدین و خویشاوندان باقی می‌گذارند سهمی می‌برند، زنان هم از آنچه والدین و خویشاوندان باقی می‌گذارند سهمی می‌گیرند. ارثیه چه کم باشد و چه زیاد، (زنان باید) سهمی معین بگیرند. (قرآن، النساء، ۷) زن توانایی مالک شدن، حق تجارت، داد و ستد و سایر تصرفات مباح در امور مالی دارد و کسی حق تجاوز، دخل و تصرف به این حقوق را ندارد.

قرآن، ازدواج با محارم (قرآن، النساء، ۲۲ و ۲۳) و نکاح زن محصنه - شوهردار (قرآن، النساء، ۲۴) را ممنوع ساخت و به زن ارزش حقوقی بخشید تا به همه اعلام کند، زن کالا نیست که مورد مبادله و تبادل قرار گیرد یا به ارث برسد. (قرآن، النساء، ۱۹)

از جمله نشانه‌های دیگر تقدیر اجتماعی و حقوقی زن این است که به آسانی و رایگان قابل دسترس نبوده است و دست یافتن به او میسر نیست، قرار دادن حق مهریه به زن یک اعتبار مالی به نشانه تقدیر از او می‌بخشید. و براین اساس مرد، وظیفه دارد در آغاز پیمان زناشویی و زندگی مشترک، «مهریه‌ای» به عنوان پیش کش و هدیه برای همسر خویش در نظر بگیرد و تقدیمش کند، البته این پیش کش منحصر و مختص به زن است و هیچ کس دیگری در آن سهمی ندارد،

«برای شوهر حلال نیست تا چیزی را که به او داده است، پس بگیرد..... این‌ها قوانین خداست؛ از حدود آنان تجاوز نکنید. کسانی که از حدود قوانین خدا تجاوز کنند، بی عدالتی می‌کنند». (قرآن، البقره، ۲۲۹) از همین رو قرآن می‌فرماید: «مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آن‌ها بپردازید». (قرآن، النساء، ۴) رسول اکرم (ص) در مورد مهریه می‌فرماید: «هر که زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را نپردازد هنگام مرگ، چون زناکاران بمیرد». (نهج الفصاحه، ص ۲۰۷) علاوه بر مهریه، پرداخت نفقه نیز بر عهده مرد و امری واجب است «پدر باید خوراک و پوشاک مادر را منصفانه فراهم کند». (قرآن، البقره، ۲۳۳) که در صورت تخلف مرد از پرداخت آن، زن می‌تواند اقامه دعوی کند. «به (ایشان) در نفقه و سکنی آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج افکنید». (قرآن، الطلاق، ۶)

کرامت حقوقی زن تا آنجا مهم است که قرآن دستور به معاشرت نیکو با آنان را حتی در حالت ناخوشایندی و کراهت اعلام کرده است و مردان را ملزم به رعایت حقوق روانی آن‌ها فرموده است. «اگر آنها را دوست ندارید، ممکن است چیزی را دوست نداشته باشید که خدا خیر بسیاری در آن نهاده است». (قرآن، النساء، ۱۹) از دیگر موارد، رعایت حق زناشویی و عدالت با او در امر ازدواج بر اساس آیه زیراست «اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، پس فقط با یکی، یا آنچه از قبل دارید قانع باشید». (قرآن، النساء، ۳) رسول خدا (ص) در مورد مردی که دو همسر دارد و بین آن‌ها عدالت را رعایت نمی‌کند؛ می‌فرماید: در روز قیامت در حالی پا به عرصه محشر می‌گذارد که بدن او به دو نیم تقسیم شده است که نیمی از آن مایل است. (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۴۲) قرآن کسانی که زنان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند گناهکار می‌داند که دچار بهتان شده‌اند «کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را که هیچ گناهی نکردند اذیت و آزارکنند، نه تنها دروغ گفته‌اند، بلکه گناهی بزرگ مرتکب شده‌اند». (قرآن، الأحزاب، ۵۸)

قرآن در زمینه حقوق اخروی و پاداش ایمان می‌فرماید «خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته)». (قرآن، التوبه، ۷۲) علاوه بر تساوی در جزاء و پاداش اخروی، قرآن زن و مرد را در حقوق دنیوی مساوی هم قرار داده است. و «دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید». (قرآن، المائده، ۳۸) و در جاری کردن حد زنا می‌فرماید: «زن زناکار و مرد زناکار را هر کدام صد ضربه شلاق بزنید». (قرآن، النور، ۲) خداوند در قرآن بین زن و مرد در شایستگی پذیرش امور اجتماعی، حقوقی و مالی و امثال آن بر اساس آیه «و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده». (قرآن، البقره، ۲۲۸) تساوی ایجاد نموده است.

در قرآن ملاک برتری، تقوی است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» بهترین شما در نزد خدا، پرهیزکارترین شماست (قرآن، الحجرات، ۱۳) جنسیت نمی‌تواند معیار برتری باشد و هرگز محدودیت برای کسب کمال نیست. صیغه مذکر در زبان عربی وضع نشده است فقط برای مرد. صیغه مذکر وقتی در مقابل مونث قرار بگیرد، تخصیص می‌یابد، و در غیر این صورت اعم است. (تعلیم و تربیت

در اسلام، ص ۱۱) به عبارت دیگر همه آنچه در قرآن و سنت از خطابه‌ها به صیغه مفرد مذکر و جمع مذکر در زمینه‌های مختلف آمده، اعم از تکالیف شرعی، حق، حقوق و امور عام، شامل زن هم می‌شود، بدون هیچ تمایز و تفریقی مگر آنکه در آن یک قرینه خاص باشد که از آن جمله می‌توان به تکالیف تعبدی، مالی و بدنی اشاره کرد که آن هم ناشی از سرشت و طبیعت زن‌ها است. بهشت و نعمت‌های آن خاص مردها نیست بلکه آن‌ها برای همه انسان‌های متقی چه مرد و چه زن آماده شده است. «أَعَدْتُ لِلْمُتَّقِينَ» (قرآن، آل عمران، ۱۳۳)

با تامل در متون قرآنی مشاهده می‌شود که توجه شایانی به زن و رعایت حقوق او شده و مردان را از ظلم و تعدی به حقوق او منع کرده است و به تعامل با زن و احسان به او دستور داده است: «و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید! و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است». (قرآن، البقره، ۲۳۱) و «زمانی که عده به پایان برسد، شما می‌توانید منصفانه با آنها آشتی کنید، یا منصفانه از هم جدا شوید». (قرآن، الطلاق، ۲) و از ظلم و تعدی و تجاوز از حدود و قوانین الهی منع فرموده است: «اینها حدود و مرزهای الهی است، از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است». (قرآن، البقره، ۲۲۹)

عظمت اجتماعی زن

کسانی که معتقدند اسلام به زن ظلم و اهانت کرده است و دچار کفر و الحاد شده‌اند، زیرا خداوند بر هیچ کس ظلم نمی‌کند «پروردگارت هرگز به کسی ظلم نمی‌کند». (قرآن، الکهف، ۴۹ و رک، النساء، ۴۰ و یونس ۴۴) اسلام اهمیت اساسی را به روح می‌دهد نه جسم. روح موجودی مجرد است نه مذکر و نه مؤنث پس در قرآن سخن از تزکیه روح است نه سخن از زن و مرد. (زن در آینه جلال و جمال، ص ۷۳) قرآن حقیقت هر انسانی را روح او دانسته و بدن را ابزار وی می‌داند. (زن در آینه جلال و جمال، ص ۷۷)

این که زن در قرآن از چه جایگاه عظیمی برخوردار است، مبتنی بر این است که انسان در قرآن چه جایگاهی دارد، چون قرآن کریم هرگز برای هدایت مرد نیامده است، بلکه برای هدایت انسان آمده است. (زن در آینه جلال و جمال، ص ۷۱) زن در اجتماع، وظیفه‌ای دارد که از مرد ساخته نیست؛ نقش بی‌همتاست و بدون شک، بقای زندگی و نسل بشر محتاج وجود وی است. به بیان دیگر، او نیمی از پیکر جامعه است و نمی‌توان از او و نقش سازنده‌اش چشم پوشید؛ قرآن زن‌ها را در سعادت و شقاوت جامعه مؤثر دانسته و از آن‌ها به عنوان نیمی از پیکره جامعه یاد می‌کند. «ای مردم، ما شما را از همان مذکر و مؤنث خلق کردیم». (قرآن، الحجرات، ۱۳) نقش تعیین‌کننده زن در بقا و گسترش نسل انسانی و پرورش و تربیت فرزندها و مانند آن، همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است.

به گونه‌ای که در مناسبت‌ها و روابط اجتماعی نقش سازنده‌ای به عهده دارد «مردها و زن های مؤمن یاران یکدیگر هستند. آنها از پرهیزکاری طرفداری و کارهای پلید را منع می کنند، آن‌ها نماز را بجا می آورند و انفاق واجب (زکات) را می دهند و از خدا و رسولش اطاعت می کنند. خدا باران رحمت خویش را بر آن‌ها می باراند. خداست قادر متعال، حکیم ترین». (قرآن، التوبه، ۷۱) این توجه تا آن جاست که زن از نظر معنوی به اوج تکامل رسیده تا در کتاب آسمانی نامش تجلی کند. چنانکه در قرآن از مریم مادر عیسی و همسر فرعون، برای مؤمنین اسوه و الگو معرفی شده اند، (قرآن، التحريم، ۱۱ و ۱۲)

خداوند زن را با مرد در پذیرش شایستگی‌ها و انجام فرائض یکسان قرار داده است و به صراحت بارها این امر را در قرآن تکرار کرده است. «من هرگز در پاداش دادن به کارکنان در میان شما برای هر کاری که می کنید کوتاهی نمی کنم، چه مذکر باشید چه مؤنث». (قرآن، آل عمران، ۱۹۵، النساء ۲۴ و التحل ۹۷) او همه ما را از یک مذکر و مؤنث آفریده «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ» (قرآن، الحجرات، ۱۳) و زن را با مرد در یک ردیف ذکر کرده است. «مردان تسلیم شده، زنان تسلیم شده، مردان مؤمن، زنان مؤمن، مردان فرمانبردار و... خدا برای آنها آمرزش و پاداشی عظیم مهیا کرده است». (قرآن، الاحزاب، ۳۵)

قرآن بعد از عبادت خداوند و عدم شرک نسبت به او در مورد احترام به والدین که مشتمل بر پدر و مادر است سخن گفته «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» (قرآن، النساء، ۳۶) قرآن به رعایت حق مادر و اکرام خاص آن و توصیه به احسان و سعی در جهت خدمت به او را و عدم آزار و اذیت او سفارش کرده است. «پروردگارت مقرر کرده است که غیر از او، کسی را پرستش نکن و به والدین خود احترام بگذار. تا زمانی که یکی یا هر دوی آنها زنده هستند، هرگز به آنها اف نگو (کوچکترین حرکت ناراحت کننده) و پر سر آنها داد نزن؛ با آن‌ها با محبت رفتار کن». (قرآن، الإسراء، ۲۳) و «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ، مَا بِهٖ اِنْسَانٌ سَفَارَشْ كَرَدِيمٌ تَا بَهٗ وَالدِّينِشْ اِحْتِرَامٌ بَگِذَارِد. مادرش او را باردار شد و بار سنگین و سنگین تر شد. تا دوسال (مراقبت فراوان) طول می کشد که از شیر گرفته شود. باید از من سپاسگزار باشی و همچنین از پدر و مادر خود. سرنوشت نهایی به سوی من است». (قرآن، لقمان، ۱۴) قرآن به نیکی با پدر و مادر سفارش کرده است ولی در آیه مذکور با آوردن جمله معترضه «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» به شیوه اطنا، تأکید بیشتری بر روی مادر است که او را با رنج و مشقت بسیار در دوران حاملگی، حمل و به مدت دو سال کودک را شیر می دهد. (جواهر البلاغه، ص ۲۰۰)

قرآن به زن صبغهی مسئولیت اجتماعی عطاء فرموده و برای تحکیم جایگاه اجتماعی زن، پیامبر از زنان بیعت می گیرد که دال بر مسئولیت‌های مستقل آن‌ها در جامعه همانند مردان است «ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن، کافران را ترک کردند و از تو تقاضای پناهندگی کنند اگر با

تو عهد کنند.... عهد آنها را بپذیر». (قرآن، الممتحنه، ۱۲) پیامبر اکرم (ص) در بیان عظمت حقوقی و اجتماعی حضرت خدیجه (س) می‌فرماید: «به خدا بهتر از او را خدا به من عوض نداد. در آن وقت که همه مردم کافر بودند، به من ایمان آورد، و در آن هنگام که همه مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق کرد، و آنگاه که مردم مرا از مال خود محروم ساختند، او در دارایی خود با من مواسات کرد و خداوند فقط از او نه از سایر زنان، به من فرزند عنایت کرد. (نساء النبی، ص ۲۹)

زن فردی است از افراد جامعه که بر اساس فطرت و آفرینش ذاتی خود علاوه بر این که نیازمند خانواده و فرزند است، محتاج و نیازمند لذت‌های طبیعی، دنیوی و محتاج قیم، حامی و کفیل و حق ازدواج است که در قرآن به این نیاز زن نیز پاسخ داده شده است «کسانی را که در میان شما مجرد هستند به ازدواج تشویق کنید». (قرآن، النور، ۳۲) قرآن به حفظ جایگاه و آبروی زن بسیار اشاره کرده است و در برابر اتهام به او، مجازات‌های سنگینی را مد نظر قرار داده است «کسانی که به زنان شوهردار تهمت زناکاری می‌زنند، سپس نمی‌توانند چهار شاهد بیاورند، آنها را هشتاد ضربه شلاق بزنید و هیچ شهادتی را از آنان نپذیرید؛ آنان پلید هستند». (قرآن، النور، ۴) و «به طور یقین کسانی که به دروغ، به زنان شوهردار مؤمن و صالح تهمت می‌زنند در این دنیا و در آخرت به لعنت گرفتار شده‌اند؛ آنها به عذابی هولناک دچار شده‌اند». (قرآن، النور، ۲۳)

قرآن به زن به عنوان یکی از ارکان خوشبختی جامعه می‌نگرد و از او به عنوان منبعی از منابع ثبات و قرار و امنیت و آرامش خاطر یاد می‌کند «از جمله نشانه‌های اوست که برای شما از بین خودتان همسرانی آفرید، تا این که با یکدیگر آرامش و رضایت داشته باشید و او در قلب‌های شما نسبت به همسرانتان عشق و محبت جای داد. در این، اثباتی است کافی برای مردمی که فکر می‌کنند». (قرآن، الروم، ۲۱) مودت و دوستی و رحمت پیوندی است که فقط در علاقه جنسی خلاصه نمی‌شود بلکه بعد عاطفی و اخلاقی هم شامل می‌شود. در آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (قرآن، البقره، ۲۲۸) قرآن مرد و زن را در همه شئون و احوال و معامله به معروف یکسان و دارای حقوقی متقابل نسبت به یکدیگر می‌داند که هیچ عمل و کاری نیست که مرد از عهده آن برآید ولی زن توانایی انجام آن را نداشته باشد.

تفاوت‌های زن و مرد و علل آن از دیدگاه قرآن

در احکام و وظایف، تفاوت‌هایی برای زن و مرد لحاظ شده است، که بر اساس نوع آفرینش و جایگاه زن در نظام خلقت و طبیعت است. اسلام برخی از تکالیف را از زن‌ها ساقط کرده است نه به این خاطر که او مساوی مرد نیست، بلکه به جهت رفع رنج، زحمت و مشقات از او که ناشی از جنسیت و فطرت و طبیعت اوست نه این که وسیله‌ای باشد برای طعنه زن به عقل، کرامت و شخصیت انسانی زن، به عنوان مثال قرآن شهادت زن در حقوق مالی را در مقابل شهادت مرد قرار می‌دهد (قرآن، البقره، ۸۲) که به سبب کم اطلاعی زن در امور مالی است، زیرا زن بیشتر زمان خود را در منزل و امور مربوط به تربیت فرزندان سپری می‌کند و در نتیجه نسبت به معاملات مالی و خرید و فروش دارای اطلاعات کم و حافظه ضعیفتری است، برعکس مردها

که بیشتر وقتشان صرف امور مالی می‌شود، و یا ادارهٔ خانه و بقاء نسل که به عهده زن است سبب اسقاط نماز جمعه، جماعت، جهاد و تخفیف‌های مالی از قبیل مهریه و نفقه می‌شود. در زمینهٔ حق میراث نیز اسلام میراث مرد را دو برابر زن قرار داده است. (قرآن، النساء، ۱۱) زیرا اسلام مسئولیت مالی، مهریه، نفقه و هزینه‌های زندگی را به عهده مرد قرار داده است. مسایل دیگری که قرآن زن را غیر مساوی با مرد قرار داده است در حقیقت، خدمت به زن و ارزش بخشیدن به اوست، نه تبعیض و بی‌عدالتی. اسلام می‌خواهد زن به مقام والای انسانیت دست یابد؛ در سرنوشت خویش دخیل باشد و آن چنان که شایسته یک انسان است زندگی کند؛ از همین رو، مسیر کمالتش را تعیین و راه را نشانش داده است تا وی به اختیار و ارادهٔ خویش، مسیر سعادت برگزیند و به کمال انسانی خویش نایل شود.

نتیجه‌گیری

زن جلوه‌ای است از جمال خداوند بر روی زمین و هیچ‌گاه جنسیت محدودیتی برای کسب کمال نیست. قرآن به زن و مرد به طور مساوی توجه می‌کند و آن‌ها را مکمل و مایه آرامش و عفت یکدیگر معرفی می‌کند. تفاوت‌هایی که برای زن و مرد لحاظ شده است، بر اساس نوع آفرینش و جایگاه زن در نظام خلقت و طبیعت است. به عنوان مثال اسلام برخی از تکالیف را از زنان ساقط کرده است، نه به این خاطر که او مساوی مرد نیست، بلکه به جهت رفع رنج، زحمت و مشقت‌هایی، که ناشی از جنسیت، فطرت و طبیعت اوست نه این که این امر وسیله‌ای باشد برای طعنه زدن به زن، عقل، کرامت و شخصیت انسانی او. همچنین در مسائل دیگری که قرآن زن را غیر مساوی با مرد قرار داده است در حقیقت، خدمت به زن و ارزش بخشیدن به اوست، نه تبعیض و بی‌عدالتی.

منابع و مأخذ

- ۱- الهاشمی، احمد (۱۳۷۹)، جواهر البلاغه، الناشر موسسه الصادق للطباعه و النشر، الطبعه الاولى.
- ۲- الطبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۸۷)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، انتشارات فراهانی .
- ۳- آملی، جوادی (۱۳۸۴)، قرآن در قرآن، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
- ۴- آملی، جوادی (۱۳۷۱)، زن در آینه جمال و جلال، ناشر دارالهدی، چاپ اول.
- ۵- بارتمه، کریستیان (۱۳۳۷)، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول.
- ۶- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (۱۳۶۶)، انتشارات جاویدان، چاپ دهم.
- ۷- جلیلی، محمدرضا (۱۳۸۳)، جایگاه زن در اسلام و یهودیت، انتشارات دستان، چاپ اول.
- ۸- خلخالی، علی ربانی (۱۳۹۹)، زن از دیدگاه اسلام، قم، نشر حجت.
- ۹- دوووار، سیمون (۱۳۸۰)، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، انتشارات توس.
- ۱۰- دورانت، ویل (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم .
- ۱۱- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۳)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ۱۲- قرآن کریم
- ۱۳- عاملی، حر (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل بیت، چاپ اول.
- ۱۴- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۷۴)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۵- عبدالرحمن (بنت الشاطی)، عائشه، نساء النبی (۱۳۸۳)، دارالمعارف بمصر، چاپ اول.
- ۱۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم.
- ۱۷- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهراء، چاپ هفتم.
- ۱۸- میبدی، ابوالفضل رشید الدین (۱۳۶۱)، کشف الاسرار و عده الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- ۱۹- میرزایی، فرامرز (۱۳۸۰)، نصوص حیه من الادب العربی المعاصر، انتشارات دانشگاه بوعلی، چاپ اول.
- ۲۰- ویلیام گلن، هنری مرتن (۱۳۸۰)، کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، چاپ اول.

بررسی جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استان هرمزگان

منصوراخلاق‌ی پورا *

محمد محبی ۲ *

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی بر تحولات استان هرمزگان به انجام رسیده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان و اساتید در تأثیر دانشگاه آزاد بر تحولات و توسعه استان دارای نگرش‌های مشابه‌ای هستند، همچنین ۷۷ درصد اساتید و مدیران اجرایی معتقدند که دانشگاه آزاد باعث افزایش شانس مردم منطقه در دستیابی به سواد عالی شده است. گسترش سرمایه اجتماعی و فرهنگی استان و افزایش شانس تحرک اجتماعی برای زنان و دختران هرمزگانی نیز از دیگر آثار دانشگاه آزاد اسلامی است. همچنین از بعد اجتماعی، اکثر اساتید ا صاحب نظران، معتقدند که دانشگاه آزاد اسلامی باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی، نابهنجاری‌ها و جرم شده است. از منظر اقتصادی نیز، تربیت منابع انسانی مورد نیاز توسعه استان از مهمترین اثرات دانشگاه آزاد اسلامی است.

کلید واژه: دانشگاه آزاد، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

مقدمه

هدف پژوهش حاضر تمرکز بر نقش و جایگاهی است که دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان یک نهاد آموزشی عالی غیردولتی از نظر اجتماعی و اقتصادی بر روند تحولات استان هرمزگان با استفاده از نظریه‌هایی چون نظریه سرمایه اجتماعی جمیع کلمن، سرمایه انسانی شولتز و گری بکو، سرمایه فرهنگی بورديو و نظریه فرصت‌های زندگی هانس گرت و رایت میلز بر جای گذاشته است.

بررسی تأثیراتی که دانشگاه آزاد اسلامی بر تحولات استان هرمزگان برجای گذاشته است از دو منظر قابل بررسی می باشد:

۱- آثار و پیامدهای مثبت و مؤثر ۲- آثار و پیامدهای منفی و بازدارنده.
در واقع تعیین و بررسی نقش و جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی بر روند توسعه و تحول زیر ساخت‌های استان از نظر سخت افزاری و نرم افزاری امری است که بایستی بدان توجه خاص مبذول داشت، تأثیرات فرهنگی ناشی از توسعه دانشگاه آزاد، پیامدهای چند وجهی و وسیعی را به دنبال داشته است.

در بعد اجتماعی نیز درسه سطح فرد، خانواده و اجتماع آثار این دانشگاه قابل بررسی و تحلیل است. هرچند جنبه های اقتصادی پیامدهای گسترش دانشگاه آزاد در این پژوهش در دو بخش مستقیم و غیرمستقیم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از روش پیمایشی و تحلیل ثانویه و نمونه گیری عمدی استفاده شده است جامعه آماری مورد نظر شامل دانشجویان دانشگاه آزاد واحد بندرعباس، اساتید، صاحب نظران و مدیران دستگاه های اجرایی در شهر بندرعباس بوده است. و همچنین گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزارنامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار spss صورت گرفته است.

آنچه در این پژوهش مد نظر محقق بوده است کنکاش در خصوص بررسی پیامدهای مثبت این دانشگاه به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر روند توسعه استان و تحولات منطقه بوده است لذا امیدواریم پژوهش حاضر توانسته باشد اهداف مد نظر را به نحو احسن مورد توجه قرار داده و زمینه ای را برای شکل گیری تحقیقات بعدی در استان هرمزگان فراهم آورد.

مبانی نظری پژوهش

- سرمایه اجتماعی

جیمز کلمن در کتاب «بنیادهای اجتماعی» می گوید: «سرمایه اجتماعی زمانی ایجاد می شود که روابط میان اشخاص به شیوه ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. و یکی از ابزارهایی که قادر است نقش تسهیل کننده را در کنش های انسانی و شبکه روابط اجتماعی فراهم آورد، اشاعه و نهادینه سازی مهارت های زندگی از طریق آموزش و حضور شهروندها در فضای آموزشی می باشد». آنچه از تئوری یا دیدگاه های مربوط به سرمایه اجتماعی در این پژوهش استنباط می شود جایگاه آموزش در معنای عام آن و آموزش دانشگاهی در معنای خاص آن بر شکل گیری سرمایه اجتماعی در جامعه و به ویژه استان هرمزگان به عنوان میدان تحقیق حاضر می باشد.

- سرمایه انسانی

شولتز معتقد است سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی در بعد آموزش بایستی متمرکز بر سرمایه گذاری در تحقیقات، آموزش و پرورش برای افزایش قابلیت تطبیق نیروی کار، جهت کشف استعدادها، تربیت کادر آموزشی، آموزش و آینده نگری باشد.

بدین ترتیب سرمایه‌گذاری در آموزش (به ویژه سطوح دانشگاهی) بایستی با توجه به نیازمندی‌های نیروی انسانی در سال‌های آینده صورت گیرد. بنابراین دریک جمع بندی مطابق با دیدگاه‌های شولتز درگسترش سرمایه اجتماعی هیچ عامل یا متغیری به اندازه آموزش تأثیرگذار نمی‌باشد و حتی فراتر از این نقش آموزش بر رشد اقتصادی و درآمد ملی بس تأثیرگذارتر از سایر عوامل است.

- نظریه فرصت‌های زندگی

«هانس گرت و رایت میلز» فرصت‌های زندگی را شامل موارد زیادی همچون، احتمال یا شانس زندگی پس از تولد، سالم زیستن، امکان برخورداری از خدمات پزشکی و درمانی، امکان دستیابی به تحصیل و آموزش تا امکان کشیده نشدن به بزهکاری تعریف می‌کنند. (تامین، ۶۳: ۱۳۷۳)

طبق تئوری فرصت‌های زندگی هر یک از امکانات بر بقیه نیز تأثیر گذار است. داشتن تحصیل عالی به سهم خود به نحو چشمگیری دسترسی به مشاغل پردرآمدتر را تسهیل می‌بخشد و این امر منجر به افزایش شانس فرد در انباشت سرمایه می‌شود و این سرمایه و سطح تحصیل نیز بر سلامت شخص بی تأثیر نبوده و ضمن ارتقاء طول عمر، کیفیت زندگی را نیز افزایش می‌دهد. باتوجه به رویکرد پژوهش حاضر که متمرکز بر بررسی جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد، جایگاه تحصیل عالی به عنوان یکی از شاخص‌های فرصت زندگی بهتر بر ایجاد یا تسهیل سایر فرصت‌های زندگی همچون توزیع درآمدها، میزان زاد و ولد، مرگ و میر و ناهنجاری‌های اجتماعی در این تئوری حائز اهمیت است؛ بررسی‌های مکرر در کشور به نوعی غیرمستقیم و به گونه‌ای استنباطی این امر را تأیید می‌کنند که آموزش عالی بر جایگاه طبقاتی افراد جامعه آن هم در منطقه استان هرمزگان تأثیرگذار است. (مصطفوی، ۱۳۸۴: ۱۱)

- نظریه بازتولید اجتماعی

طبق نظریه بولز و جین تیس نظام جامعه‌پذیری طبقاتی که در مدارس و دیگر نهادهای جامعه سرمایه‌داری منعکس است خواهان دوام و استمرار تقسیم کار طبقاتی جوامع است. چون میزان سطح سواد مهمترین تعیین کننده تحرک اجتماعی و کسب دستاوردهای شغلی است، تحصیل کمتر خانواده‌های طبقات پائین آنان را وادار به محدود شدن در مشاغل سطح پائین می‌کند. بنابراین براساس اصل همخوانی توزیع نابرابر، امکانات و فرصت‌های اقتصادی و در نتیجه دسترسی نابرابر گروه‌ها و طبقات اجتماعی به این امکانات و فرصت‌ها هماهنگ و متقارن با توزیع نابرابر فرصت‌های آموزش و به دنبال آن موفقیت‌های شغلی و اجتماعی دارد و این تقارن و همخوانی در گذر زمان تداوم یافته و باز تولید می‌شود. در واقع انتقاد اساسی نظریه پردازان باز تولید اجتماعی متوجه پا برجایی و تداوم نابرابری اجتماعی از یک نسل دیگر و نقش نظام آموزشی در انتقال این نابرابری است.

- بازتولید فرهنگی

برخلاف نظریه پردازهای بازتولید اجتماعی که سرمایه اقتصادی را اساس و پایه نابرابری اجتماعی در نظر می گیرند، نظریه پردازهای بازتولید فرهنگی به پیروی از ماکس وبر در تحلیل نابرابری های اجتماعی به شیوه زندگی و رفتاری گروه ها و طبقات اجتماعی توجه کرده است و زمینه های فرهنگی و منزلتی را در بحث طبقه اجتماعی مورد نظر قرار می دهند. مفهوم بازتولید فرهنگی اشاره به وسایلی دارد که به کمک آن ها، مدارس بریادگیری ارزش ها، نگرش ها و عادات ها تأثیر می گذارد. بورديو از مفهوم طبقه برداشتی فراتر از مفهوم اقتصادی متداول در ادبیات مارکسیسم دارد، وی انواع سرمایه را به سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی تقسیم می کند و در این رابطه سرمایه اقتصادی در برگیرنده درآمد اقتصادی و سایر منابع مالی و دارایی ها و نیز تجلی نهادی آن یعنی حقوق مالی می باشد. سرمایه فرهنگی شامل گرایش ها و نگرش ها، عادات ها و صلاحیت های تحصیلی فرهیختگی است. سرمایه اجتماعی مجموعه منافع بالفعل و بالقوه ای است که کنشگرها از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی و سازمان ها کسب می کنند. در نظر بورديو سرمایه فرهنگی به وسیله صلاحیت های اجتماعی به دست آمده از طریق آموزش و تحصیل مشخص می شود و بر اساس این صلاحیت ها افراد رتبه بندی می شوند و جایگاه اجتماعی، غرور و افتخار از نمادهای سرمایه فرهنگی هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر نظام آموزشی قرار می گیرند.

- نظریه همنشینی و تقویت افتراقی

در این پژوهش از نظریه «همنشینی و تقویت افتراقی» که توسط رابرت پارک و رونالد اکرز بیان شده نیز بهره خواهیم برد این نظریه شرح و بسطی بر نظریه ساترلند بوده است و بیشتر بر مؤلفه های تشویقی یا تنبیهی مؤثر بر گرایش فرد به یادگیری رفتار تأکید دارد. فرآیندهای موثر و مورد تأکید این نظریه در آموزش عبارتند از:

- همنشینی افتراقی: که در آن یادگیری از طریق کنش های متقابل مستقیم و غیرمستقیم با دیگران صورت می پذیرد.

- تقلید: که مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهده ای است.

- فراگیری تعاریف شناختی: یا مواجه شدن با نگرش های موافق یا مخالف با یک رفتار خاص که می تواند نوعی نقش بازدارنده یا محرک درونی را ایجاد نماید.

در این نظریه بر نقش خانواده، گروه های همسال، مدارس و به ویژه دانشگاه و نهادهای مذهبی تأکید خاصی شده است که می تواند به عنوان یک الگو در این پژوهش مد نظر قرار می گیرد.

یافته های پژوهش

پرسی نگرش دانشجویان، مدیران، اساتید و صاحب نظران به نقش دانشگاه آزاد اسلامی

یافته های حاصل از پژوهش درسنجش نگرش دانشجویان به نقش و تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی بر توسعه و تحول استان هرزگان نشان می دهد که دانشجویان نگرشی «مثبت» به تأثیرات و پیامدهای

دانشگاه آزاد بروند توسعه استان دارند. در رابطه با سنجش نگرش مدیران، اساتید و صاحب نظران نسبت به دانشگاه آزاد اسلامی نشان می‌دهد که در مجموع نگرشی مثبت در بین نمونه مورد بررسی وجود دارد.

نتایج مقایسه‌ای نمره طیف سنجش نگرش برای دانشجویان و صاحب نظران استان هرمزگان نشان از نزدیکی ارزیابی‌های این دو گروه از نقش و جایگاهی است که دانشگاه آزاد اسلامی بر تحولات استان هرمزگان داشته است.

نتایج تفصیلی و آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که بین متغیرهایی همچون سن، جنس و سطح سواد با نوع نگرش به دانشگاه رابطه معناداری وجود ندارد بدین معنا که گروه‌های مختلف سنی، جنسی و تحصیلی نوع نگرش نسبتاً یکسانی به دانشگاه آزاد دارند. همچنین در بین فارغ التحصیلان خارج از کشور ۷۵ درصد و پاسخگوهایی که دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی بوده اند ۸۸ درصد نگرشی مثبت به نقش و جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی در استان هرمزگان داشته‌اند.

افزایش تحرک اجتماعی و کاهش بی عدالتی اجتماعی

تحرک اجتماعی به عنوان یکی از نشانه‌های پویایی و حرکت جامعه به سمت توزیع عادلانه امکانات، نسبت بسیار نزدیکی با نوع و حجم توزیع امکانات آموزشی در یک جامعه دارد که مورد تایید نظریه فرصت‌های زندگی نیز می‌باشد.

نقش و جایگاه موسسات و مراکز آموزش عالی به عنوان «نهادهای باز تولید توانمندی و مهارت» حایز اهمیت خاص و ویژه ای می‌باشد، امروزه نظریه پردازان اقتصادی معتقدند که اگر چه مسأله «عدالت توزیعی» از طریق توزیع مجدد درآمدها در قالب یارانه و یا پرداخت‌های انتقالی امکان پذیر است اما امری است موقت و مسکنی بیش نیست و بهترین راهکار از نظر صاحب نظران سرمایه گذاری در آموزش است. طبق نتایج سرشماری در سال ۱۳۵۵ جمعیت استان برابر ۵۰۰ هزار نفر و تعداد دانشجویان برابر ۱۰۰ نفر گزارش شده است یعنی بازا هر ۵ هزار نفر یک دانشجوی. این در حالی است که آمارها نشان می‌دهد از سال ۶۵ تا ۸۵ در طی دو دهه تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از ۱۵۰ نفر به ۷۴۳۷ نفر بالغ شده است، یا به عبارتی در مدت ۲۰ سال تعداد ورودی به دانشگاه آزاد اسلامی ۵۰ برابر شده است.

مقایسه تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی در این سال‌ها موید نقش این دانشگاه در فراهم کردن فرصت تحرک اجتماعی برای شهروندان و بالاخص جوانان استان می‌باشد. ایفای چنین نقشی توسط دانشگاه آزاد اسلامی در استان مؤید تئوری فرصت‌های زندگی است، طبق تئوری فرصت‌های زندگی هر یک از امکانات بر بقیه نیز تأثیرگذار است. داشتن تحصیل عالی به سهم خود به نحو چشمگیری دسترسی به مشاغل پر درآمدتر را تسهیل می‌بخشد و این امر منجر به افزایش شانس افراد در انباشت سرمایه و جابه جایی فرد در طبقات اجتماعی و تحرک عمودی می‌شود و این سرمایه و سطح سواد حتی بر سلامت شخص تأثیر قابل توجهی دارد و ضمن ارتقاء طول عمر کیفیت زندگی را نیز افزایش می‌دهد و برخورداری از مدرک تحصیلی یکی از شاخص‌های

تعیین قضاوت نسبت به جایگاه فرد در جامعه و طبقه اجتماعی او می‌باشد.

کاهش احساس ناامنی اجتماعی

امروزه این واقعیت عینی را بایستی پذیرفت که «کنکور» به عنوان یک پدیده اجتماعی پیامدها و آثار منفی بسیاری را بر شبکه تعامل‌ها و نظام اجتماعی و فرهنگی ما برجای گذاشته است، به طوری که نتایج حاصل از پژوهش‌های اجتماعی نشان می‌دهد نگرانی‌های ناشی از کنکور تا حدی است که علاوه بر فرد، روابط بین والدین را نیز تحت تاثیر قرار داده و تنش را در محیط خانواده بالا می‌برد و مسلماً چنین تنش‌ها و نگرانی‌ها تاثیرهای نامطلوبی را بر فضا و مناسبت‌های حاکم بر این نهاد مهم اجتماعی به همراه خواهد داشت، که همگی این آثار و پیامدها، حلقه پیچیده و درهمی را تشکیل می‌دهند که در نهایت منجر به تشدید احساس ناامنی اجتماعی و تعمیق استرس‌های روانی در روابط بین فردی و اجتماعی آحاد جامعه خواهد شد.

بررسی نظرهای دانشجویان در حال تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس به نوعی منعکس کننده این واقعیت می‌باشد به طوری که از مجموع دانشجویان مورد بررسی ۴۴ درصد عنوان کرده اند که دلیل اصلی آنان برای ادامه تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی «عدم قبولی» در دانشگاه‌های دولتی بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۸۳ درصد از صاحب نظران، اساتید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مدیران استان موافقت می‌کنند که عدم راهیابی علاقه مندهای به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی باعث ایجاد نگرانی و مشکلاتی برای خانواده‌ها و جوانان هرزگانی می‌شود و دانشگاه آزاد اسلامی در این رابطه فرصتی است تا جوانان استان به بروز استعدادها و خود پر دازند. همچنین حضور جوانان در دانشگاه آزاد اسلامی و ادامه تحصیل آن‌ها منجر به تشویق و برانگیختن اطرافیان به ادامه تحصیل شده است که این امر نیز به نوعی مؤید نقش و کارکرد امنیت بخش این دانشگاه در تشویق جوانان به ادامه تحصیل در استان هرزگان می‌باشد، در واقع دانشگاه در این رابطه ضمن فراهم کردن شانس و فرصت ادامه تحصیل (طبق تئوری فرصت) احساس ناامنی در زندگی خانواده‌ها را تا حد زیادی کاهش داده است.

شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

دانشگاه در معنای عام و دانشگاه آزاد اسلامی به ویژه از چند منظر بستری لازم را برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورد و زمینه را برای گسترش این شکل از سرمایه در جامعه فراهم می‌آورند، که مهمترین آنها عبارتند از:

تغییر نگرش‌ها

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان معتقدند که تحصیل در دانشگاه باعث ارتقاء آگاهی و شناخت بیشتر آن‌ها از جامعه شده است. به طوری که ۶۲/۳ درصد از آن‌ها این تاثیر را در حد زیاد و خیلی زیاد، ۲۵/۷ درصد در حد کم و تنها ۶ درصد دانشجویان در حد خیلی کم

معتقدند که دانشگاه باعث افزایش شناخت و آگاهی آنان نسبت به جامعه و مسایل آن شده است، در این رابطه تفاوت معناداری بین دختران و پسران دانشجو وجود ندارد یعنی دانشجویان فارغ از جنسیت ارزیابی تقریباً یکسانی از نقش دانشگاه آزاد اسلامی در تغییر نگرش‌ها و افزایش شناخت شان نسبت به جامعه داشته اند.

افزایش حس اعتماد اجتماعی

یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد که مدیران اجرایی، اساتید و صاحب نظران معتقدند که حضور جوانان در محیط دانشگاه فرصتی دوباره برای آگاهی یافتن و اجتماعی شدن آنها می‌باشد به طوری که ۹۳/۲ درصد از نمونه مورد بررسی با این امر موافق بوده اند که این امر مؤید تاثیر زیادی است که دانشگاه می‌تواند در تغییر نگرش‌ها، رفتارها و انتقال ارزش‌ها و هنجارهایی که لازمه یک زندگی سالم و متعادل با سایرین است ایفا کند. جهت بررسی نقش محیط دانشگاه در توسعه ارتباط دانشجویان با دیگران این موضوع از دانشجویان مورد پرسش قرار گرفت و نظرها نشان داد که ۸۴/۷ درصد از دانشجویان با ارزیابی مثبت از تاثیرهای محیط دانشگاه برگسترش شبکه تعامل هایشان با دیگران بر تاثیر دانشگاه در توسعه تعامل های دانشجویان با دیگران و محیط اجتماعی صحنه گذاشته‌اند و تنها ۱۵/۳ درصد این نقش را در حد ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

آموزش مشارکت جویی

دانشگاه آزاد اسلامی هر چند در استان هرمزگان شیوه‌های آموزش و فرهنگ‌سازی مشارکت جویی را دیر آغاز کرد با این حال رشد آن در سال‌های اخیر نوید بخش و امیدوارکننده است. مهمترین ساز و کارهای فعلی در خصوص درگیر کردن دانشجویان با فعالیت‌های جمعی عبارتند از برگزاری دوره‌های گردش علمی و تفریحی، راه اندازی نشریه های دانشجویی، راه اندازی انجمن‌های علمی دانشجویی، پایه گذاری باشگاه پژوهشگران جوان، و... همگی در زمره فعالیت هایی هستند که در محیط دانشگاهی منجر به تقویت حس مشارکت جویی و ایجاد همدلی و آموزش دانشجویان جهت پذیرش مسئولیت‌های بعدی در اجتماع خواهد شد. در حال حاضر ۱۵ انجمن علمی دانشجویی در سطح دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس مشغول به فعالیت هستند و صدها دانشجو عضو این انجمن‌ها هستند. و انجمن‌های اجتماعی - سیاسی متعدد نیز از دیگر اشکال مشارکت جویی دانشجویان می‌باشند.

یکی دیگر از مولفه‌های مشارکت، آمادگی افراد جهت حضور در اقتصاد جامعه در قالب اشتغال می‌باشد که در این رابطه نظر اساتید، مدیران اجرایی و کارشناسان را درخصوص نقش و تاثیر دانشگاه آزاد اسلامی در فراهم سازی زمینه مشارکت نیروی انسانی منطقه در اقتصاد جویا شدیم. طبق یافته‌های تحقیق ۸۶/۴ درصد از پاسخگویان این امر را مورد تایید قرار داده و موافقت خود را با این موضوع که دانشگاه آزاد اسلامی در استان هرمزگان فرصت مشارکت بیشتری را در فعالیت‌های اقتصادی برای نیروهای انسانی منطقه فراهم آورده اعلام کرده‌اند. علاوه بر این ۵۵/۲

درصد از دانشجویان تا حد زیادی معتقدند که تحصیل در دانشگاه شانس آن‌ها را در یافتن شغل مورد علاقه شان افزایش داده است.

توسعه سرمایه فرهنگی

همان طور که پیش از این اشاره کردیم، بر اساس نظریه بوردیو برای بررسی نقش و تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی باید سه مقوله جدا از هم را مد نظر قرار داد. در اینجا برای هر کدام مصادیقی را بیان می‌کنیم:

- سرمایه فرهنگی تجسم یافته

کشف استعداد افراد و امکان ادامه تحصیل برای جوانان استان در رشته‌های مختلف که پیش از این به دلیل سطح پایین آموزش در استان و عدم امکان رقابت در کنکور سراسری محکوم به ترک تحصیل بوده‌اند همه از مصادیق تأسیس دانشگاه آزاد هستند به طوری که تصویری از استان هرمزگان بدون دانشگاه آزاد نمایی از محرومیت و سلب ادامه تحصیل برای جوانان به ویژه در مناطق روستایی و محروم را به ما نشان می‌دهد که پیامد آن بروز فقر سرمایه فرهنگی خواهد بود.

- سرمایه فرهنگی عینی

رشد فعالیت‌های فرهنگی و خدماتی همچون کتابخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، خدمات دانشجویی و اتصال مرکز اطلاع‌رسانی دانشگاه به بزرگترین و مهمترین پایگاه‌های مهم اطلاع‌رسانی جهانی همگی کمک به غنای سرمایه فرهنگی می‌کنند. با این حال علی‌رغم آن که در سال ۱۳۸۴ تعداد مقاله‌های چاپ شده در دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس ۲۰ مقاله بوده که سه مقاله به کنفرانس‌های بین‌المللی راه یافته است اما میزان رشد مقاله‌های علمی اساتید دانشگاه آزاد از وضع مطلوبی برخوردار نبوده که امید است در سال‌های نزدیک این عقب‌افتادگی جبران شود.

مرووری گذرا بر آخرین وضعیت کتابخانه‌های عمومی استان، عمق نیازها و کمبودهای فرهنگی این بخش را بیشتر مشخص می‌کند و نقش دانشگاه آزاد را تحقق سرمایه فرهنگی عینی مشخص‌تر می‌سازد.

استان هرمزگان دارای ۳۸ باب کتابخانه عمومی است که ۲۶ باب آن در مناطق شهری و ۱۲ باب آن در مناطق روستایی می‌باشد. از تعداد کل کتابخانه‌های موجود ۷ باب قبل از انقلاب و ۳۱ باب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی احداث شده است. مجموع کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی استان ۲۶۵/۰۰۰ نسخه است. نسبت کتاب به ازای هر صد نفر جمعیت باسواد در استان ۲۶ نسخه و نسبت کتاب به ازای هر صد نفر جمعیت استان ۱۹ نسخه می‌باشد.

مطابق با معیار جهانی ایفلا که به ازای هر نفر می‌بایست ۱/۵ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی استان موجود باشد در حال حاضر بایستی ۲/۱۰۵/۵۱۱ جلد کتاب در کتابخانه‌های استان باشد، در حالی که در حال حاضر تنها ۲۶۵/۰۰۰ جلد کتاب موجودی کتابخانه‌های استان است که کمبود موجود ۵۱۱ و ۱/۸۴۰ جلد است که بیانگر فاصله زیاد تا وضع مطلوب است، این وضعیت در

شاخص سرانه افراد باسواد نیز نامطلوب است به طوری که، برابر با معیارهای ایفلا برای جمعیت باسواد استان می بایست ۱/۵۲۷/۷۸۹ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی استان موجود باشد که در حال حاضر ۱/۲۶۲/۷۸۹ جلد کتاب کمبود داریم. (سند توسعه فرهنگی استان، ۱۳۸۷: ۲۳).

این در حالی است که دانشگاه‌ها به عنوان مجموعه‌های علمی آموزشی با ایجاد و توسعه منابع جانبی همچون کتابخانه‌ها، نمایشگاه‌ها و سمینارها بر توسعه و انباشت سرمایه فرهنگی تاثیرهای چشم‌گیری برجای می‌گذارند. به عنوان مثال دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه توسعه کتابخانه توانسته است پیشرفت خوبی را داشته باشد. به طوری که کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی با ۷۹ هزار جلد کتاب فارسی و لاتین و ۱۸ هزار عنوان کتاب در تمامی زمینه‌های مختلف علمی یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های استان هرمزگان می‌باشد. کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس با بیش از ۳۰۰ عنوان نشریه‌های داخلی و خارجی به همراه بیش از ۱۰ عنوان روزنامه محلی کشوری در دو طبقه با مساحت ۲۵۰۷ مترمربع در محوطه دانشگاه آزاد بندرعباس با بهره‌گیری از معماری بدیع واقع شده است.

این مرکز همچنین با همکاری و اشتراک با پایگاه‌های مهم اطلاع‌رسانی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی دانشگاه شیراز و شرکت نمایه (زیر نظر هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور) در استفاده از معتبرترین پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی از این امکانات، مرکز را به یکی از غنی‌ترین و معتبرترین مراکز اطلاع‌رسانی در جنوب کشور که قادر به ارائه مطالب و مقاله در تمامی زمینه‌های مختلف علمی - پژوهشی به فارسی و لاتین به تمامی پژوهشگران و محققان مبدل کرده است.

سرمایه فرهنگی نهادینه شده

این نوع سرمایه فرهنگی در برگیرنده اساتید، مدرک‌های صادر شده، رتبه‌های دانشگاهی، تعداد دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی می‌باشد که دارای نقش‌ها و موقعیت‌های تثبیت شده اجتماعی هستند. در واقع دانشگاه آزاد اسلامی در بخش‌هایی از این نوع سرمایه فرهنگی همچون تعداد دانشجویان، فارغ‌التحصیلان نقش ارزنده‌ای را در انباشت سرمایه نهادینه شده در استان هرمزگان ایفا کرده است و هرچند در سایر زمینه‌ها همچون جذب اساتید با مدارج دکترا، اعطای بورسیه به مدرسان جهت ارتقاء علمی در وضع مطلوبی قرار ندارد با این حال نسبت به گذشته حرکت‌های خوبی را داشته است.

افزایش شانس تحرک اجتماعی برای دختران و زنان

استان هرمزگان به لحاظ عقب‌ماندگی ساختاری و ضعف نهادهای فرهنگی در سال‌های گذشته از جمله استان‌هایی بوده است که نگرش‌های جنسیتی منفی در قبال نقش و جایگاه زنان به عنوان ایستارهای تثبیت شده‌ای رواج داشت، به نحوی که این ایستارها در بین افراد تحصیل کرده و نسل متجدد نیز کم و بیش نمایان می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه آزاد اسلامی به صورت مستقیم با آموزش و توانمندسازی زنان باعث شده است تا شانس آنان را در دستیابی به

امکانات شغلی، درآمدی افزایش داده و میزان مشارکت آنان را در جامعه ارتقاء دهد، و به صورت غیرمستقیم تأثیرها و پیامدهایی همچون تغییر و تعدیل نگرش‌های جنسیتی، کاهش مولید و تعدیل بعد خانوار و افزایش مهارت‌های اجتماعی را در قبال زنان‌ها و دختران استان صورت دهد.

کاهش آسیب‌های اجتماعی

بررسی داده‌های ثانویه نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد از افرادی که به روش مختلف به جرم شکستن نظام هنجاری و ارزشی و زیر پا نهادن قوانین و مقررات دستگیر شده‌اند فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند، امری که نوعی رابطه را بین میزان گرایش به جرم با میزان تحصیلات بیان می‌کند. در واقع دانشگاه آزاد به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در بعد پیشگیری ضمن آگاهی بخشی و ارتقاء سطح شعور و منش دانشجویان و دانش‌آموختگان احتمال گرایش جوانان را به نابهنجاری‌ها و جرائم کاهش می‌دهد، طبق یافته‌های این پژوهش ۷۶ درصد از دانشجویان و ۷۸ درصد از مدیران اجرایی، اساتید و صاحب نظران معتقدند که دانشگاه آزاد اسلامی باعث کاهش نابهنجاری‌ها و جرم شده و تنها ۲۴ درصد از دانشجویان و ۲۲ درصد از مدیران و اساتید اعتقادشان بر این است که دانشگاه آزاد اسلامی خود موجب گسترش نابهنجاری و جرم در شهرهای استان شده است.

مهاجرت و تبادل فرهنگی

در استان هرمزگان به لحاظ تاریخی حضور اقوام و مهاجرها باعث شکل‌گیری نگرش‌های قومی و در بعضی مواقع منفی در بین ساکنین منطقه نسبت به کسانی شده است که از سایر مناطق به این منطقه روی آورده‌اند و چنین تعارض‌هایی را می‌توان در قالب اصطلاحات و واژگانی همچون بومی و غیر بومی شاهد باشیم. دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان مجموعه آموزشی و فرهنگی هر چند بر رشد مهاجرت از سایر مناطق به شهرها تأثیرگذار است و چه بسا منجر به ایجاد تغییرها در محیط‌های اجتماعی، فرهنگی در مناطق شهری و روستایی منجر شده است با این حال پیامدهای غیرمستقیم و مثبت حضور جوانان و دانشجویان در چنین مناطقی به مراتب بیشتر از ضررها و آثار منفی آن می‌باشد چرا که دانشجویان غیرساکن و مهاجر از سایر مناطق استان و یا کشور در شهرهای استان تسهیل‌کننده فرایند نوعی تبادل فرهنگی می‌باشند که به لحاظ اجتماعی در گذر زمان منجر به شکل‌گیری نوعی زندگی مسالمت‌آمیز توأم با مشارکت خواهد شد.

توسعه منابع انسانی استان

با نگاهی به وضعیت منابع انسانی استان در گذشته به سادگی می‌توان دریافت که تا سال ۱۳۷۰ تقریباً عمده منابع انسانی مورد نیاز مؤسسات و نهادهای دولتی و شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی خارج از استان تأمین شده است. به طوری که سهم منابع استانی و بومی در مدیریت اقتصادی و اداری استان بسیار ناچیز بوده است. با گسترش آموزش عالی در استان هرمزگان که به صورت قاطع

می‌توان گفت ابتدا با تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بندرعباس آغاز شده است، تحولی اساسی صورت گرفته است، به طوری که هم‌اکنون در هر اداره و شرکتی چه دولتی و چه خصوصی فارغ‌التحصیل‌های دانشگاهی بومی نقش عمده‌ای در تأمین منابع انسانی مورد نیاز به عهده دارند. اطلاعات دریافتی از اداره‌ها، شرکت‌ها و موسسات دولتی و خصوصی که در این تحقیق جمع‌آوری شده است مؤید این نکته می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از نگاه مدیران، اساتید و صاحب‌نظران، دانشگاه آزاد اسلامی در تأمین منابع انسانی مورد نیاز استان نقش نسبتاً مثبتی را در این راستا ایفا می‌کند.

تاثیر دانشگاه آزاد اسلامی بر تحقیقات

بر اساس آمار ارائه شده دانشگاه‌های موجود در ایران در فهرست ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان شناخته شده‌اند. ضمن اینکه باید توجه داشت دانشگاه‌های کشور رتبه ۵۱ را در تولید علم کسب کرده‌اند. از مهمترین علل عقب ماندگی کشورها از نظر علمی، صنعتی و اقتصادی می‌توان به خود باختگی، عدم برنامه‌ریزی مناسب و کمبود امکانات مالی، در انحصار نگه داشتن دانش و فن آوری جدید توسط کشورهای توسعه یافته، عدم توجه به ارتباط بین مراکز علمی و صنعتی در توسعه اقتصادی اشاره کرد. با این حال نبایستی به دلیل عقب ماندگی‌های گذشته سطح انتظار از نقش آفرینی دانشگاه آزاد اسلامی در تولید علم و کمک به توسعه استان در ابعاد صنعتی در سطح حداقل باقی بماند. بررسی طرح‌های پژوهشی انجام گرفته در دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس نشان می‌دهد که قریب به اتفاق طرح‌های به انجام رسیده ماهیتی کاربردی داشته و به سفارش دستگاه‌های اجرایی همچون سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمان محیط زیست، اداره کل منابع طبیعی، سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل شیلات و... به انجام رسیده است که دارای دو ویژگی عمده می‌باشد: اول آن که موضوع‌های پژوهشی متناسب با رشته‌های تحصیلی در دانشگاه آزاد شکل گرفته اند و دوم آن که بررسی موضوع‌ها گویای این مهم است که همگی آنها ضرورت انجام داشته و مورد نیاز دستگاه‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه مورد مطالعه بوده است. هر چند که محقق بر این موضوع معترف و واقف است که دانشگاه آزاد اسلامی در استان تا دستیابی به جایگاه مطلوب خود در پیوند بین آموزش و پژوهش از یک سو و برقراری ارتباط موثر بین بخش تولیدی - اجرایی و به ویژه صنعت با پژوهش‌های دانشگاهی راهی بس طولانی را بایستی پیماید؛ با این حال این نکته را نیز نبایستی از نظر دور داشت که تحقق این شروط مستلزم فراهم شدن بستری فرا ساختاری می‌باشد که دانشگاه تنها یکی از عناصر آن است.

دانشگاه آزاد و افزایش بهره‌وری منابع انسانی موجود

آموزش و توسعه منابع انسانی در نظام مدیریت منابع انسانی، نه تنها در ایجاد دانش و مهارت ویژه در کارکنان نقش بسزایی دارد بلکه باعث می‌شود که افراد در ارتقاء سطح کارایی و اثربخشی سازمان سهیم باشند و خود را با فشارهای متغیر محیطی وفق دهند. تقریباً در هر سازمانی ۷۰ درصد

از منابع و سرمایه را منابع انسانی تشکیل می‌دهد به همین دلیل تأمین این سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت‌های آموزشی مستمر و منظم در تمامی سطوح سازمانی است. در استان هرمزگان هیچ سازمان و مؤسسه ای نیست که هم اکنون بخش عمده ای از نیروهای ماهر خود را از دانشگاه آزاد تأمین نکرده باشد.

طبق آمارهای موجود ۱۸ درصد از کل نیروهای انسانی شاغل در سازمان آموزش و پرورش استان فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد می‌باشند و ۸۲ درصد از این افراد در دانشگاه آزاد بندرعباس یا سایر دانشگاه‌های استان تحصیل کرده اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق تقریباً در تمامی اداره‌ها و سازمان‌های مهم در استان فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد به طور اعم و دانشگاه آزاد واحد بندرعباس به طور اخص نقش تعیین کننده ای در ساختار مدیریت این سازمان‌ها به عهده دارند.

نقش دانشگاه آزاد در توسعه صنعتی استان هرمزگان

با توجه به محورهای مذکور استان هرمزگان با وجود منابع غنی گاز، نفت و سایر منابع دریایی و زیرزمینی در رتبه بندی توسعه اقتصادی و صنعتی کشور جایگاه مناسبی ندارد. به یقین یکی از مهمترین دلایل این وضعیت در گذشته عدم وجود نیروی انسانی ماهر و خلاق بوده است. از آنجا که دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس در دو دهه اخیر نقش برتر و غیر قابل انکاری در تربیت نیروی ماهر استان داشته است می‌توان گفت که ایجاد و تاسیس و گسترش رشته‌های متنوع دانشگاهی در فرآیند توسعه صنعتی استان یکی از مهمترین عوامل به شمار می‌آید.

تأثیر دانشگاه آزاد در توسعه بخش کشاورزی

استان هرمزگان از مناطق نیمه خشک کشور محسوب می‌شود و به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی، کمبود خاک مناسب و محدود بودن آب کشاورزی آن از تنوع چندانی برخوردار نیست. اما با این وجود کشاورزی در استان هرمزگان دارای شرایط منحصر به فردی می‌باشد که ناشی از شرایط خاص مناطق جنوب است. تقریباً در تمامی فصول در استان هرمزگان امکان کاشت، داشت و برداشت کلیه محصولات‌های جالیزی و صیفی جات و انواع میوه‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری وجود دارد. برای درک نقش دانشگاه آزاد در تحول کشاورزی کافی است به نقش دانشگاه آزاد در تربیت جوانان روستایی و کشاورز توجه کرد که بدون شک تاسیس این دانشگاه در استان هرمزگان در فرآیند فرهنگ سازی در جامعه سنتی نقش اساسی داشته است.

نقش دانشگاه آزاد در توسعه صنعت شیلات

بخش شیلات استان هرمزگان به عنوان یکی از زیر بخش های کشاورزی استان، نقش و جایگاه مهمی در توسعه منطقه و اقتصاد استان دارد. وجود استعداد بالقوه و پتانسیل عظیم پرورش میگو و فراهم بودن شرایط برای صید آبزیان، نمایانگر افق روشنی برای سرمایه گذاری در این بخش می‌باشد. هم اکنون نیاز بخش شیلات از نظر تأمین نیروی انسانی مرتفع شده است علاقه و انگیزه

دانشجوهای فارغ التحصیل در امر پژوهش و نیز مشارکت در امر تولید رو به گسترش است. همچنین طرح‌های برون دانشگاهی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس در زمینه صنعت شیلات رو به افزایش بوده است که تعدادی از مهمترین این طرح‌ها عبارتند از: طرح مطالعه سایت پرورش میگو در کولغان، گاوبندی، سیریک و نقشه برداری سایت پرورش میگو سیریک. طرح‌های فوق تنها بخشی از طرح‌های انجام شده توسط دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس هستند که در حال حاضر در حال اجرا می‌باشند.

گسترش زبان انگلیسی و امکان تعامل بهتر در فعالیت‌های بازرگانی

یکی از مشکلات اساسی در گسترش بازرگانی در کشور ما عدم آشنایی بازرگانان داخلی کشور با شیوه‌ها و روش تجارت خارجی است. عدم امکان استفاده از منابع و اطلاعات موجود در دنیای تجارت به دلیل عدم تسلط به زبان خارجی توسط بازرگانان داخلی همواره یکی از عمده‌ترین موانع و محدودیت‌ها در این راستا به شمار آمده است. دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس با ایجاد رشته‌های زبان انگلیسی ابتدا در مقطع کارشناسی و سپس در مقطع کارشناسی ارشد گام مهم و اساسی در این مسیر برداشته است. باید توجه داشت که بسیاری از فارغ التحصیل‌ها در رشته‌های علوم انسانی در استان مرزی هرمزگان که یکی از قطب‌های تجارت خارجی محسوب می‌شود بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی به تجارت روی می‌آورند و از آنجا که تعداد زیادی از آن‌ها در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شده‌اند؛ هم اکنون دارای این توانایی و قابلیت هستند که بتوانند اصول تجارت و بازرگانی خارجی را بهتر و سریعتر از بازرگان‌های سنتی فرا گرفته و به کار ببندند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش در سنجش نگرش دانشجویان به نقش و تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی بر توسعه و تحول استان هرمزگان نشان می‌دهد که دانشجویان نگرشی «مثبت» به تأثیرها و پیامدهای دانشگاه آزاد بر روند توسعه استان دارند به طوری که میانگین (۳۱/۲) می‌باشد گویای نگرش مثبت می‌باشد. بین زنان و مردان دانشجویان در نوع ارزیابی نسبت به دانشگاه آزاد اسلامی تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج حاصل از طیف لیکرت در رابطه با سنجش نگرش مدیران، اساتید و صاحب نظران نسبت به دانشگاه آزاد اسلامی نیز نشان می‌دهد که در مجموع نگرشی مثبت در بین نمونه مورد بررسی وجود دارد. میانگین نمره به دست آمده برای نمونه مورد بررسی (۳۱/۳) می‌باشد، به طور کلی با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحقیق‌های گذشته، دانشگاه آزاد اسلامی به طور اعم و واحد بندرعباس به طور اخص تأثیرهای انکارناپذیری چه از منظر اجتماعی - فرهنگی و چه اقتصادی بر استان هرمزگان بر جای گذاشته است، مهمترین آثار اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی عبارتند از:

آثار اجتماعی و فرهنگی

- افزایش تحرک اجتماعی و کاهش بی‌عدالتی اجتماعی
- کاهش احساس ناامنی اجتماعی
- نقش دانشگاه در شکل‌گیری و توسعه «سرمایه اجتماعی و فرهنگی» در استان
- کاهش آسیب‌های اجتماعی
- مهاجرت و تبادل فرهنگی

تأثیرات اقتصادی

- توسعه منابع انسانی استان.
 - افزایش بهره‌وری منابع انسانی موجود
 - مشارکت در توسعه صنعتی استان
 - توسعه بخش کشاورزی
 - گسترش زبان انگلیسی و امکان تعامل بهتر در فعالیتهای بازرگانی
- همچنین در بخش تحقیقات، طرح‌های پژوهشی انجام گرفته در دانشگاه آزاد نشان می‌دهد که قریب به اتفاق طرح‌های مهمی کاربردی داشته و به سفارش دستگاه‌های اجرایی همچون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان محیط زیست، اداره کل منابع طبیعی، سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل شیلات و ... به انجام رسیده است که دارای دو ویژگی عمده می‌باشد، اول آن که موضوع‌های پژوهشی متناسب با رشته‌های تحصیلی در دانشگاه آزاد هستند و دوم آن که بررسی موضوع‌های گویای این مهم است که همگی آن‌ها ضرورت انجام داشته است و مورد نیاز دستگاه‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه مورد مطالعه بوده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آیل، جیمز و رابرت ال ماراگرو (۱۳۷۴)، ترجمه احمد گل محمدی، توسعه سیاسی و بحران‌های تاریخی، همشهری، سال سوم، شماره ۷۴۶.
- ۲- اخلاقی پور، منصور (۱۳۷۹)، بررسی نگرش بومی هانسبت به غیر بومی هاو تاثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی در شهر بندرعباس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۳- اسدالهی، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، بررسی عوامل بروز جرم در زنان سرپرست خانوار زندان‌های خوزستان، ارائه در دومین همایش آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- اطاعت، جواد (۱۳۷۸)، آموزش و توسعه، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره‌های ۱۴۴-۱۴۳، سال سیزدهم.
- ۵- بن‌فاین (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، سید محمدکمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- تامین، ملوین (۱۳۷۳)، جامعه شناسی قشر بندی و نابرابری‌های اجتماعی، عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا.
- ۷- تقوی، مهدی، حسین محمدی (۱۳۸۴)، تاثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۳.
- ۸- تودارو، مایکل (۱۳۶۸)، غلامعلی فرجادی، توسعه اقتصادی در جهان سوم، مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی توسعه، تهران، چاپ هشتم.
- ۹- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
- ۱۰- روشن، احمدرضا (۱۳۸۵)، توزیع فرصت های آموزش در آموزش عالی، مجله بررسی های بازرگانی، شماره ۱۹.
- ۱۱- روزبهانی، توران، نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده) پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، استاد راهنما، مسعود چلبی، تهران، دانشگاه الزهرا.
- ۱۲- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰)، جامعه شناسی کجروی، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ۱۳- سیمای اقتصادی- اجتماعی شهرستان های استان هرمزگان، ۱۳۸۲، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان هرمزگان، آبان ماه ۱۳۸۴.
- ۱۴- طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، مشارکت (در مدیریت و مالکیت) تهران، مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- ۱۵- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشرنی، چاپ اول.
- ۱۶- علوی، پرویز (۱۳۷۵)، ارتباطات سیاسی، تهران، نشر علوم نوین، چاپ اول.
- ۱۷- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۰)، اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۸- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، غلام عباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- ۱۹- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۰)، اقتصاد رشد و توسعه تهران، نشرنی، چاپ اول.
- ۲۰- کرامتی، محمدعلی، نقش سرمایه انسانی و هوش در توسعه اقتصادی آسیا، اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۲۲۶-۲۲۵.
- ۲۱- کیهانی، رضا حکمت (۱۳۸۵)، سرمایه گذاری در آموزش بازدهی های خصوصی و عمومی، مجله بررسی های بازرگانی شماره ۲۹.
- ۲۲- گای، درام، مایکل هاپکنیز، دو نالد مک گراهان (۱۳۷۱)، بررسی شاخص های انسانی و اجتماعی توسعه، روستا و توسعه (گزیده مقالات)، شماره ۴.
- ۲۳- گی روشه، منصور و توفی (۱۳۸۳)، تغییرات اجتماعی، تهران، نشرنی، چاپ پانزدهم.
- ۲۴- محمودی، وحید، سرمایه انسانی، توانمندی انسانی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۶.
- ۲۵- مصطفوی، سیدفرخ (۱۳۷۵)، بررسی علل کاهش باروری در ایران با استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵.
- ۲۶- نبوی، سید عبدالحسین (۱۳۷۴)، بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر در شیوع جرم در جامعه شهری اهواز، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۷- نصفت، مرتضی (۱۳۵۴)، سنجش افکار دانشجویان کشورهای ایران، مؤسسه روانشناسی.

نیازسنجی آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها

هاشم محمدی چمردانی •

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها کلامند. ۲- نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها کلامند. ۲- آیا بین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها نسبت به نیازهای آموزشی مدیران تفاوتی وجود دارد. جامعه آماری پژوهش فوق ۲۰۱۲۰ نفر (۲۰۰۰۰ نفر عضو و ۱۲۰ نفر مدیر) می‌باشد که بر اساس جدول مورگان تعداد ۴۶۹ نفر (۳۷۷ نفر عضو و ۹۲ نفر مدیر) به عنوان نمونه انتخاب شده است و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و خوشه‌ای انجام شده است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. همچنین تحقیق فوق به صورت توصیفی و دارای پایایی ۹۰ درصد است و البته نتیجه کلی که از این تحقیق به دست آمده شامل نیازهای آموزشی مدیران در زمینه مدیریت فرهنگی، روابط عمومی، اصول مدیریت، معارف دینی و اسلامی، برنامه‌ریزی اردوهای زیارتی و تفریحی است.

کلید واژه: نیازسنجی آموزشی، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

مقدمه

هر سازمانی برای رسیدن به اهداف خود نیاز به کارکنان آموزش دیده دارد. با توجه به پیشرفت

فن آوری و یافته های علمی جدید، علوم در تمامی زمینه ها پیشرفت کرده است و سازمان ها نیز جهت پیشبرد اهداف و توسعه فعالیت های شان، دستاوردهای علمی و فن آوری را به خدمت گرفته اند؛ در نتیجه سبک انجام دادن وظایف شغلی نیز تغییر یافته است و کارکنان ملزم به فراگیری آخرین یافته های علمی در زمینه وظایف شغلی شان می باشند. با این وجود نقش محوری آموزش کارکنان در سازمان ها از جایگاه ویژه ای برخوردار است و سازمان هایی موفق ترند که آموزش را به عنوان سرمایه گذاری می نگرند نه هزینه. چنانچه دوره های آموزشی بر اساس نیازهای کارکنان طراحی شده باشد، از برگزاری دوره های آموزشی بدون هدف و هدر رفتن سرمایه سازمان جلوگیری خواهد شد و اجرای دوره های آموزشی زمانی اثر بخش تر است که بر مبنای نیازسنجی علمی و دقیق برنامه ریزی شده باشد. در کانون های فرهنگی هنری مساجد نیز برگزاری دوره های آموزشی برگرفته از نیازهای آموزشی مدیران ضروری است. و نتایج به دست آمده از این تحقیق اطلاعات مفید و ارزنده ای در اختیار برنامه ریزان کانون های فرهنگی و هنری قرار می دهد و باعث اثر بخشی دوره های آموزشی به وسیله تطابق برنامه ها با نیازهای مدیران می شود.

هدف اساسی آموزش، کمک به سازمان جهت نیل به مقاصدش می باشد. به عبارتی آموزش به دنبال توسعه صلاحیت ها و شایستگی کارکنان و بهبود عملکرد آنها می باشد. (حاجی کریمی، ۱۳۷۹: ۲۷۰)

آموزش کارکنان با تأکید بر نیازهای سازمانی، شغلی و فردی درصدد است اهداف و مقاصد زیر را برای بهینه سازی عملکرد سازمانی و شغلی و همچنین رشد و اعتلای فردی محقق نماید که عبارتند از: (صدری، ۱۳۸۳: ۳۰)

افزایش توانایی حرفه ای بالفعل و پرورش توانایی های بالقوه کارکنان، آماده کردن کارکنان برای تصدی وظایف و مسئولیت های جدید، ارتقای سطح دانش و آگاهی کارکنان، ارتقای سطح مهارت های شغلی کارکنان، ایجاد رفتار مطلوب و متناسب با ارزش های پایدار جامعه در کارکنان، افزایش رضایت شغلی و بهبود روحیه کارکنان، افزایش قابلیت انعطاف در کارکنان نسبت به اعمال روش های جدید و نو و استفاده از وسایل و تجهیزات مدرن و نیز سازگاری با تغییرات جدید سازمانی، ایجاد و گسترش روحیه همکاری بین کارکنان به منظور تحقق اهداف سازمان، ایجاد زمینه های استفاده بهینه از منابع موجود انسانی به منظور دستیابی به اهداف و سیاست های سازمان، به هنگام سازی آموزش نیروی انسانی به منظور ارتقای سطح اطلاعات و نیز ایجاد زمینه های رشد خلاقیت و نوآوری در آنها می باشد. آموزش کارکنان فرایندی است که دارای پنج مرحله زیر می باشد:

الف - نیازسنجی آموزشی : در این مرحله نیازهای آموزشی، پس از شناسائی، اولویت بندی می شوند.

ب - طراحی و برنامه ریزی آموزشی : با توجه به توانایی سازمان جهت برگزاری دوره های آموزشی و مد نظر قرار دادن اولویت دوره ها، مقدمات اجرای دوره ها از قبیل بودجه، محل برگزاری، اساتید، محتوی دوره ها، شرایط شرکت کنندگان و غیره پیش بینی های لازم به عمل می آید.

ج - اجرای دوره های آموزشی : دوره های آموزشی مطابق با موارد برنامه ریزی شده، برگزار می

شود.

د - نظارت بر اجرای دوره‌ها: کارشناس مسئولان آموزش بر اجرای دوره‌ها نظارت می‌کنند تا بدین وسیله دوره‌ها مطابق با اهداف از قبل تعیین شده برگزار شود.

ه - ارزشیابی: نتایج دوره‌ها مورد ارزشیابی و میزان حصول به اهداف نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد. از نتایج ارزشیابی جهت بهبود دوره‌های آموزشی آتی استفاده می‌شود. با توجه به فرایند فوق به این نتیجه می‌رسیم که نیازسنجی آموزشی بنیادی‌ترین و اولین رکن آموزش اثربخش می‌باشد چنانچه به صورت علمی انجام نگیرد و دوره‌های آموزشی متناسب با نیازهای آموزشی کارکنان نباشد تاثیر چندانی در وظایف و روند کاری کارکنان نخواهد داشت و بدین وسیله منابعی که سازمان صرف برگزاری دوره‌های آموزشی می‌کند به هدر خواهد رفت.

اولویت بندی نیازهای آموزشی، مدیران و برنامه ریزان را جهت تصمیم‌گیری در خصوص برگزاری دوره‌های آموزشی ضروری سازمان یاری می‌کند. همچنین می‌توان محتوای آموزشی را متناسب با نیازهای آموزشی طراحی کرد. در پژوهش حاضر نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان شناسایی و اولویت بندی شده اند تا بدین وسیله مبنایی جهت برگزاری دوره‌های آموزشی اثر بخش برای آنان باشد. اهداف این تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

اهداف کلی

- نیازسنجی آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء.
- ارایه پیشنهادهاى لازم برای تدوین دوره‌های آموزشی بر اساس نیازهای احصاء شده

اهداف ویژه

- مشخص کردن نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان.
- مشخص کردن اولویت نیازهای مذکور.
- مشخص کردن تفاوت‌های موجود بین دیدگاه‌های مدیران و اعضاء کانون‌ها در زمینه نیازهای آموزشی مدیران کانون‌ها.
- سوال‌های پژوهشی به شرح زیر می‌باشند:
- ۱- نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها کدامند؟
- ۲- آیا بین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها نسبت به نیازهای آموزشی مدیران کانون‌ها تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری

پیشینه تحقیق: برخی از تحقیقات انجام شده در زمینه نیازسنجی آموزشی به شرح زیر می باشد: بازدار، (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان، نیازسنجی آموزشی مدیران دبستان های استان ایلام، انجام داده است که نتایج تحقیق وی بدین شرح است: ۱- در تمام زمینه های هفتگانه (ارایه خدمات حمایتی به دانش آموزان، برقراری ارتباط مؤثر بین مدرسه و جامعه، فراهم سازی تسهیلات و تجهیزات مدارس، انجام امور اداری و مالی، برنامه ریزی درسی، نظارت بر تدریس و ارایه خدمات پشتیبانی به معلمان با ۹۹ درصد اطمینان نیاز وجود دارد. ۲- بین نیازهای آموزشی زنان و مردان، دارندگان مدرک تحصیلی مختلف، گروه های دارای پست های مدیریتی مختلف بودند در هیچ کدام از زمینه های مذکور در سطح ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود ندارد. ۳- بین نیازهای آموزشی گروه های دارای رشته های تحصیلی مختلف تنها در زمینه ارایه خدمات پشتیبانی به کارکنان در سطح ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی دار وجود ندارد. ۴- بین نیازهای آموزشی گروه های سنی مختلف تنها در دو زمینه نظارت بر تدریس معلمان و ارایه خدمات پشتیبانی در سطح ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معنی دار وجود دارد.

باشی، (۱۳۸۲)، تحقیقی با عنوان نیازسنجی آموزشی کارکنان خدمات آموزشی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی شهر تهران انجام داد و در تحقیقش نیازهای آموزشی کارکنان خدمات آموزشی را در زمینه دانش و اطلاعات حرفه ای، نگرش ها و طرز تلقی های حرفه ای بررسی کرد که نتایج تحقیق وی بدین شرح می باشد: هیچ رابطه معنی داری بین سه خرده مقیاس دانش، مهارت و نگرش با تأکید بر سن و جنس یافت نشده است و سطح سواد کارکنان از جمله عوامل اثرگذار بر نیازهای آموزشی آنان بود.

سید حسینی، (۱۳۷۹) تحقیقی با عنوان بررسی نیازهای آموزشی مدیران کانون های فرهنگی هنری مساجد کل کشور از دیدگاه خود آنان، انجام داده است و نتایج تحقیق وی نشان می دهد که نیازهای آموزشی مدیران کانون های فرهنگی هنری مساجد به ترتیب اولویت عبارتند از: نیاز آموزشی عقیدتی، نیازهای آموزشی مرتبط با چگونگی برگزاری جشن ها و فعالیت های فرهنگی (شب شعر و مولود خوانی)، برنامه ریزی کانون ها، روانشناسی مخاطبان کانون ها، نحوه جذب و مشارکت افراد، برگزاری مسابقه های علمی مذهبی و کتابداری می باشد.

ذوالقدر، (۱۳۸۳)، تحقیقی را با عنوان بررسی نیازهای آموزشی معلمان شیمی مقطع متوسطه شهر قزوین در زمینه روش ها و فنون تدریس، انجام داده است و در این تحقیق نیازهای آموزشی دبیران شیمی مقطع متوسطه را در موارد طراحی برنامه تدریس، الگوها و روش های تدریس، رسانه های آموزشی مناسب تدریس درس شیمی مقطع متوسطه، روش های ارزشیابی مناسب و ارتباط با دانش آموز مقطع متوسطه مورد بررسی قرار داده است که نتایج تحقیق وی بدین شرح است: ۱- نیازهای آموزشی معلمان در تمام خرده مقیاس های طراحی، الگو و روش های تدریس، روش های ارزشیابی، ارتباط با دانش آموز به غیر از رسانه ها آموزشی در سطح ۹۵ درصد اطمینان مورد پذیرش بوده است. ۲- بین نیازهای آموزشی با مدرک تحصیلی به غیر از خرده مقیاس طراحی تدریس، الگو و

روش‌های تدریس معلمان شیمی در سطح ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت. ۳- اولویت‌های نیازها به ترتیب عبارتند از: ۱- رسانه‌های آموزشی ۲- الگو و روش‌های تدریس ۳- ارزشیابی ۴- طراحی تدریس ۵- ارتباط با دانش آموز هر پنج خرده مقیاس در سطح ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفتند. ۴- نیازهای آموزشی معلمان شیمی با تأکید بر جنسیت، رشته تحصیلی، سن و سابقه تدریس در سطح ۰/۰۵ دارای تفاوت معنی دار نبوده است، ولی نیازهای آموزشی با تأکید بر مدرک تحصیلی فقط در خرده مقیاس‌های طراحی، الگوها و روش‌های تدریس تفاوت معنی داری داشته است.

چهارچوب نظری تحقیق

نیازهای آموزشی عبارت است از تغییرهای مطلوبی که در فرد یا افراد از نظر دانش، مهارت و رفتار، باید به وجود آید تا فرد یا افراد مزبور بتوانند وظایف و مسئولیت‌های مربوط به شغل خود را در حد مطلوب، قابل قبول و منطبق با استانداردهای کاری انجام داده و در صورت امکان زمینه‌های رشد و تعالی افراد را در ابعاد مختلف به وجود آورد. (محمدی، ۱۳۸۲: ۳۱)

اغلب صاحب نظران نیاز آموزشی کارکنان را به عنوان فاصله یا شکاف بین وضع مطلوب و موجود در زمینه عملکرد و سایر الزام‌های شغلی کارکنان بیان داشته‌اند. پاره‌ای نیز آن را به مفهوم نقصان تعریف کرده‌اند. بر اساس این تعاریف، شناسایی نیازهای آموزشی معادل شناخت فقدان، کاستی یا زمینه‌های گسترش دانش، مهارت و نگرش‌های مرتبط با عملکرد رضایت بخش شغلی است. (عباس زادگان و ترک زاده، ۱۳۷۹: ۵۹)

یکی از متداول‌ترین تعاریف ارائه شده از مفهوم نیاز تعریف آن به عنوان خواست یا ترجیح‌های افراد است. به عبارت روشن‌تر خواسته‌های افراد در زمینه‌های گوناگون، نیازهای آنان را تشکیل می‌دهد. (سورینانو، ۱۹۵۵: ۷۴ به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۰)

برتن و مریل بر این باورند که نیازسنجی به طور کلی عبارت است از فرایندی نظام‌دار برای تعیین اهداف، شناسایی فاصله بین وضع موجود و هدف‌ها و در نهایت تعیین اولویت‌ها برای عمل (Burrton&Merrill, P22:1977). همچنین سوارز (۱۹۹۶) در تعریف نیازسنجی می‌گوید: نیازسنجی در زمینه تعلیم و تربیت فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌هاست که منجر به شناسایی نیازهای افراد، گروه‌ها، موسسه‌ها، جامعه محلی و جامعه به طور کلی می‌شود، از این رو کاربرد اصلی نیازسنجی می‌تواند متمرکز بر شناسایی نیازهای دانش‌آموزان، نیازهای آموزشی ضمن خدمت معلمان و تعیین نیازهای آتی نظام آموزش محلی، محلی منطقه‌ای و ملی باشد. (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲: ۲۵)

نیازسنجی آموزشی عبارت است از تشخیص دادن تغییرهای کمی و کیفی که می‌بایست با استفاده از برنامه آموزشی و کارآموزی در نحوه انجام دادن فعالیت‌های کارمند به وجود آید تا بهترین نتیجه از کار او حاصل شود (خلود، ۱۳۶۹: ۵۹)

فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل وضع موجود سازمان، شغل و فرد، همچنین مقایسه و تعیین فاصله دانش، نگرش و مهارت فرد نسبت به وضع مطلوب به ترتیب اولویت را نیازسنجی آموزشی

گویند. (رضوی، ۱۳۸۲: ۳۸)

در این تحقیق از فنون نیازسنجی آموزشی تحت عنوان فن دلفی استفاده شده است. دالکی و هلمر در ۱۹۶۳ در مقاله ای با عنوان «کاربرد تجربی روش دلفی برای استفاده کارشناسان»، روش دلفی را پیشنهاد کردند. البته فن دلفی را از اوایل دهه ۱۹۵۰ گروهی از محققان شرکت راند برای ترکیب نظرهای فردی و یافتن بهترین نظرهای مورد قبول همه به کار بردند. (یمنی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). از تکنیک دلفی برای دستیابی به توافق جمعی هنگامی استفاده می شود که حضور جمع در جلسات میسر نباشد. (کافمن و هرمن، ۱۳۷۴: ۹). این فن یک روش نگرش سنج است و کاربرد آن در مطالعه های نیازسنجی آموزشی می تواند بدین صورت باشد که ابتدا پرسشنامه اولیه ای ساخته می شود و از افراد مورد مطالعه خواسته می شود تا فهرستی از نیازها را در خصوص موضوع مشخصی از دیدگاه خودشان ارائه نمایند، سپس فرد یا گروه نیازسنج، مجموعه نیازهای ارائه شده را تلفیق نموده و پرسشنامه دیگری که در برگزیده فهرست جامعی از نیازها است؛ می سازد و دوباره جهت نظر خواهی برای گروه مورد مطالعه ارسال می کند و در نهایت پس از جمع آوری پرسشنامه ها، ترتیب و اولویت بندی نیازها با توجه به پاسخ های ارائه شده مشخص می شود.

روش شناسی

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری شامل کلیه مدیران و اعضاء کانون های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان (تعداد ۲۰۰۰۰ نفر عضو و ۱۲۰ نفر مدیر کانون) می باشد. روش نمونه گیری مورد استفاده در این تحقیق، تصادفی ساده و خوشه ای است و جهت تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شده است که مطابق این جدول تعداد ۳۷۷ نفر عضو و ۹۲ نفر مدیر (در مجموع ۴۶۹ نفر) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

روش تحقیق، روش و ابزارهای جمع آوری داده ها

روش تحقیق توصیفی می باشد. در این تحقیق از فن دلفی که یک فن نگرش سنج است استفاده شده است و مراحل کار بدین صورت است که بر اساس فن دلفی پرسشنامه باز پاسخ تهیه شده است و جهت شناسایی نیازهای آموزشی بین اعضاء نمونه تحقیق توزیع و پس از مدت دو هفته پرسشنامه ها جمع آوری شد. و در نهایت پرسشنامه نهایی که شامل لیستی از نیازهای آموزشی مدیران کانون ها است تنظیم شد که دارای دو بخش است، بخش اول شامل مشخصه های فردی پاسخگویان و بخش دوم شامل تعداد ۲۹ گویه با مقیاس پنج گانه لیکرت به ترتیب از بالا به پایین، «خیلی زیاد» با امتیاز ۵، «زیاد» امتیاز ۴، «متوسط» امتیاز ۳، «کم» امتیاز ۲، «خیلی کم» امتیاز ۱ می باشد، و جهت اولویت بندی نیازهای آموزشی پرسشنامه در طی سه هفته بین اعضاء نمونه تحقیق توزیع و جمع آوری شد. و این تحقیق در اواخر سال ۱۳۸۷ به اتمام رسیده است. در این تحقیق جهت روا سازی پرسشنامه نهایی، پرسشنامه مورد نظر به تعدادی از اساتید دانشگاه و اساتید حوزه ارائه شد تا گویه هایی که درک آنها یکسان نبوده و دارای ابهام می باشند؛ مشخص

کنند و همچنین در خصوص جامع و کامل بودن محتوای پرسشنامه و ارتباط دقیق آن با هدف آزمون اظهار نظر کنند، سپس از نقطه نظرهای آنها جهت اصلاح پرسشنامه استفاده لازم به عمل آمد، همچنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه نهایی از روش آلفای کرو نباخ استفاده شده است و در نهایت پایایی آزمون برابر با ۹۰ درصد بدست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها: در این تحقیق روش‌های آماری مورد استفاده عبارتند از: آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، درصد، فراوانی و آمار استنباطی شامل روش‌های آماری فرید من و یومان ویتنی و سطح معنی داری آلفای ۰/۰۵ می باشد و همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

نتایج و یافته ها

در این بخش جهت پاسخگویی به سؤال اول تحقیق از توزیع فراوانی (فراوانی و درصد) شاخص‌های آماری (میانگین و انحراف معیار) برای کلیه گویه‌ها استفاده شده است که میانگین‌های به دست آمده نشان می‌دهد نمونه‌های تحقیق در تمامی گویه‌ها، اهمیت نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد را در حد زیاد رو به بالا تشحیص دادند و جهت بررسی دیدگاه اعضاء و مدیران با استفاده از آزمون فرید من در ابتدا دیدگاه مدیران و پس از آن دیدگاه اعضا به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت و سپس دیدگاه مدیران و اعضاء بررسی شد و با توجه به معنی داری اختلاف میانگین رتبه‌های گویه‌های نیازهای آموزشی عمومی در سطح ۰/۰۵ (مقدار p محاسبه شده ۰/۰۰۰) ($p > ۰/۰۵$)، نیازهای آموزشی به ترتیب میانگین رتبه‌های به دست آمده اولویت بندی شد (جدول شماره ۱)

نیازهای آموزشی مدیران کانون‌ها به ترتیب گویه‌ها عبارتند از: ۱- روابط عمومی ۲- اصول مدیریت ۳- مدیریت همایش‌ها و گردهمایی‌ها ۴- مدیریت زمان ۵- مدیریت فرهنگی ۶- جامعه شناسی فرهنگی ۷- آگاهی‌های سیاسی ۸- آسیب شناسی اجتماعی ۹- آشنایی با ادیان و مذاهب ۱۰- تاریخ ایران و جهان ۱۱- معارف دینی و اسلامی ۱۲- روانشناسی کودک و نوجوان ۱۳- روانشناسی شخصیت ۱۴- روانشناسی اجتماعی ۱۵- روانشناسی ارتباطات ۱۶- روانشناسی تربیتی ۱۷- روش‌های مشاوره و راهنمایی ۱۸- برنامه ریزی اردوهای زیارتی و تفریحی ۱۹- برنامه ریزی و اجرای مراسم‌های مذهبی ۲۰- کتابداری ۲۱- آشنایی با وسایل سمعی و بصری ۲۲- فن بیان و آیین سخنوری ۲۳- روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و امور فرهنگی ۲۴- روش‌های تدوین مقاله تحقیقی ۲۵- آشنایی با قانون اساسی ۲۶- آشنایی با مفاهیم پایه کامپیوتر ۲۷- آشنایی با ویندوز ۲۸- آشنایی با word (تایپ بوسیله کامپیوتر) ۲۹- آشنایی با اینترنت

جدول شماره ۱: نتایج آزمون فرید من در خصوص نیازهای آموزشی

دیدگاه مدیران و اعضاء			دیدگاه اعضاء			دیدگاه مدیران		
اولویت بندی	میانگین رتبه	گویه	اولویت بندی	میانگین رتبه	گویه	اولویت بندی	میانگین رتبه	گویه
۱	۱۷/۱۸	۵	۱	۱۸/۳۳	۱	۱	۱۸/۱۷	۱۱
۲	۱۸/۰۲	۱		۱۸/۳۳	۵	۲	۱۷/۳۱	۵
۳	۱۷/۹۵	۲	۲	۱۸/۱۴	۲	۳	۱۷/۲۷	۱۹
۴	۱۷/۷۰	۱۱	۳	۱۷/۷۴	۱۸	۴	۱۶/۹۲	۲
۵	۱۷/۲۸	۱۸	۴	۱۷/۶۱	۱۱	۵	۱۶/۶۹	۲۲
۶	۱۷/۰۲	۱۹	۵	۱۶/۹۹	۲۹	۶	۱۶/۴۰	۱
۷	۱۶/۸۷	۲۹	۶	۱۶/۹۷	۱۹	۷	۱۶/۲۳	۲۹
۸	۱۶/۳۴	۳	۷	۱۶/۶۵	۳	۸	۱۵/۷۵	۲۶
۹	۱۶/۰۸	۴	۸	۱۶/۴۷	۴	۹	۱۵/۶۳	۷
۱۰	۱۶/۰۶	۲۸	۹	۱۶/۱۶	۲۸	۱۰	۱۵/۶۰	۹
۱۱	۱۵/۵۰	۹	۱۰	۱۵/۷۶	۲۰	۱۱	۱۵/۵۲	۲۸
۱۲	۱۵/۴۷	۲۶	۱۱	۱۵/۴۸	۹	۱۲	۱۵/۳۱	۱۷
۱۳	۱۵/۴۰	۲۰	۱۲	۱۵/۴۲	۲۶	۱۳	۱۴/۸۹	۸
۱۴	۱۵/۰۱	۲۷	۱۳	۱۵/۰۹	۲۷	۱۴	۱۴/۸۷	۱۸
۱۵	۱۴/۶۳	۱۰	۱۴	۱۴/۸۲	۱۰	۱۵	۱۴/۸۴	۲۳
۱۶	۱۴/۴۴	۲۱	۱۵	۱۴/۴۳	۲۵	۱۶	۱۴/۷۵	۲۱
	۱۴/۴۴	۲۵	۱۶	۱۴/۳۸	۲۱	۱۷	۱۴/۷۰	۳
۱۷	۱۴/۴۳	۱۷	۱۷	۱۴/۲۶	۱۷	۱۸	۱۴/۶۰	۲۷
۱۸	۱۳/۹۳	۲۲	۱۸	۱۴/۰۳	۱۵	۱۹	۱۴/۵۱	۶
۱۹	۱۳/۷۸	۱۵	۱۹	۱۳/۹۶	۱۲	۲۰	۱۴/۴۷	۲۵
۲۰	۱۳/۷۰	۱۲	۲۰	۱۳/۴۲	۲۲	۲۱	۱۴/۳۹	۱۶
۲۱	۱۳/۵۸	۶	۲۱	۱۳/۴۱	۶	۲۲	۱۴/۱۳	۱۴
۲۲	۱۳/۴۸	۷	۲۲	۱۳/۰۹	۱۶	۲۳	۱۳/۹۸	۴
۲۳	۱۳/۲۹	۱۶	۲۳	۱۳/۰۸	۷	۲۴	۱۳/۵۳	۱۰
۲۴	۱۳/۰۶	۸	۲۴	۱۲/۷۱	۸	۲۵	۱۳/۴۷	۲۰
۲۵	۱۲/۸۳	۲۳	۲۵	۱۲/۴۵	۲۳	۲۶	۱۳/۱۳	۲۴
۲۶	۱۲/۶۷	۱۴	۲۶	۱۲/۴۰	۱۴	۲۷	۱۳/۰۸	۱۳
۲۷	۱۲/۰۸	۱۳	۲۷	۱۱/۸۹	۱۳	۲۸	۱۲/۴۷	۱۵
۲۸	۱۱/۸۰	۲۴	۲۸	۱۱/۵۵	۲۴	۲۹	۱۲/۳۳	۱۲
۳۹۹:N مقدار خیی دو: ۸۹۰/۰۰۱ درجه آزادی: ۲۸ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰			۳۳۶:N مقدار خیی دو: ۸۵۶/۳۵۸ درجه آزادی: ۲۸ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰			۶۳:N مقدار خیی دو: ۱۱۵/۰۷۳ درجه آزادی: ۲۸ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		

مدیران کانون های فرهنگی - هنری از دیدگاه مدیران، اعضاء، مدیران و اعضاء

جهت پاسخگویی به سوال دوم تحقیق از آزمون یو مان ویتنی استفاده شد که با توجه به مقدار یو به دست آمده و این که مقدار p بدست آمده بیشتر از $0/05$ می باشد ($0/05 < p$) می توان مطرح نمود که در زمینه نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد تفاوت معنی داری وجود ندارد. (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: نتیجه آزمون یومان ویتنی در مورد بررسی تفاوت بین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها در خصوص نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان

سطح معنی داری	مقدار U	میانگین رتبه		تعداد	
		عضو	مدیر	عضو	مدیر
0/103	9217/500	195/93	221/69	336	63

نتیجه گیری

نمونه‌های تحقیق در تمامی گویه‌ها، اهمیت نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان را در حد زیاد رو به بالا تشخیص دادند. نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها شناسایی و اولویت بندی شده است.

در بررسی دیدگاه مدیران کانون‌ها، اعضاء به تفکیک و همچنین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها به طور توأم به این نکته پی می بریم که هر سه گروه (مدیران، اعضاء و مدیران و اعضاء) نیازهای آموزشی گویه‌های ۱- روابط عمومی ۲- اصول مدیریت ۵- مدیریت فرهنگی ۱۱- معارف دینی و اسلامی ۱۹- برنامه ریزی و اجرای مراسم‌های مذهبی در بین اولویت‌های یکم تا دهم قرار دادند. در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر این که آیا بین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها در خصوص نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان تفاوت وجود دارد؛ نتیجه به دست آمده این است که بین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون‌ها تفاوت وجود ندارد. یافته‌های جانبی تحقیق نشان داد که بین دیدگاه نمونه تحقیق بر حسب جنسیت، بین دیدگاه مردان و زنان در خصوص نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان هرمزگان تفاوت وجود ندارد.

پیشنهاد های اجرایی

۱- از نتایج این تحقیق در برنامه ریزی دوره‌های آموزش مدیران کانون‌ها استفاده شود.

- ۲- در برنامه ریزی دوره های آموزشی به اولویت بندی نیازهای آموزشی توجه شود.
- ۳- پس از برگزاری دوره های آموزشی جهت تعیین اثر بخشی دوره ها از مدیران نظر سنجی شود.
- ۴- با توجه به این که در بررسی دیدگاه مدیران کانون ها، اعضاء کانون ها به تفکیک و همچنین دیدگاه مدیران و اعضاء کانون ها به طور توأم به این نکته پی بردیم که هر سه گروه (مدیران، اعضاء و مدیران و اعضاء) نیازهای آموزشی گویه های ۱- روابط عمومی ۲- اصول مدیریت ۵- مدیریت فرهنگی ۱۱- معارف دینی و اسلامی ۱۹- برنامه ریزی و اجرای مراسم های مذهبی در بین اولویت های یکم تا دهم قرار دادند، برنامه ریزی و اجرای دوره های آموزشی برگرفته از این نیازها از اولویت و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند.

منابع و مآخذ

- ۱- بازدار، خلیل (۱۳۸۱)، نیازسنجی آموزشی مدیران دبستان‌های استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- ۲- باشی سعید، (۱۳۸۱) نیازسنجی آموزشی کارکنان خدمات آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۲.
- ۳- حاجی کریمی، عباسعلی و رنگریز (۱۳۷۹)، حسن، مدیریت منابع انسانی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۴- خلود، حسین (۱۳۶۹)، آموزش در سازمان‌های اداری، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۵- ذوالقدر، لیلا (۱۳۸۳)، بررسی نیازهای آموزشی معلمان شیمی مقطع متوسطه شهر قزوین در زمینه روش‌ها و فنون تدریس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۶- سعادت، اسفندیار (۱۳۸۱)، مدیریت منابع انسانی، تهران، سمت.
- ۷- سید حسینی، مهرداد (۱۳۷۱)، بررسی نیازهای آموزشی مدیران کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کل کشور از دیدگاه خود آنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۸- صدری، سید صدر الدین و پاکدل، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، آموزش پودمانی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۹- عباس زادگان، سید محمد و ترک زاده، جعفر (۱۳۷۹)، نیازسنجی آموزشی در سازمانها، تهران، شرکت سهامی انتشار .
- ۱۰- فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۸۳)، برنامه ریزی آموزشی ضمن خدمت کارکنان، تهران، سمت.
- ۱۱- کافمن، راجر و هرمن، جری (۱۳۷۴)، برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی، ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگان، تهران، مدرسه.
- ۱۲- محمدی، داود (۱۳۸۲)، برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان در سازمانها، مؤسسات و صنایع، تهران، پیام، پیوند.
- ۱۳- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۲)، برنامه ریزی توسعه دانشگاهی نظریه‌ها و تجربه‌ها، تهران - مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- 1-Burton&Meriille(1977).Needs assessment.Educational Technology Publicathon
- 2-Soriano,F.A(1995).Counducting Needs Assessment:A Multit Disiplinary Approach.
.Ontario,SAGE Publication
- 3-Suarez,T.M(1996).Needs Assessment studies.in:international Encyclopedia of
.Teachning;Edited by;Anderson.Pergamon Press

یادی از استاد حسین نوربخش، محقق و خلیج‌فارس‌شناس

احمد حبیبی *

استاد حسین نوربخش به‌سال ۱۳۱۷ در شهر کاشان متولد شد. دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رسانید و بعد از آن به استخدام بانک در آمد و در سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ لیسانس علوم بانکی گردید. سپس با طی دوره مدیریت شهرداری، به مدت ۴ سال شهردار دماوند و ساوه شد و آن‌گاه با شرکت و موفقیت در دوره بخشداری از سال ۱۳۵۱ به استخدام وزارت کشور در آمد. در سال ۱۳۵۱ به عنوان بخشدار مرکزی شهرستان بندرلنگه منصوب شد. و دیگر مسئولیت‌های ایشان عبارتند از: شهردار بندرلنگه، شهردار بندرکنگ، سرپرست فرمانداری شهرستان بندرلنگه و ایشان اولین فرماندار شهرستان قشم محسوب می‌شوند.

با کمال تأسف، شادروان استاد حسین نوربخش در روز سه‌شنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۷ در سن ۷۰ سالگی در تهران این جهان بی‌وفای خاکی را وداع گفت و به رحمت واسعه الهی پیوست و ما اهالی خلیج‌فارس را در غمی جانکاه فرو برد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد. از این محقق و پژوهشگر بزرگ خلیج‌فارس‌شناس علاوه بر آثار ارزنده و تألیفات متعدّد، ۲ فرزند پسر و ۲ فرزند دختر به یادگار مانده است.

از شمار دو چشم، یک تن کم
وز شمار خرد، هزاران بیش

از استاد نوربخش تاکنون ۲۴ جلد کتاب به زیور طبع آرایش یافته‌اند که ۱۵ جلد از آثار ایشان منحصر به خلیج‌فارس می‌باشند. در ذیل آثار ایشان فهرست وار قید می‌شود:

۱- چگونگی صید مروارید در آب‌های خلیج‌فارس، ناشر: انجمن کتابخانه‌های عمومی بندرعباس،

سال ۱۳۵۷.

- ۲- بندرلنگه در ساحل خلیج فارس، ناشر: اداره کل فرهنگ و هنر استان هرمزگان، بندرعباس ۱۳۵۷.
- ۳- بندرکنگ شهر دریانوردان و کشتی رانان، ناشر: مؤلف، بندرعباس ۱۳۵۹، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴.
- ۴- جزیره‌ی قشم و خلیج فارس، ناشر: امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹.
- ۵- خلیج فارس و جزایر ایرانی، ناشر: سنایی، تهران ۱۳۶۳.
- ۶- پژوهشی پیرامون صید دریا و آبزیان خلیج فارس، ناشر: امیرکبیر، تهران ۱۳۷۰.
- ۷- ایرانیان دریانورد پیش گام و نوآور در دریاها، ناشر: کشتی رانی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۷۶.
- ۸- گنج دریا (آشپزی با آبزیان)، ناشر: کانون تبلیغاتی فام فن، تهران ۱۳۸۰.
- ۹- فرهنگ دریایی خلیج فارس، ناشر: امیرکبیر، تهران ۱۳۸۱.
- ۱۰- پیشنهاد اصلاح نام روستاهای جزیره‌ی قشم، ناشر: منطقه‌ی آزاد قشم، سال ۱۳۸۱.
- ۱۱- دریانوردی در ایران، ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۲- دختر دریا و جوان غواص، ناشر: سروش، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۳- بنادر ایران در خلیج فارس، ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۴- جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، زیر چاپ.
- ۱۵- دریانوردی ایرانیان، زیر چاپ.
- ۱۶- هم‌سفر برف‌ها، ناشر: مؤلف، سال ۱۳۴۳.
- ۱۷- کریم شیرهای دلچک دربار ناصرالدین شاه قاجار، ناشر: سنایی، چاپ اول، تهران ۱۳۴۶. (این کتاب ۸ بار چاپ شده است.)
- ۱۸- بانک و اصطلاحات بازرگانی بین‌المللی، ناشر: آذر، تهران ۱۳۴۷.
- ۱۹- دلچک‌های مشهور درباری و مسخره‌های دوره‌گرد، ناشر: سنایی، چاپ اول تهران ۱۳۵۵، چاپ دوم ۱۳۷۰.
- ۲۰- فرهنگ نام (نام‌های ایرانی و اسلامی)، ناشر: غزالی، چاپ اول تهران ۱۳۶۰، چاپ نهم ۱۳۸۱. (این کتاب ۹ بار چاپ شده است.)
- ۲۱- بگویم و بخندیم، ناشر: سنایی، چاپ اول تهران ۱۳۶۵، چاپ دوم ۱۳۷۰.
- ۲۲- اصفهانی‌های شوخ و حاضر جواب، ناشر: سنایی، تهران ۱۳۷۹.
- ۲۳- بهلول در آثار مکتوب و حکایت‌های مردمی، ناشر: نشر ثالث، تهران ۱۳۸۲.
- ۲۴- لقمان حکیم در فرهنگ و ادب ایران، در دست چاپ.

علاوه بر تألیفات و آثار ارزنده فوق، بیست عنوان از تحقیقات گران قدر شادروان نوربخش نیز به

شرح ذیل، آماده چاپ است که عبارتند از:

- ۱- برکه‌های آب هرمزگان.
- ۲- وجه تسمیه بنادر و سواحل ایرانی خلیج فارس.
- ۳- وجه تسمیه جزایر ایرانی خلیج فارس.

- ۴- جزایر و بنادر در تنگه هرمز.
- ۵- لنج ایرانی، پرکارترین شناور خلیج فارس.
- ۶- انواع شناورهای چوبی خلیج فارس.
- ۷- آثار قلعه‌های پرتغالی در سواحل خلیج فارس.
- ۸- انسان‌های دریایی خلیج فارس.
- ۹- جزایر تنب و ابوموسی در خلیج فارس.
- ۱۰- ناوگان‌های دریایی ایرانیان.
- ۱۱- دریا و دریانوردی در مقالات دریاشناسی.
- ۱۲- آبزیان خلیج فارس در مقالات پژوهشی.
- ۱۳- گزینه‌ای از آداب و رسوم سواحل و بنادر خلیج فارس.
- ۱۴- ظهور و نقش بیگانگان در سواحل، بنادر و جزایر خلیج فارس.
- ۱۵- ارزش غذایی و خواص دارویی آبزیان خلیج فارس.
- ۱۶- مقالات هرمزگان شناسی.
- ۱۷- خلیج فارس دریای طلایی و پر آوازه‌ی ایران.
- ۱۸- دریانوردان باستانی ایران.
- ۱۹- دریا و دریانوردی در ایران باستان.
- ۲۰- افسانه‌های دریایی ایران.

آری، گستردگی تحقیقات و پژوهش‌های گران‌قدر در زمینه شناسایی خلیج فارس و استان هرمزگان استاد نوربخش، که برای روزگاران به یاد و یادگار گذاشته است ما را بر آن می‌دارد که ضمن سپاس و مباحثات، به تکریم و تحسین آن مرحوم زبان می‌گشاییم که:

سال‌ها باید که تا یک کودکی از روی طبع
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن
سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
سال‌ها باید که تا صاحب دلی پیدا شود
بوسعید اندر خراسان یا اویس اندر قرن

شکل بادبان‌های قدیمی در خلیج فارس

حسین نوربخش*

در گذشته، کشتی‌ها، جهازها، با بادبان و شرع و به نیروی باد حرکت می‌کردند. بادبان از چند تکه پارچه ضخیم تشکیل می‌شد که آنها را به دکل‌های کشتی می‌بستند. حورانی در باره بادبان‌های خلیج فارس می‌نویسد (۱):

«بادبان‌ها را (مزد: شرع، قلاع) از برگهای درخت نارگیل یا درخت خرما می‌یافتند، یا از پارچه پنبه‌ای درست می‌کردند، مارکوپولو و مونته کورینو، فقط کشتی‌های یک بادبانی دیده بودند، بزرگ (۲) گاهی از بادبانها در جمع سخن می‌گوید، مسعودی از «القلاع العظیم» (بادبان بزرگ) که شرع است، یاد می‌کند».

انواع بادبان

بادبان یا شرع یا قلاع که به زبان محلی بندرکنگ (KounG)، اوزال نامیده می‌شود، از پارچه ضخیمی به نام شگه (SheGe) که طول پرتاقه آن ۲۰ متر و عرض آن ۶ سانتی متر بود؛ درست می‌کردند، از پارچه شگه ۵۰ قطعه انتخاب و بادبان کشتی را تهیه می‌کردند. همه ناخداها از عهده این کار برنمی‌آمدند، شکل بادبان به صورت مثلث بود، در سواحل خلیج فارس و حدود سواحل و بنادر تنگه هرمز پارچه بادبان و شگه را در اوایل از دژگان و بندرلنگه تهیه می‌کردند و در این اواخر از کراچی (پاکستان) می‌آوردند. برای دوختن بادبان به سه یا چهار روز وقت نیاز داشتند، پس از دوخته شدن شرع دور تا دور

* پژوهشگر تاریخ و فرهنگ هرمزگان

آن را بندی قرار می‌دادند که به نام داسه معروف بود. برای دکل بزرگ سه بادبان می‌دوختند که اوزال بزرگ، اوزال میان و اوزال ترکیت نامیده می‌شدند. اوزال بزرگ برای باد کم، اوزال میان برای باد متوسط و اوزال ترکیت یا کوچک برای بادهای شدید و مواقع طوفانی استفاده می‌شد. روی اگل قلمی هم (پروند) (Parwand) می‌گذارند که از دو تکه تشکیل می‌شد، ولی از پروند و گل بزرگ، کوچکتر بوده است.

امروزه که لنج‌ها با نیروی موتور حرکت می‌کنند احتیاجی به بادبان ندارند ولی هر «بوم» که یک نوع کشتی و یا لنج دست ساخت جنوب کشور است، تعدادی لازم بادبان با خود می‌برد تا اگر احیاناً در وسط دریا موتور کشتی از کار افتاد، از بادبان‌ها استفاده کند.

در برهان قاطع درباره‌ی این واژه چنین آمده است: فارسی «لت» {لتک} و «لشک» به معنای پاره پاره و «لچک» پارچه چهارگوشی ست که دو گوشه آنرا بر بالای هم اندازند که سه گوش شود و این درست به شکلی است که بادبان لچکی درست می‌شده است. هنوز هم در سواحل، بنادر و جزایر خلیج فارس به پارچه یا تکه ای از پارچه (Lak) یا لت (Lat) می‌گویند.

کارگاه‌های شگه بافی

در بندرلنگه به بادبان و یا پارچه ای که بادبان را از آن درست می‌کردند «شگه» می‌گفتند، «شگه» در گذشته یکی از اقلام صادراتی بنادر و سواحل خلیج فارس بود. در یک قرن گذشته برای یافتن بادبان کشتی یا شراع و شگه، کارگاه‌های بسیاری در شهرلنگه و در روستاهای دژگان (تابع بخش مرکزی لنگه) دایر بود.

شگه بافان عموماً از اهالی دژگان بودند ولی عده ای از آنها در بندرلنگه سکونت داشتند و کارگاه‌های شگه بافی را در خانه‌های خود در لنگه دایر کرده بودند و بقیه در روستاهای دژگان سکونت داشتند و در همانجا نیز کار می‌کردند و برای خرید ریسمان از بازرگانان، به لنگه می‌آمدند و پس از دریافت ریسمان، آنها را به رشته کرده و به دژگان می‌بردند و پس از بافتن «شگه» مجدداً آنها را به رشته کرده و به لنگه می‌آوردند و تحویل بازرگانان می‌دادند، ریسمان مخصوص بافتن «شگه» را در موقع تحویل به بافندگان «شگه» وزن می‌کردند و درمقابل، بافندگان شگه هم بادبان‌های بافته شده را وزن کرده و به بازرگانان تحویل می‌دادند، از این راه معلوم می‌شد که چقدر ریسمان تحویل و چقدر از آن در بافتن «شگه» به کار گرفته شده و چه مقدار از ریسمان نزد بافندگان باقی مانده است، دستمزد بافندگان نیز از روی وزن (شگه‌ها) مشخص و پرداخت می‌شد.

ریسمان مخصوص بافتن بادبان را بازرگانان لنگه ای از هندوستان وارد می‌کردند و بین کارگاه‌ها توزیع می‌کردند. شگرها مخصوص بادبان کشتی‌های بادی بود، مقداری از آن در خود محل به فروش می‌رسید و در کشتی‌های بادی محلی به کار می‌رفت و بقیه آن به عدن، یمن، آفریقا و هندوستان صادر می‌شد و در آنجاها نیز به همین مصرف می‌رسید. شگه یا بادبان کشتی یکی از اقلام مهم صادراتی بندرلنگه محسوب می‌شده است در آن روزها بیشتر حمل و نقل

دریایی به وسیله کشتی‌های بادی انجام می‌گرفت و هنوز کشتی بخار و موتور لنج رواج کامل نیافته بود و به همین جهت معاملات شگه نیز رواج و رونق خوبی داشت و تعداد زیادی کارگاه شگه بافی در لنگه و دژگان دایر بود و شگه بافان شبانه روز مشغول بافتن شگه بودند و در نتیجه خانواده‌های بسیاری از این راه امرار معاش می‌کردند.

با از رونق افتادن کشتی‌های بادی و ازدیاد موتور لنجها و کشتی‌های بخاری از یک سو و متوقف شدن معاملات خارجی بندرلنگه از سوی دیگر، کار شگه بافی نیز از رونق افتاد و کارگاهها تعطیل شدند، عده ای از بافندگان، چند سال بعد قسمتی از کارگاهها را به آن سوی خلیج فارس منتقل کردند و در آنجا مشغول به کار شدند، اما در آن مناطق هم به همان دلایلی که در بالا ذکر شده بخصوص پیدا شدن شگه مصنوعی، این صنعت قدیمی و پردرآمد متروک شد و بالاخره از بین رفت.

بادبان لچکی

بادبان لچکی (B. Lachaky) یک نوع بادبان بود که به شکل روسری و لچک و یا سه گوش دیده می‌شد. جرج حورانی، بادبان لچکی را از ابداعات و افتخارات دریانوردان عرب می‌داند و در این باره می‌نویسد: نوع معمولی بادبان عربها لچکی است، در واقع این تنها نوع بادبان است که به کار می‌برند، چه امروزه و چه در هر زمانی که از آن آگاهی به ما رسیده از مراکش تا هند، خلیج فارس تا موزامبیک بادبان لچکی را به درازای کشتی می‌افراختند و نوک آن بسیار بلند بود. پس بسیار احتمال دارد که بادبان لچکی را عربها به مدیترانه آورده باشند.

پی نویس ها

- ۱- جرج حورانی، کتاب دریانوردی عرب، ص ۱۳۴
- ۲- منظور از بزرگ، ناخدا بزرگ، پسر شهریار رامهرمزی است، که خاطرات خود را برشته تحریر در آورده است.

معرفی «دکتر محمد باقر وثوقی»

دکتر محمد باقر وثوقی در شهرستان لار به سال ۱۳۳۷ به دنیا آمد و موفق به اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۵۵، کارشناسی تاریخ از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۶۸، کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ و دکتری تخصصی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ شد. و هم اکنون به عنوان دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران و معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول به فعالیت است.

ایشان دارای مقالات متعدد علمی چاپ شده در مجلات داخلی و خارجی و تالیفات ارزنده‌ای در زمینه تاریخ ایران، مسایل اجتماعی و فرهنگی می باشد که در زیر به آن اشاره می‌کنیم.

آثار علمی

الف) مقالات چاپ شده در مجلات داخلی

- آتشکده آذر فرنیغ.
- جابه جایی قدرت‌های سیاسی خلیج فارس از سقوط هرموز تا سقوط اصفهان.
- تحولات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوره ساسانیان.
- مروری بر نقش قدرت‌های اجتماعی فارس در مشروطیت.
- اختلاف ایران و انگلستان در خلیج فارس.
- محدوده جغرافیای خلیج فارس در منابع تاریخی.
- روابط ایران و اسپانیا در دوره شاه عباس صفوی (عصر فلیپ اول).
- پس از یک هزاره باز هم سیراف.

- بستک.
- بندر لنگه.
- مروری بر تحولات سیاسی خلیج فارس از قرن شانزدهم تا قرن بیستم میلادی.
- یافته‌هایی نو از شهر اشکانی - ساسانی در پس کرانه‌های خلیج فارس.
- حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس.
- فارس و جنبش مشروطه خواهی.
- جغرافیای تاریخی بیرونات.
- بحرین (دوره اسلامی).
- نقشه‌های تاریخی خلیج فارس (۱۸ - ۱۶ م).
- خواجه عطا و آلبورک.
- میرزا مهدی علیخان بهادر جنگ و خلیج فارس.
- قطب الدین محیی کوشکناری.
- شاهنامه توران شاهی.
- ایرانیان و تجارت دریایی.
- دستور زبان لارستان.
- شاه اسماعیل و آلبورک.
- ریاض الانشاء.
- مروری بر آثار سیاسی آیت الله لاری.
- مکاتیب قطب ابن محیی کوشکناری لاری و تأثیر آن در تأسیس شهر قطب آباد.
- معرفی نسخه خطی داستان جرون.
- نقش آیت الله لاری در نهضت مشروطیت.
- معرفی برخی از ایرانشناسان ژاپنی.
- عالم آرای امینی.
- پرونده یک ترور، تاریخ معاصر ایران.
- اسناد قیام آیت الله لاری.

ب) مقالات چاپ شده در مجلات خارجی

Vosoghi Mohammad Bagher , ayatollah seyed Abdolhossein Lari et son manifieste Pour la defence, Bibliotheque Iranienne , 52 , 2002 , 227-293

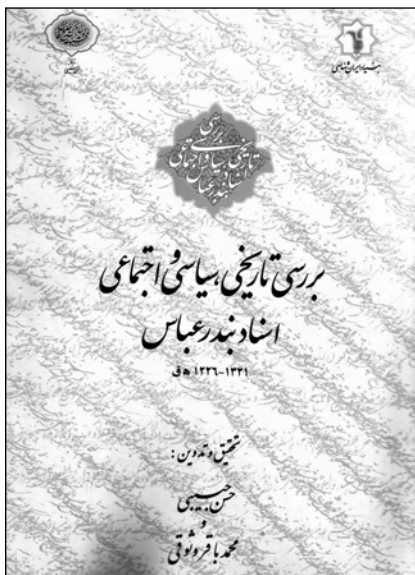
د) مقالات چاپ شده در همایش‌ها

- پس از یک هزاره کنگره بین المللی سیراف، ایران.
- دربند شهر هفتادو دو ملت.

- سیاست بریتانیا در خلیج فارس در فاصله دو جنگ جهانی.
- فارس و جنبش های مشروطه خواهی.
- قدرت های اجتماعی فارس در آستانه انقلاب مشروطیت.

ه) تألیفات

- لارستان، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- نگاهی به تحولات فارس در آستانه انقلاب مشروطیت، بنیاد فارس شناسی، شیراز، ۱۳۷۷
- تاریخ مهاجرت اقوام خلیج فارس، دانشنامه فارس، شیراز، ۱۳۸۰.
- تحولات سیاسی صفحات جنوبی ایران، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
- آیت الله لاری و جنبش مشروطیت، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- بررسی و نقد منابع تاریخ ایران پیش از اسلام، پیام نور، تهران، ۱۳۸۳.
- جنگ نامه ی کشم و جرون نامه، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴.
- تاریخ مفصل لارستان، انتشارات همسایه، تهران، ۱۳۸۵.
- اسناد و مکاتبات آیت الله لاری، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۵.
- لار شهری به رنگ خاک، نشر کلمه، تهران، ۱۳۸۶.
- لارستان و جنبش مشروطیت، نشر همسایه، تهران، ۱۳۷۵.
- تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- خنج گذرگاه باستانی، نشر همسایه، قم، ۱۳۷۴.
- دزدان دریایی در خلیج فارس، (ترجمه)، انتشارات همسایه، قم، ۱۳۸۳.



معرفی کتاب: بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی بندر عباس

مصطفی کریمی *

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: بررسی تاریخی سیاسی و اجتماعی بندر عباس (تاریخ بندر عباسی)
 تحقیق و تدوین: دکتر حسن حبیبی؛ دکتر محمدباقر وثوقی
 ناشر: بنیاد ایرانشناسی
 سال چاپ: ۱۳۸۷
 قطع کتاب: خشتی
 تعداد صفحات: ۴۸۹ صفحه

این کتاب به بررسی تاریخی- سیاسی اسناد بندرعباس در یک دوره حدوداً صد ساله یعنی از سال ۱۲۲۷ ه.ق تا ۱۳۲۱ ه.ق می پردازد. لازمه شناختن موقعیت بندرعباسی (بندرعباس)، آن است که تاریخ بندرعباسی از آغاز شکل گیری این بندر در دوره صفویه مورد توجه قرار گیرد. شاه عباس در تبدیل یک نقطه کوچک به یک منطقه سیاسی، تجاری و اجتماعی مهم به نام بندرعباسی و ایجاد شهری به همین نام سهم و اثر مهمی داشته است. رونق و انحطاط این منطقه در این دوره مقدمه‌ای است برای شناختن تحولات بعدی آن در دوره قاجار. البته فاصله سقوط اصفهان و برآمدن حکومت قاجار نیز به عنوان دوره واسط باید مدنظر قرار گیرد و این کتاب این مهم را به خوبی رعایت کرده است.

شیوه تدوین کتاب

روش پژوهشی مورد استفاده در این کتاب؛ مبتنی بر بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای است. در تدوین کتاب سعی شده است از اسناد و مدارک بومی بندرعباس به جای مدارک غیر بومی استفاده شده است و بررسی اسناد همراه با آوردن متن اسناد است که تاکنون مورد توجه نبوده است و در این کتاب سعی شده است که تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی بندرعباس را در دوره زمانی (۱۳۲۱-۱۳۲۷ ه.ق) براساس گردآوری آمار و ارقام مربوط به صادرات و واردات بندرعباس و چند بندر جنوبی ایران و همچنین با تکیه بر شرح حال کسانی که در این صد سال با مسأله بندرعباس درگیر بوده اند و به روشن ساختن علل و عوامل تحولات جنوب ایران کمک کرده اند؛ مورد بررسی قرار گیرد.

و همچنین این کتاب با پرداختن به اسناد و مدارک چند وجهی از منظرهای زبانی؛ ادبی؛ مدیریتی؛ حاکمیتی و روابط خارجی سعی می‌کند در زمینه بررسی تاریخ سازمانهای اداری مفید باشد، نظام اداری ایران را از لحاظ جامعه شناختی و مردم شناختی به ما بشناساند، در تحلیل رفتار مدیران کشور در دوره‌های گوناگون و نوع برخورد آنها با مسائل داخلی و خارجی؛ به محققان کمک کند، در این کتاب نکات عمده تاریخی دوره صفوی و پس از آن؛ به عنوان دوره ایجاد و انحطاط بندرعباسی پیش از دوره قاجار مورد بررسی قرار گرفته است، گزارشهای ناب این کتاب از وضعیت بندرعباسی در دوره قاجار و دوره‌های پیش از ناصری؛ ناصری و مظفری و مسائل مربوط به حضور قدرت‌های خارج از منطقه بر اساس اسناد بومی منطقه است و از ویژگی‌های دیگر این کتاب می‌توان به گردآوری حدود ۴۰۰ سند بندرعباس در طول یک مدت قابل ملاحظه و با جست‌وجو در مدارک و مآخذ گوناگون آن، اشاره کرد.

مطالب کتاب

کتاب صرف‌نظر از مقدمه‌اش به چند بخش اصلی و اساسی به شرح زیر تقسیم شده و براساس آن تدوین نهایی کتاب شکل گرفته است. بخش اول: در دو فصل اول به شکل گیری بندرعباس (بندرعباسی) از زمان شاه عباس اول تا پایان دوره صفوی می‌پردازد.

فصل اول: بندرعباسی در دوره صفویه از زمان شاه عباس اول تا سقوط اصفهان

فصل دوم: بندرعباسی از سقوط اصفهان تا روی کار آمدن قاجاریه

بخش دوم: که بخش اصلی کتاب از جهت توصیف و تحلیل است، دارای یک مقدمه و دو فصل است و در آن به موقعیت بندرعباسی و تحولات آن در دوره قاجار به ویژه حدود صد سال ما بین ۱۳۲۷ ق تا ۱۳۲۱ ق خواهد پرداخت. در مقدمه این بخش چگونگی حضور بیگانگان و رقابت آنان با یکدیگر در خلیج فارس و نقش بنیادی انگلیس و اعمال نظرهای سودجویانه سیاسی و اقتصادی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. در فصل اول تحولات بندرعباسی در دوره آقا محمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه مد نظر بوده است و فصل دوم به دوره‌های ناصری و مظفری می‌پردازد. دوره ناصری کل بخش را در بر خواهد داشت و توصیف و تحلیل بسیاری از اسناد را هم دربر

خواهد گرفت.

بخش سوم: شامل بحث یا ملاحظات منشوری یا چند وجهی درباره اسناد کتاب است که در چهار فصل مسائل زبانی و ادبی و بررسی اسناد از منظرهای مدیریتی؛ حاکمیتی و روابط خارجی ایران صورت گرفته است.

بخش چهارم: به اصل اسناد اختصاص دارد. در این بخش ۳۹۷ سند از منابع مختلف گردآوری شده است که اساس توصیف‌ها و تحلیل‌های بخش دوم کتاب هستند. در ابتدای هر سند؛ اول شناسنامه سند و سپس متن سند آورده شده است.

بخش پنجم: در بردارنده پیوست‌هایی است که باید خواننده از آنها مطلع باشد تا بتواند با بهره‌گیری آنها از کتاب استفاده بیشتر کند که شامل ۱۰ فصل است:

فصل اول: شرح حال افراد

فصل دوم: اصلاحات و مفاهیم مربوط به مسائل خلیج فارس

فصل سوم: دریافتی عواید گمرکی بندرعباسی و کمپانی هند شرقی

فصل چهارم: پلان‌های کاروانسراهای مسیر بندرعباسی - شیراز

فصل پنجم: فهرست سال شمار اسامی حکام و شه‌بندرهاى بندرعباسی در دوره صفویه

فصل ششم: فهرست صادرات ابریشم از ایران توسط کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند

فصل هفتم: فهرست والیان فارس در دوران قاجار

فصل هشتم: سلسله نسب خاندان آل سعید

فصل نهم: احصائیه عباسی و مضافات

فصل دهم: منازل کاروانی بندرعباسی - شیراز بر اساس مندرجات سفرنامه‌ها

An Introduction to Funeral Rites in Minab

R.Abbasi Domshahri

Abstract

Funeral rites and customs are observances connected with death and burial. Such observances are a distinctive human characteristic. Not only are they deeply associated with religious beliefs about the nature of death and the existence of an afterlife, but they also have important psychological, sociological, and symbolic functions for the survivors. Thus, the study of the ways in which the dead are treated in different cultures leads to a better understanding of the many diverse views about death and dying, as well as of human nature.

Funeral rites and customs in Minab have been briefly studied in this article. From mythological point of view, the rites of passage in death have been compared with those in ancient culture. And if there were some similarities between them, they have been mentioned.

Key words: funeral rites, myths, rites of passage, death, Minab.

A Study of Islamic Azad University's Status on Social, Cultural and Economic Changes in Hormozgan Province

M.Akhlaghipoor - M.Mohebbi

Abstract

This Research has been Carried out in Terms of studying Social and Economic Effects of Azad University on Hormozgan's Changes. Findings in the research show that the students and professors have the some views in regard to azad universitie's effect on province's changes and development.

Percent of professors and executive managers believe that azad university caused Na- 77 tives to have a chance in achieving higher education. Developing social and cultural Capital as well as Increasing a chance in social mobility for Hormozgan's girls and women are also another effect of islamic azad university. From social point of View, most professors and cognoscenti believe that azad university brought about a decrease in social Harms, abnormalities and crime.

From economic point of view training manpower for developing province is one of the most important effects of azad university.

Key Words: Azad university , Social , Cultural and Economic Changes.

A Study and Comparison of Verb in Fini Dialect and Farsi

Dr.Behjat Najibi Fini

Abstract

This research is a study of verb in fini dialect and farsi.

Verb structure in fini differs from farsi. This difference can be Seen in most Iranian dialects.

There are some differences in fini dialect in comparison with Farsi.

KeyWords: Fini, Standard, Dialect, Verb.

Women's Legal and Social Greatness

M.A.Mafakher

Abstract

Men and women's need is a mutual need in which God has instituted a kind of intellectual, mental and bodily calmness in their society. No religion and civilization can be found that have paid total attention to women according to their nature and morale, but the Quran. Guideline of superiority is piety and spirituality in the Quran. Gender can not be a guideline of superiority. It is not a limit for reaching perfection. From the Quran's point of view man and woman are both human beings. Both are a creature of God and both are equal. Heaven and its blessings do not only belong to men. They are for all pious human beings- men and women. Women are trainers and their lap is the first class of society. The Quran bestowed the same ownership right of inheritance and social status on women like men. The Quran prohibited marriage with «MAHAREM» (father, mother, sister, etc.) and married woman. It also gave her legal value in order to tell all that women are not goods. Moreover, the Holy Prophet asked for allegiance from women.

Key words: Quran, woman, legal and social greatness, nature.

Iran-Oman Relationship during QAJAR Era [Part1]

A. Bazmandegan Khamiri

Abstract

Iran-Oman relationship is of those issues to which less attention has been paid. Oman was a part of Iranian Kingdom long ago. Oman managed to separate from the kingdom during the Saffavid Dynasty. After Zand Dynasty the separation changed into a political-trade competition in the Persian Gulf.

Renting Bandar Abbas Customs House was the most important issue during Qajar Dynasty. Most Iranian and foreign writers have wrongly generalized it as a political rent of southern regions. This article tries to study the Relationship between Iran and oman during Zand and Qajar Dynasties.

Keywords: Iran, Oman, Persian Gulf, QAJAR, Bandar Abbas, Masqat.

License Holder

Administration of Culture and Islamic Guidance, Hormozgan province
(secretariat of research council)

Chairman of the Editorial Staff

Director general of Culture and Islamic Guidance, Hormozgan province

Editorial staff

Homayoun Amirzadeh, Dr.Zahirinia, Dr.Najmeh Dorri, Dr.Eghbal Zareei

Dr.Mohammad javad dehghanian, Dr.Ali Akbar Shekhi

Dr.seyyed Mohammad Reza Fallah chay, Dr.Mostafa seddigh, Dr.Mohammud Raufi

Dr. Hossein Zainalipour, Dr.Sa'ideh Garusi, Dr.Mohammad Bagher Vosughi

Dr.mohammad Ebadi Zadeh, Dr.FarrokhSiri, Dr.Ahmad Ali Asadpour

Dr.maryam Sadeghifar, Dr.Homayoun Khaje Zadeh, Hasan beyaban, Mansore lavayi,

Dr.MesbahSavehbany , Dr.Sodeh Magsodi.

Office Manager

Kulsoom Jafari

Editor-in-chief

Mandana Saybani

English Translator and Editor

Rahmatollah Abbasi Domshahri

Scientific&Literary Editor

Dr.Movahed - Dr.Behjat Najibi Fini

Quarterly : Educational-cultural

7th year no 2. Spring 2009

Graphic Designer

Hassan Bardal

Typist

Mehri Daryaei , Zahra Dolati

Circulation

2000

Publisher

Hormozgan Administration of Culture & Islamic Guidance

Secretariat of Research council,Administration of culture &Islamic Guidance,Pasdaran
Boulevard,Bandar Abbas,Iran.

Tel:+987615550432-3 Fax:+987615560431-5554888

Date of Publication

June 2009

Price: 20000 Rials

Published by:Sepahan Publishing House

Articles Published in Golpang quarterly do not indicate the view point of the quarterly.

Journal has a free hand in accepting or rejecting articles.

G O L P A N G

q u a r t e r l y

دستور العمل رایه مقاله

لطفاً در تنظیم مقالات به نکات زیر توجه کنید:

- اصل مقاله تایپ شده روی کاغذ A4 همراه cd آن حداکثر ۲۰ صفحه و درسه نسخه به دفتر فصلنامه گلپینگ ارسال شود.
- ساختار مقاله شامل: صفحه ی عنوان، چکیده، کلید واژگان، متن، یادداشت ها، منابع باشد.
- عنوان مقاله: در صفحه ی عنوان نام مقاله به صورت کامل و زیر عنوان، نام مؤلف یا مؤلفین آورده شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه (۱۰ تا ۱۵ سطر) باشد.
- در مقالات تحقیقی ذکر مقدمه مبانی نظری، روش شناسی و نتایج و یافته های پژوهش ضروری است.
- در نقل قول ها (خواه مستقیم و خواه غیر مستقیم، استناد به آراء و اقتباس از آثار دیگران حتماً نام مؤلف (یا مؤلفان) و سال انتشار و در صورت لزوم شماره ی صفحه ی اثر در متن داخل پرانتز آورده شود. هرگاه نقل قول مستقیم باشد، شماره صفحه ی مطلب در اثر اصلی نیز همان جا در متن آورده شود.
- اگر به نام مؤلف مورد استناد در داخل متن اشاره شده باشد، تنها ذکر سال انتشار در داخل پرانتز آورده شود، مثلاً (دانکن، ۱۹۹۳)
- در مورد نقل قول های مستقیم نیز باید به این صورت عمل شود: (گلدنر، ۱۹۷۸: ۳۳۶-۳۳۸). در مورد تألیف های مشترک دونفر نام هردوی آن ها آورده شود (پارسنزو شیر، ۱۹۶۵) و در مورد بیش از دو مؤلف تنها به نام یکی از آن ها اشاره شود و عبارت «و دیگران» به آن افزوده شود؛ (توسلی و دیگران، ۱۳۷۸: ۶۱)
- در مورد ترجمه به ذکر نام مؤلف اثر و تاریخ انتشار ترجمه آن اکتفا شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۴) در مورد آثار در دست انتشار عبارت «در دست چاپ» بعد از نام مؤلف آورده شود.

در ذکر منابع از مدل زیر پیروی کنید
الف - کتاب ها - توسلی ، غلام عباس (۱۳۶۹) ، ۱۳۷۰ . نظریه های جامعه شناسی ، تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) ، چاپ دوم .

Bernard,c. (1855) 1957 .an introduction to the study experimental medinne . London:sage publication.

ب- مجلات : - زاهدی محمد جواد(۱۳۷۸) ، « نظامهای سنتی تأمین اجتماعی در ایران » ، فصلنامه تأمین اجتماعی ، شماره ۳:۶۳۳-۶۷۰ .

Goodman, L.A. (1947) Theanalysis of qualitative variables when some of the variables are unobservable. american. journal of sociology, 79:1179-1259.

ج- مجموعه مقالات: - توفیق ، فیروز (۱۳۷۲) ، گسترش شتابان شهرنشینی در ایران در سده اخیر، ص ۳۱۲-۳۳۰، درپ. ورجاوند(گردآورنده) یادنامه استاد دکتر غلام حسین صدیقی، تهران:چاپخش.

Perez-diaz,v.(1998)The public sphere and a European civil society, in j.c.alexander(ed) real civil societies of Institutionalization, pp. 211-223. London: sage publication.

د-رساله تحصیلی: - زاهدی ، محمد جواد(۱۳۷۷) ، « توسعه و نابرابری اجتماعی ، توسعه و آثار آن بر نابرابری های اجتماعی در نواحی روستایی ایران (بررسی نمونه ای مناطق روستایی استان قزوین)» رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران.

Charles, m. 1990.occupational sex segregation: a Log-linear analysis of patterns in five Industrial countries , Ph.D,Dissertation, department of sociology , Stanford. ca.

- در پایان مقاله (پس از منابع یا ضمائم) شرح مختصری از سوابق تحصیلی ، آثار علمی و پژوهشی ، محل کار و در صورت تمایل نشانی محل کار و پست الکترونیکی آورده شود .
- مقالات توسط داوران علمی فصلنامه بررسی و ارزیابی شده و پس از اعلام نظر نهایی در نوبت چاپ قرار می گیرد.

آدرس : بندرعباس، بلوار پاسداران،

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان هرمزگان

دفتر فصلنامه ، دبیرخانه شورای پژوهشی

تلفن: ۰۷۶۱-۵۵۵۰۴۳۲ ۳

اولویت‌های پژوهشی

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان به منظور شناسایی و تحقق قابلیت های بالقوه پژوهشی و فعال ساختن زمینه های تحقق و پژوهش و شناخت نیازهای تحقیقاتی در استان، شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان از کلیه اساتید ، متفکران ، اندیشمندان، دانشجویان دانشگاه ها و دانش پژوهان حوزی ، محققین و کارشناسان ، فرهنگیان، هنرمندان و... در اجرای طرح های تحقیقاتی استان در محورهای ذیل دعوت به همکاری می نماید:

۱	بررسی راه های ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی
۲	بررسی مشارکت مردم در طرح های زباله از دیدگاه فرهنگی
۳	استعدادیابی هنری جوانان استان
۴	بررسی و شناخت مزیت های فرهنگی استان
۵	بررسی میزان بهره وری از اماکن فرهنگی و ارایه راهکارهای مناسب در استان
۶	آسیب شناسی رسوم مذهبی در استان
۷	بررسی اهمیت شادی و نشاط در سلامت فردی و اجتماعی مردم از دیدگاه اسلام
۸	بررسی عوامل موثر در کم توجهی مردم در حفظ اماکن و امکانات عمومی در استان
۹	بررسی و سنجش میزان مقبولیت شاخص های شهروندی ، در بین شهروندان استان
۱۰	شناسایی عناصر فرهنگ غالب در رفتارهای اجتماعی بومی در استان
۱۱	بررسی عوامل موثر در گرایش جوانان به موسیقی غیر سنتی در استان
۱۲	بررسی الگوهای فرهنگی جوانان (پوشش ، پایبندی به آداب و رسوم و شرکت در مراسم)
۱۳	بررسی امکانات موجود فرهنگی نسبت به نیازهای منطقه
۱۴	بررسی اوقات فراغت و امکانات فرهنگی مربوط به آن
۱۵	تاریخچه هنر در استان (سینما، خط، شعر، نقاشی، تأثر و...)
۱۶	بررسی روابط فرهنگی بین گروه های مختلف ساکن در بندر عباس
۱۷	بررسی نحوه مقابله فرهنگی با خرافات
۱۸	تاریخچه مشاهیر در استان
۱۹	بررسی تأثیر آپارتمان نشینی بر فرهنگ بومی وسنتی
۲۰	تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی مصرف در استان
۲۱	تأثیر مرز نشینی بر ادبیات بکار گرفته در تبلیغات محیطی
۲۲	بررسی عوامل مؤثر بر انحطاط فرهنگ بومی بندر عباس

ضمناً این شورا از عناوین پژوهشی که
متناسب با وضعیت فرهنگی - ادبی /
فرهنگی - اجتماعی / فرهنگی -
تاریخی و هنری جامعه استان و نیازهای
کاربردی این اداره کل باشد استقبال
می نماید و آمادگی خود را جهت
حمایت از پایان نامه های کارشناسی
ارشد و دکتری در زمینه های فوق و
نیز موضوعات مرتبط به فعالیت های
اداره کل اعلام می دارد.

نشانی

بندرعباس ، بلوار امام خمینی ، میدان شهداء ، بلوار پاسداران ، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
هرمزگان ، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۳-۴۳۲۰۵۵۵ فاکس: ۵۵۵۴۸۸

اشتراک سالانه

خارج کشور	داخل کشور	
۴۰ دلار	۲۴۰۰۰ ریال	اشخاص حقیقی (افراد)
۴۰ دلار	۱۲۰۰۰	اشخاص حقوقی (مؤسسه ها)
۳۰ دلار	۲۰۰۰۰ ریال	دانشجویان، فرهنگیان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها
۲۰ دلار	۱۲۰۰۰ ریال	بهای تک شماره نشریه

مشترکان محترم می توانند بهای اشتراک خود را به حساب شماره ۱۵۵۱۸۸۹۸۳۳ بانک ملت بندرعباس شعبه امامزاده سید مظفر ، کد بانک ۴۳۲۲۴ به نام فصلنامه گلپنگ واریز و فتوکپی قبض پرداخت را با نام و نشانی دقیق به نشانی فصلنامه ارسال نمایند. ضمناً دانشجویان ، فرهنگی ها و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها ، فتوکپی معرفی نامه یا کارت شناسایی خود را همراه برگ درخواست ارسال دارند.